



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



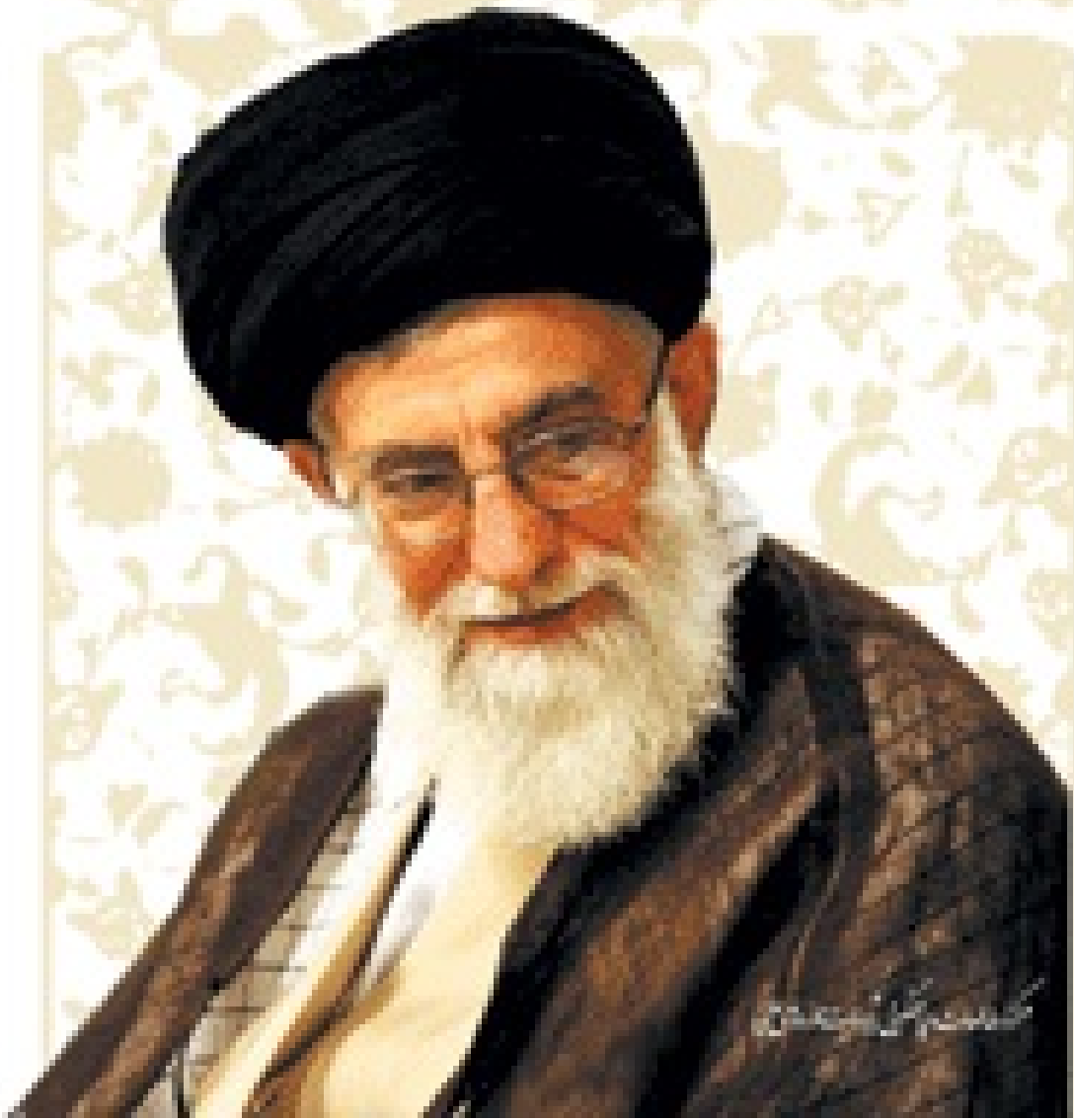
الرأیا
علیها یصی
بها

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

وزیر اعظم پاکستان
وزیر امور خارجہ پاکستان
محکمہ خارجہ پاکستان، پاکستان
پشاور، پاکستان، نومبر ۱۹۸۸ء

روز لال فقہ حلیہ بیت
وجودہ کراچی

ملا فوفیہ



کتاب خانہ بیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ولایت فقیه در زلال فقه اهل بیت (علیهم السلام)

نویسنده:

مرکز مطالعات و پاسخ گو به شبهات حوزه های علمیه

ناشر چاپی:

مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات حوزه های علمیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	ولایت فقیه در زلال فقه اهل بیت (علیهم السلام)
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۰	مقدمه:
۲۲	فصل اول: مباحث مقدماتی
۲۲	مباحث مقدماتی
۲۴	ضرورت حکومت در قرآن
۲۶	عدم انفکاک حکومت از نظام جامع تربیت دینی
۲۸	فصل دوم: مبانی دینی ولایت فقیه
۲۸	شیوه اعمال حاکمیت الهی
۳۰	ولایت و جانشینی معصومین؛ در «بلاغ احکام» و «مدیریت جامعه»
۳۳	لزوم اعمال حاکمیت الهی در زمان غیبت
۳۴	تعریف «ولایت فقیه» به زبان ساده
۳۶	ضرورت فقیه بودن حاکم اسلامی
۳۷	دلایل روایی لزوم رجوع به فقها در زمان غیبت
۳۷	۱. توقیع شریف:
۳۹	تفسیر شیخ انصاری (قدس سره) از توقیع شریف:
۴۱	۲. مقبوله «عمر بن حنظله»
۴۳	۳. روایت «اللَّهُمَّ اِزْحَمْ خُلَفَائِي»
۴۶	دلایل عقلی اثبات ولایت فقیه
۴۶	دلیل عقلی اول:
۴۸	دلیل عقلی دوم:

- ۵۴ دلیل عقلی سوم:
- ۵۷ ولایت فقیه در اندیشه فقهای سلف
- ۵۷ اشاره
- ۵۸ شیخ مفید (محمد بن محمد نعمان): ۴۱۳ هـ - ق .
- ۵۸ شیخ طوسی (محمد بن حسن بن علی طوسی): ۴۶۰ هـ - ق .
- ۵۹ ابن ادریس حلی؛ ۵۹۸ هـ - ق .
- ۵۹ علامه حلی (حسن بن یوسف): ۷۲۶ هـ - ق .
- ۵۹ فخر المحققین (محمد بن حسن بن یوسف): ۷۷۱ هـ - ق .
- ۶۰ شهید اول (محمد بن مکی): ۷۸۶ هـ - ق .
- ۶۰ محقق ثانی (علی بن الحسین بن عبدالعالی کرکی): ۹۴۰ هـ - ق .
- ۶۰ مقدس اردبیلی (احمد بن محمد اردبیلی): ۹۹۳ هـ - ق .
- ۶۱ سید محمد جواد عاملی (صاحب مفتاح الکرامه): ۱۲۲۶ هـ - ق .
- ۶۱ ملا احمد نراقی (احمد بن مهدی بن ابی ذر): ۱۲۴۴ هـ - ق .
- ۶۲ صاحب جواهر (محمد حسن نجفی): ۱۲۶۶ هـ - ق .
- ۶۳ صاحب ریاض (علی بن محمد ابی المعالی): ۱۲۳۱ هـ - ق .
- ۶۳ شیخ انصاری (مرتضی بن محمد امین): ۱۲۸۱ هـ - ق .
- ۶۴ شیخ فضل الله نوری؛ ۱۳۲۷ هـ - ق .
- ۶۴ آیه الله بروجردی؛ ۱۳۲۹ هـ - ق .
- ۶۶ اختیارات ولایت فقیه در اندیشه فقیهان شیعه
- ۶۶ محقق کرکی (رحمه الله علیه):
- ۶۶ شهید ثانی (رحمه الله علیه):
- ۶۶ فیض کاشانی (رحمه الله علیه):
- ۶۷ مولی احمد نراقی (رحمه الله علیه):
- ۶۸ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) (رحمه الله علیه):
- ۶۸ شیخ مرتضی انصاری (رحمه الله علیه):
- ۶۹ آیه الله شیخ عبدالله مامقانی (رحمه الله علیه):

۷۰	ملا حبیب الله شریف کاشانی (رحمه الله عليه):
۷۰	علامه محمد رضا مظفر (رحمه الله عليه):
۷۱	حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله عليه):
۷۱	آیت الله شیخ مرتضی حائری (رحمه الله عليه):
۷۱	آیت الله گلپایگانی (رحمه الله عليه):
۷۲	حضرت آیت الله سیستانی (رحمه الله عليه):
۷۲	نسبت اختیارات ولی فقیه، با اختیارات معصومین علیهم السلام
۷۵	ولایت مطلقه و قانون
۷۷	مطلقه بودن ولایت فقیه و شائبه استبداد
۷۹	شرایط ولایت فقیه
۷۹	اشاره
۸۱	۱. علم و اجتهاد
۸۳	۲. عدالت و تقوی
۸۵	۳. درایت، تدبیر و کارآمدی
۸۸	فصل سوم: ولایت فقیه در عرصه تطبیق
۸۸	۱. علم و فقاہت
۸۸	اشاره
۸۹	حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)
۹۰	شہید آیت الله صدوقی (ره):
۹۱	آیت الله مشکینی (ره):
۹۲	آیت الله مصباح یزدی:
۹۳	آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی (ره):
۹۴	آیت الله العظمی مظاہری:
۹۴	آیت الله سید محمود ہاشمی شاہرودی:
۹۶	آیت الله سید عباس خاتم یزدی: (عضو شورای استفتاء حضرت امام خمینی (ره) و آیه الله العظمی اراکی)
۹۶	آیت الله شیخ ہادی روحانی:

آیت الله محمد یزدی: ۹۷

آیت الله مومن (نماینده مجلس خبرگان رهبری): ۹۷

آیت الله حاج سید جعفر کریمی: (عضو جامعه مدرسین، شورای استفتاء حضرت امام خمینی (ره) و آیه الله العظمی اراکی) ۹۸

آیت الله قدیری(ره): ۹۸

آیت الله امامی کاشانی: ۹۸

آیت الله امینی: ۹۹

آیت الله موسوی همدانی (ره): ۹۹

آیت الله غروی: ۹۹

۲. عدالت و تقوی ۱۰۰

اشاره ۱۰۰

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی(ره): ۱۰۲

علامه حسن زاده آملی: ۱۰۲

آیت الله جوادی آملی: ۱۰۴

آیت الله مصباح یزدی: ۱۰۵

حجت الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی: ۱۰۶

حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی(ره): ۱۰۸

سردار سرتیپ پاسدار شهید شوشتری: ۱۰۹

سردار سرلشکر سیدرحیم صفوی: ۱۰۹

۳. درایت، تدبیر و کارآمدی ۱۱۰

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی(ره): ۱۱۰

آیت الله العظمی اراکی(ره): ۱۱۰

آیت الله العظمی نوری همدانی: ۱۱۰

آیت الله جوادی آملی: ۱۱۲

علامه محمد حسین حسینی طهرانی: ۱۱۲

آیت الله مصباح یزدی: ۱۱۳

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی: ۱۱۵

- آیت الله علوی گرگانی: ۱۱۶
- آیت الله خزعلی: ۱۱۶
- آیت الله امامی کاشانی: ۱۱۷
- آیت الله واعظ زاده خراسانی: ۱۱۷
- آیت الله مهدوی کنی: ۱۱۷
- آیت الله مجتهد شبستری (امام جمعه تبریز): ۱۱۸
- سردار باقرزاده (رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس): ۱۱۸
- سردار سرتیپ پاسدار علی فضلی: ۱۱۹
- آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری (عضو خبرگان رهبری ، امام جمعه قم و رئیس سابق حوزه علمیه قم): ۱۲۰
- آیت الله عبدالنبی نمازی (عضو مجلس خبرگان رهبری): ۱۲۰
- فصل چهارم: ولایت فقیه و ۲۱ سال کارآمدی ۱۲۱
- اشاره ۱۲۱
۱. مدیریت کلان کشور ۱۲۲
- اشاره ۱۲۲
- ۱-۱. آرمان آفرینی و گفتمان سازی ۱۲۳
- ۱-۲. سیاستگذاری کلان برای نظام ۱۲۵
- ۱-۳. فرمان تدوین چشم انداز ۲۰ ساله و پیگیری اجرای آن ۱۲۶
۲. مدیریت راهبردی علم و فناوری ۱۳۰
- اشاره ۱۳۰
- ۲-۱. طرح بحث «جنبش نرم افزاری و تولید علم» ۱۳۱
- ۲-۲. حمایت عملی و قاطعانه از فعالیت های شاخص علمی ۱۳۴
- ۲-۲-۱. سلولهای بنیادی و پژوهشکده رویان ۱۳۵
- ۲-۲-۲. فناوری هسته ای ۱۳۸
۳. مدیریت بحران ۱۴۵
- اشاره ۱۴۵
- ۳-۱. تشخیص به موقع رویدادها و پیش بینی تهدیدها ۱۴۶

- ۱-۱-۳. تهاجم فرهنگی ۱۴۷
- ۳-۲. تصمیم‌گیری به موقع و مهار بحران ۱۵۱
- ۳-۲-۱. جنگ خلیج فارس ۱۵۲
- ۳-۲-۲. ماجرای میکونوس و ایستادگی در برابر تمام اروپا! ۱۵۵
- ۳-۲-۳. مهار فتنه ۸۸ ۱۵۸
- مقطع اول - قبل از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۶۰
- الف) گفت‌وگو سازی ۱۶۰
- ب) دعوت به مشارکت همگانی ۱۶۱
- ج) هشدار و ایجاد حساسیت نسبت به تردید افکنی درباره سلامت انتخابات ۱۶۵
- د) مدیریت فضای ملتهب بعد از مناظره ها و تذکر جدی به «همه نامزدها» ۱۶۶
- مقطع دوم - از ۲۲ خرداد تا ۲۲ بهمن ۱۶۶
- الف) تحلیل عادلانه و غیرجانبدارانه از حوادث قبل و بعد از انتخابات ۱۶۶
- ب) تحلیل حوادث بعد از انتخابات به عنوان «فتنه عمیق» ۱۶۸
- اشاره ۱۶۸
۱. تبیین شرایط فتنه ۱۶۸
۲. تبیین روش امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مقابله با فتنه ها ۱۷۰
۳. طرح «بصیرت» به صورت یک گفت‌وگو و انتخاب راهبرد «روشنگری و شفاف سازی» در برابر فتنه ۱۷۰
۴. تذکر جدی به دلسوزان انقلاب مبنی بر بازی نکردن در زمین دشمن ۱۷۲
- ج) تاکید بر فصل الخطاب بودن قانون ۱۷۲
- د) بوجود آوردن فضای فعال در جریان انقلاب با تحلیل «جنگ نرم» و افشای محورهای اصلی آن ۱۷۳
- هـ-) ناکام گذاشتن استراتژی فشار از پایین و چانه زنی در بالا ۱۷۴
- ضمیمه آشنایی به مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات مرکز مدیریت حوزه های علمیه ۱۷۷
- درباره مرکز ۱۸۱

ولایت فقیه در زلال فقه اهل بیت (علیهم السلام)

مشخصات کتاب

سرشناسه : طاهری، محمدرضا، - 1340

عنوان و نام پدیدآور : ولایت فقیه/ محمدرضا طاهری - مجید تقی زاده رحمت آبادی؛ تهیه کننده مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه قم

مشخصات نشر : قم: حوزه علمیه قم، مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی، 1389.

مشخصات ظاهری : ص 121

شابک : -54-2638-964-978

یادداشت : پشت جلد لاتینی شده: Velayat -e faghih.

یادداشت : کتابنامه: ص. 121 - 116؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : ولایت فقیه

موضوع : اسلام و دولت

موضوع : رهبری (اسلام)

موضوع : اهل بیت (علیهم السلام)

موضوع : فقه

شناسه افزوده : حوزه علمیه قم. مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی

رده بندی کنگره : BP223/8 ج 7 و 8 1381

رده بندی دیویی : 297/45

ص : 1

اشاره

نام کتاب: ولایت فقیه، در زلال فقه اهل بیت (علیهم السلام) و دو دهه کارآمدی

مؤلفان: محمدرضا طاهری - مجید تقی زاده رحمت آبادی

تهیه کننده: مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات

(ویژه پنجمین همایش روحانیت استان همدان)

ناشر: انتشارات مرکز مدیریت حوزه ی علمیه ی قم

چاپ: اول / تابستان 1389 - دوم / پاییز 1389

شمارگان: 2000 نسخه

قیمت: 1800 تومان

قم: صندوق پستی 6644/37185 تلفن: 7737217

شابک: 3-54-2638-964-978

مراکز پخش:

قم: خ شهدا (صفائیه) کوچه ی شماره ی 19، پلاک 45، مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات حوزه های علمیه

تلفن: 7737217، تلفکس: 7737213

قم: مدرسه ی عالی دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه ی علمیه قم، تلفن: 7748383

کلیه ی حقوق برای تهیه کننده محفوظ است.

با قدردانی از تمامی کسانی که در تولید این اثر نقش داشته اند از جمله پژوهشگران بزرگوار: حجج اسلام سید علی اصغر اسدی، حمید
عسگرلو، حمدالله علیرضالو، رمضانعلی رحمتی، محمدرضا رهامی و غلامرضا شاهلو و آقایان: محمد جواد شریفی: معاون اجرایی مرکز
ابراهیم حنیف نژاد: طراح جلد مجید تقی زاده رحمت آبادی: صفحه آرا

رئيس مركز: محمدرضا باقرزاده

ص: 2

مقدمه ... 7

فصل اول: مباحث مقدماتی 9

ضرورت حکومت در قرآن.. 11

عدم انفکاک حکومت از نظام جامع تربیت دینی... 13

فصل دوم: مبانی دینی ولایت فقیه 15

شیوة اعمال حاکمیت الهی... 15

ولایت و جانشینی معصومین؛ در «ابلاغ احکام» و «مدیریت جامعه». 17

لزوم اعمال حاکمیت الهی در زمان غیبت... 20

تعریف «ولایت فقیه» به زبان ساده. 21

ضرورت فقیه بودن حاکم اسلامی... 23

دلایل روایی لزوم رجوع به فقها در زمان غیبت... 24

1. توقیع شریف: 24

2. مقبوله «عمر بن حنظله» 28

3. روایت «اللَّهُمَّ اِرْحَمْ خُلَفَائِي» 30

دلایل عقلی اثبات ولایت فقیه.. 33

دلیل عقلی اول: 33

دلیل عقلی دوم: 35

دلیل عقلی سوم: 41

ولایت فقیه در اندیشه فقهای سلف... 44

اختیارات ولایت فقیه در اندیشه فقیهان شیعه.. 53

نسبت اختیارات ولی فقیه، با اختیارات معصومین... 60

ولایت مطلقه و قانون.. 63

مطلقه بودن ولایت فقیه و شائبه استبداد. 65

شرایط ولایت فقیه.. 67

1. علم و اجتهاد. 69

2. عدالت و تقوی. 71

3. درایت، تدبیر و کارآمدی. 73

فصل سوم: ولایت فقیه در عرصه تطبیق 76

1. علم و فقاہت... 76

2. عدالت و تقوی... 88

3. درایت، تدبیر و کارآمدی... 98

فصل چهارم: ولایت فقیه و 21 سال کارآمدی 110

1. مدیریت کلان کشور. 111

1-1. آرمان آفرینی و گفتمان سازی. 112

1-2. سیاستگزاری کلان برای نظام. 114

1-3. فرمان تدوین چشم انداز 20 ساله و پیگیری اجرای آن. 115

2. مدیریت راهبردی علم و فناوری... 119

1-2. طرح بحث «جنش نرم افزاری و تولید علم» 120

2-2. حمایت عملی و قاطعانه از فعالیت های شاخص علمی. 124

1-2-2. سلولهای بنیادی و پژوهشکده رویان. 124

2-2-2. فناوری هسته ای. 127

3. مدیریت بحران.. 134

3-1. تشخیص به موقع رویدادها و پیش بینی تهدیدها 135

3-1-1. تهاجم فرهنگی. 136

3-2. تصمیم گیری به موقع و مهار بحران. 140

ص: 4

1-2-3. جنگ خلیج فارس.. 141

2-2-3. ماجرای میکونوس و ایستادگی در برابر تمام اروپا! 144

3-2-3. مهار فتنه 88. 147

مقطع اول - قبل از انتخابات 22 خرداد. 149

الف) گفتمان سازی... 149

ب) دعوت به مشارکت همگانی... 150

1. تأکید مستمر بر مشارکت گسترده مردم به عنوان مسئله اول انتخابات (تقریباً در همه سخنرانی های پیش از انتخابات) 150

2. تأکید بر اهمیت اصل انتخابات در تعیین سرنوشت کشور. 151

3. افشای برنامه و خواست دشمن برای کاهش مشارکت مردم. 151

4. ترسیم فضایی امید و چشم انداز مثبت و رو به جلو برای کشور. 152

5. ابراز اعتماد به تشخیص و انتخاب مردم. 153

6. تقویت فضای رقابتی و آزاد در انتخابات. 153

ج) هشدار و ایجاد حساسیت نسبت به تردید افکنی درباره سلامت انتخابات... 154

د) مدیریت فضای ملتهب بعد از مناظره ها و تذکر جدی به «همه نامزدها». 155

مقطع دوم - از 22 خرداد تا 22 بهمن. 155

الف) تحلیل عادلانه و غیرجانبدارانه از حوادث قبل و بعد از انتخابات... 155

ب) تحلیل حوادث بعد از انتخابات به عنوان «فتنه عمیق». 157

1. تبیین شرایط فتنه. 157

2. تبیین روش امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مقابله با فتنه ها 159

3. طرح «بصیرت» به صورت یک گفتمان و انتخاب راهبرد «روشنگری و شفاف سازی» در برابر فتنه 160

4. تذکر جدی به دلسوزان انقلاب مبنی بر بازی نکردن در زمین دشمن.. 161

ج) تاكيد بر فصل الخطاب بودن قانون.. 162

ص: 5

د) بوجود آوردن فضاي فعال در جريان انقلاب با تحليل «جنگ نرم» و افشاي محورهاي اصلي آن.. 162

ه-) ناکام گذاشتن استراتژي فشار از پايين و چانه زني در بالا.. 164

ص: 6

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران، جهان بشری با تجربه جدیدی در عرصه نظام های سیاسی مواجه شد و آن اداره نظام سیاسی بر اساس نظریه ولایت فقیه بود. این تجربه - که تحقق آن، یادگار ارزنده حضرت امام خمینی (قدس سره) است، برای بشر امروز که انواع نظام های بشری را آزموده و در هیچ يك، درمان دردهای اساسی خود را نیافته، آزمایشی مهم و تعیین کننده است. الگویی جدید که با توان مندی در حل مشکلات انسان معاصر در حیات فردی و اجتماعی می تواند جامعه را به آرامش و آسایش برساند، فقر و جهل و بی ایمانی و تبعیض و بی عدالتی را ریشه کن کند و در صحنه جهانی، با دردهای مزمن بشر به مبارزه برخیزد.

موضوع ولایت فقیه مسئله ای است که از ابعاد مختلف می بایست مورد توجه قرار گیرد؛ از میان رویکردهای گوناگون، این اثر سه زاویه را - هر چند گذرا و گزارش گون - مورد توجه قرار داده است؛ اول جایگاه حکومت و اداره امور جامعه در اسلام، از منظر منابع دینی، یعنی آیات قرآن،

روایات معتبر و اقوال فقهی و کلامی علمای شیعه در تاریخ تشیع است.

منظر دوم، تطبیق شاخصه های ذکر شده در آیات، روایات و متون علمی فقها برای ولایت فقیه، بر ویژگی هایی است که علمای اعلام و بزرگان حوزه علمیه برای حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) برشمرده اند.

و بالاخره بررسی کارآمدی نظریه ولایت فقیه در مدیریت جامعه با رویکرد ارزیابی دوران رهبری معظم له، بخش سوم از این مجموعه را به خود اختصاص می دهد.

هر چند آثار گونه گونی در تشریح منظر نخست به رشته تحریر در آمده، اما دورویکرد دیگر - خصوصاً کارآمدی مدیریتی - کمتر مورد توجه مؤلفین و محققین این حوزه قرار گرفته است. لذا این مرکز بر آن شد که با تولید این اثر - که دیباچه ای بر این حوزه پژوهشی محسوب می شود - باب این بحث را گشوده و فرصتی برای تأمل بیشتر بر این موضوع بگشاید.

امید که «جامعه اسلامی ما بتواند با حرکت به سمت اهداف عالی اسلام، فقه اسلامی را به طور کامل در همه شئون و همه کیفیات زندگی خود به اجرا برساند و ان شاء الله حضور ولی فقیه و نظام ولایت فقیه، ما را به سمت حاکمیت روزافزون اسلام در امور اجتماعی و فردی ما سوق بدهد.»⁽¹⁾

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

ص: 8

مباحث مقدماتی

هدف تمام پیامبران، کشاندن مردم به صراط مستقیم است و صراط مستقیم هم یعنی عبودیت؛ «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ». البته این عبودیت، در زمینه اخلاق، در زمینه عمل فردی و در زمینه عمل اجتماعی کاربرد دارد.

اشتباه کسانی که در گذشته مسائل سیاسی را کنار می گذاشتند، در این بود که عبودیت را به منطقه فردی منحصر می کردند. این درست است که هدف، کشاندن مردم به عبودیت است؛ اما عبودیت منطقه وسیعی در زندگی انسان دارد و به عمل شخصی منحصر نیست. وقتی که عمل جامعه، عمل يك مجموعه عظیم انسانی و مردم يك کشور، عمل اقتصادی، عمل سیاسی و موضع گیری های سیاسی مشمول بحث عبودیت شد، آن وقت دعوت پیامبران شامل همه این مسائل می گردد.

یکی از اندیشمندان اسلامی در این باره می فرمایند:

«آیة (يَعْبُدُونِي، لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)» (1) مفهومش این است: هدف نهائی از فراهم آمدن حکومت عدل، ریشه دار شدن آئین حق، گسترش امن و آرامش، همان استحکام پایه های عبودیت و توحید است، که در آیه دیگر قرآن، به عنوان هدف آفرینش ذکر شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ (2) من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه عبادتم کنند.

ممکن است با استفاده از تعلیم و تربیت و تبلیغ مستمر، گروهی را متوجه حق نمود، ولی تعمیم این مسئله در جامعه انسانی، جز از طریق تأسیس حکومت صالحان باایمان امکان پذیر نیست؛ به همین دلیل، انبیاء بزرگ همتشان تشکیل چنین حکومتی بوده؛ مخصوصاً پیامبر اسلام (صلي الله عليه وآله) در نخستین فرصت ممکن - یعنی به هنگام هجرت به مدینه - اقدام به تشکیل نمونه ای از این حکومت کرد.

از اینجا نیز می توان نتیجه گرفت که چنین حکومتی تمام تلاش ها و کوشش هایش از جنگ و صلح گرفته تا برنامه های آموزشی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی، همه در مسیر بندگی خدا، بندگی خالی از هر گونه شرك است. (3)

پس می توان گفت: توحید عبارت است از حاکمیت الله بر زندگی انسان ها؛ نه فقط اینکه انسان معتقد باشد که يك خدایی هم هست. وگرنه خود کفار قریش هم معتقد به خدا بودند؛ البته آنها شريك قائل

ص: 10

1- . نور: 59

2- . الذاریات: 56

3- . آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 14، ص 532

بودند برای خدا، آن شرکا را هم شفعی خودشان می دانستند پیش پروردگار. توحید به آن حاقّ معنای توحید، عبارت از این است که در جامعه حاکمیت خدا باشد.

ضرورت حکومت در قرآن

در قرآن، يك هدف بزرگ نبوت ها و رسالت ها، اقامه عدل معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (1). اصلا انزال کتاب های الهی و ارسال رسل برای این بوده است که قسط و عدل در میان جوامع حاکم شود؛ یعنی نمادهای ظلم و زورگویی و فساد از میان برخیزد.

مهمترین کار انبیای عظام الهی، مقابله با طواغیت و کسانی است که نعمت های خدا را ضایع کردند و سعی کردند تا فساد را جهانگیر کنند: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (2).

رهبر معظم انقلاب در تبیین وظیفه پیامبران می فرماید:

«انبیاء کارشان مسئله گویی فقط نبود. اگر انبیاء فقط به این اکتفا می کردند که حلال و حرامی را برای مردم بیان کنند، این که مشکلی وجود نداشت؛ کسی با اینها در نمی افتاد. در این آیات شریفه... «الَّذِينَ»

ص: 11

1- ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. (حدید: 25)

2- (به شهادت اینکه) وقتی بر می گردند (و یا وقتی به ولایت و ریاستی می رسند) با تمام نیرو در گستردن فساد در زمین می کوشند و به مال و جانها دست می اندازند. (بقره: 205)

يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»، (1) این چه تبلیغی است که خشیت از مردم در او مندرج است که انسان باید از مردم ترسد در حال این تبلیغ؟! اگر فقط بیان چند حکم شرعی بود که ترس موردی نداشت که خدای متعال تمجید کند که از مردم نمی ترسند؛ از غیر خدا نمی ترسند. این تجربه های دشواری که انبیاء الهی در طول عمر مبارک خودشان متحمل شدند، برای چی بود؟ چه کار می کردند؟ «وَكَايُنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا». (2) چه بود این رسالتی که باید برایش جنگید؟ باید جنود الله را برای او بسیج کرد، پیش برد؛ فقط گفتن چند جمله حلال و حرام و گفتن چند مسئله است؟! انبیاء برای اقامه حق، برای اقامه عدل، برای مبارزه با ظلم، برای مبارزه با فساد قیام کردند، برای شکستن طاغوت ها قیام کردند. طاغوت آن بتی نیست که به فلان دیوار یا در آن زمان به کعبه آویزان می کردند؛ او که چیزی نیست که طغیان بخواهد بکند. طاغوت آن انسان طغیان گری است که به پشتوانه آن بت، بت وجود خود را بر مردم تحمیل می کند. طاغوت، فرعون است؛ «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ

ص: 12

-
- 1- . (پیامبران) پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت های الهی می کردند و (تنها) از او می ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند. (احزاب: 39)
 - 2- . چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند). (آل عمران: 146)

أَهْلَهَا شَيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ» (1) این، طاغوت است. با اینها جنگیدند، با اینها مبارزه کردند، جان خودشان را کف دست گذاشتند، در مقابل ظلم ساکت نشستند، در مقابل زورگویی ساکت نشستند، در مقابل اضلال مردم سکوت نکردند. انبیاء، اینند» (2)

عدم انفکاک حکومت از نظام جامع تربیت دینی

«می گویند مملکت همین قدر که دین داشته باشد، دین، مردم را بی نیاز می کند از اینکه حکومت داشته باشند. اتفاقاً این همان حرفی است که خوارج می گفتند. آنها می گفتند: «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (3).

در نهج البلاغه، حضرت علی (علیه السلام) در مورد این سخن می فرماید: «كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا الْبَاطِلُ»؛ (4) این حرف درستی است، اما این جور که اینها قصد می کنند غلط است. «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»، حکم از ناحیه خدا باید باشد، حرف درستی است اما اینها این حرف درست را در مورد غلط به کار می برند. «وَلَكِنْ هُوَ لَا يَقُولُونَ: لَا أَمْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ»؛ (5) یعنی امیری مردم باید با خدا باشد، این که نمی شود. «وَلَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ»؛ (6) مردم

ص: 13

1- فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه های مختلفی تقسیم نمود گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند. (قصص: 4)

2- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان 23/2/1388

3- إرشاد القلوب إلى الصواب، ج 2، ص 357

4- نهج البلاغه، خطبه 40

5- همان

6- همان

احتیاج به امیر و حاکم دارند، حالا یا خوب باشد یا بد؛ یعنی در درجه اول باید خوب باشد و در درجه دوم بد بودنش از نبودنش بهتر است؛ یعنی وجود قانون- ولو قانون غیردینی- مُقنِع و کفایت کننده از اینکه مردم حکومت داشته باشند، نیست. و لهذا مسئله خلافت را، هم ما شیعه ها و هم سنی ها هر دو قبول داریم. حتی خوارج هم ابتدا گفتند که احتیاج به خلیفه ندارند، ولی بعد خودشان آمدند با يك خلیفه بیعت کردند. پس شیعه و سنی در این جهت اتفاق دارند که دین داشتن، معنایش این نیست که حالا- که دین داریم، پس دیگر حکومت لازم نیست. هر دو می گویند حکومت می خواهیم؛ منتهی در حکومت بعد از پیغمبر، سنی ها از يك راه رفتند و شیعه ها گفتند کسی لایق است که پیغمبر او را تعیین کرده باشد.»(1)

ص: 14

شیوه اعمال حاکمیت الهی

نویسنده دانشمند کتاب «مبانی حکومت اسلامی» در تشریح شیوه اعمال ولایت الهی می نویسد:

«وقتی که حاکمیت از آن خدا باشد، تعیین بزرگ ترین حاکم (فرمانده کل) نیز تنها حق او است، منتهی اگر مصلحت اقتضاء کند، شخص حاکم را با نام تعیین می کند و یا اینکه اگر صلاح بداند، فقط به ذکر صفات کلی حاکم اکتفاء می نماید چنان که تمام مسلمانان در این باره اتفاق نظر دارند، که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از طرف خداوند به عنوان حاکم منصوب شده بود.

مسلم است اگر کسی به این سمت از طرف خداوند منصوب شود، مردم حق ندارند او را کنار بگذارند و برای خود حاکم دیگری انتخاب نمایند، چنان که می فرماید:

«وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ

أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَ رِسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا؛ هیچ مرد و زن با ایمان را نرسد که چون خدا و فرستاده اش فرمانی دهد، آنها در پذیرفتن آن اختیار داشته باشند (بتوانند نپذیرند) و هرکس خدا و رسولش را نافرمانی کند، گمراه شده است؛ گمراهی آشکار! (1)

خدا به حاکمیت پیامبر و صاحبان امری که بعد از پیامبر هستند، در آیه شریفه تصریح کرده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (2) کسانی که ایمان آورده اید، خدا و پیامبر و صاحبان امر را فرمان برید.

واضح است و جوب اطاعت از فرمان پیامبر و صاحبان امر در آنچه امر و نهی می کنند، دلیل حاکمیت و صاحب اختیار بودن آنان است، که از طرف خداوند به این سمت منصوب شده اند. قرآن مجید بر ولایت پیامبر و حاکمیت او بر جان مردم، علاوه بر اموال آنان تصریح دارد، آنجا که می فرماید:

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (3)

این آیه به طور وضوح دلالت دارد که خداوند پیامبر را به عنوان حاکم نصب کرده و او را بر جان و مال مردم مسلط گردانیده است، تا در اجرای حق و عدالت و اصلاح جامعه از آن استفاده نماید.

به خصوص اینکه در تفسیر آیه، از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرموده: «این آیه درباره حکومت نازل شده است. (4)

ص: 16

1- . سوره احزاب، آیه 36

2- . سوره نساء، آیه 59

3- . سوره احزاب، آیه 6

4- . مجمع البحرین، ص 457

علاوه بر این، درباره اینکه پیامبر از طرف خداوند به عنوان حاکم تعیین شده، دلیل بیش از این است؛ ولی چون کسی از مسلمانان در این باره اختلاف نکرده است، لذا نیازی به ذکر آنها نیست.»(1)

علامه طباطبایی نیز در «تفسیر المیزان» به ادله قرآنی این بحث اشاره می نماید:

«ولایت خدای سبحان یعنی سرپرست او نسبت به امور بندگان و تربیت آنان به وسیله دین تمام نمی شود، مگر به ولایت رسولش؛ و ولایت رسولش نیز تمام نمی شود، مگر به ولایت اولی الامر که بعد از درگذشت آن جناب و به اذن خدای سبحان زمام این تربیت و تدبیر را به دست بگیرند؛ هم چنان که خدای تعالی به این مطلب تصریح کرده می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»(2)، و نیز می فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»(3)»(4)

ولایت و جانشینی معصومین؛ در «ابلاغ احکام» و «مدیریت جامعه»

معنی اولی امامت، همین ریاست عامه است؛(5)

یعنی پیغمبر که از دنیا

ص: 17

1- . آیه الله العظمی سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص 106

2- . نساء: 59

3- . مائده: 55

4- . علامه طباطبایی (ره)، ترجمه المیزان، ج 5، ص 291

5- . امامت عبارت است از تحقق بخشیدن برنامه های دینی اعم از حکومت به معنی وسیع کلمه، و اجرای حدود و احکام خدا و اجرای عدالت اجتماعی و همچنین تربیت و پرورش نفوس در ظاهر و باطن (آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 1، ص 438)

می رود، یکی از شؤون او که بلا تکلیف می ماند، رهبری اجتماع است. اجتماع، زعیم می خواهد و هیچ کس در این جهت تردید ندارد. زعیم اجتماع بعد از پیغمبر کیست؟ این است مسئله ای که اصل آن را، هم شیعه قبول دارد و هم سنی؛ هم شیعه قبول دارد که اجتماع نیازمند به يك زعیم و رهبر عالی و فرمانده است و هم سنی، و در همین جاست که مسئله خلافت به آن شکل مطرح است.

شیعه می گوید پیغمبر (صلی الله علیه و آله) رهبر و زعیم بعد از خودش را تعیین کرد و گفت: بعد از من زمام امور مسلمین باید به دست علی (علیه السلام) باشد. و اهل تسنن با اختلاف منطقی که دارند، این مطلب را لاقلاً به شکلی که شیعه قبول دارد، قبول ندارند و می گویند در این جهت پیغمبر شخص معینی را تعیین نکرد و وظیفه خود مسلمین بوده است که رهبر را بعد از پیغمبر انتخاب کنند. پس آنها هم اصل امامت و پیشوایی را- که مسلمین باید پیشوا داشته باشند- قبول دارند؛ منتها آنها می گویند پیشوا به آن شکل تعیین می شود و شیعه می گوید خیر، به آن شکل تعیین شد؛ پیشوا را خود پیغمبر اکرم به وحی الهی تعیین کرد. (1)

پس در اصل لزوم رهبر و مدیر برای اداره جامعه، اختلافی نیست؛ اما انتصاب این مدیریت به خدا چگونه اثبات می شود؟

ص: 18

یکی از کارشناسان برجسته شیعه در این باره می نویسد: (1)

«می دانیم در امر خلافت و جانشینی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در میان مسلمین اختلاف نظر است. پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، معتقد به «نصّ» می باشند و می گویند: یکی از کارهای مهم پیامبر (صلی الله علیه و آله) تعیین خلیفه و رهبر سیاسی اجتماعی برای مردم پس از خود می باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در فکر رهبری سیاسی - اجتماعی پس از خود نیز بود و بر این اساس، به منظور آنکه امت، بعد از او احساس خلأ رهبری نکند به امر خدا در صحرای غدیر خم، علی (علیه السلام) را به رهبری و پیشوایی مردم معرفی کرد و آنچه از جانب خدا در ضمن دو آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» (2) و «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (3) بر آن حضرت نازل گشت را بر مردم ابلاغ کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ». (4)

یزید کناسی از امام باقر (علیه السلام) سؤال می کند: ... آیا حضرت علی (علیه السلام)، از جانب خدا و رسولش حجّت بر مردم در زمان حیات رسول مکرم بود؟ آن حضرت پاسخ داد:

«... نَعَمْ، يَوْمَ أَقَامَهُ لِلنَّاسِ وَ نَصَبَ بِهِ عِلْمًا وَ دَعَاهُمْ إِلَى وَ لَايَتِهِ وَ أَمَرَهُمْ بِطَاعَتِهِ»؛ (5) آری! از روزی که او را به عنوان رهبر برگزید و مردم را به پذیرش رهبری آن حضرت دعوت کرد و آنان را به اطاعتش مأمور فرمود.»

ص: 19

1- . آیت الله مکارم شیرازی، دائرة المعارف فقه مقارن، ص 531

2- . مائده: 67

3- . مائده: 3

4- . الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج 1، ص 60

5- . الکافی، ج 1، ص 383

تسرّی ولایت امام زمان (عج) در عصر غیبت در کلام بسیاری از علما و فقهای شیعه مورد توجه قرار گرفته؛ یکی از اندیشمندان بزرگ حوزوی در این باب می نویسد:

«در عصر غیبت ولیّ زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که مسلمانان و جامعه اسلامی از ادراک برکات خاص ظهور ایشان محرومند، جاودانگی اسلام اقتضا دارد که همان دو شأن تعلیم دین و اجرای احکام اسلام، تداوم یابد؛ که این دو وظیفه، بر عهده نایبان ولی عصر (عج) می باشد و فقیهان عادل و اسلام شناس، از سویی با سعی بلیغ و اجتهاد مستمر، احکام کلی شریعت را نسبت به همه موضوعات و از جمله مسائل جدید و بی سابقه تبیین می نمایند و از سویی دیگر، با اجرای همان احکام استنباط شده، ولایت اجتماعی و اداره جامعه مسلمین را تداوم می بخشند.»⁽¹⁾

یکی دیگر از متفکران اسلامی نیز در این خصوص می فرماید:

«در پاسخ به این سؤال که «با عدم وجود پیامبر و غیبت جانشین او، مسئله رهبری متوقف می شود، و با توجّه به اصل خاتمیّت، انتظار ظهور پیامبر دیگری را نیز نمی توان داشت، آیا این امر ضایعه ای برای جامعه اسلامی نیست؟» می گوئیم: برای این دوران نیز پیش بینی لازم در اسلام شده است و از طریق «ولایت فقیه» است که رهبری را برای فقیهی که جامع شرایط و دارای علم و تقوی و بینش سیاسی در سطح عالی باشد تثبیت کرده است و طریق شناخت چنین رهبری نیز به روشنی در قوانین اسلام ذکر شده،

ص: 20

بنابراین از این ناحیه، نگرانی وجود نخواهد داشت.

بنابراین ولایت فقیه همان تداوم خط انبیا و اوصیای آنها است. رهبری فقیه جامع الشرایط، دلیل بر این است که جوامع اسلامی بدون سرپرست رها نشده اند.»(1)

حضرت امام خمینی (قدس سره) از زاویه ای دیگر این بحث را مورد توجه قرار داده، می نویسد:

«از غیبت صغرا تا کنون که بیش از هزار سال می گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود، و هر که هر کاری خواست بکند؟ هرج و مرج است؟ قوانینی که پیغمبر اسلام در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن 23 سال زحمت طاقت فرسا کشید فقط برای مدت محدودی بود؟! آیا خدا اجرای احکامش را محدود کرد به دوست سال؟! و پس از غیبت صغرا، اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟!»(2)

تعریف «ولایت فقیه» به زبان ساده

ابتدا باید معنای «ولایت» را دریافت. «ولایت، یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس... به عبارت دیگر، «ولایت» مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره جامعه»(3)

اگرچه ولایت يك امر سیاسی است، اما همه مضمون ولایت در سیاست خلاصه نمی شود. این

ص: 21

1- . آیت الله العظمی مکارم شیرازی، 50 درس اصول عقائد برای جوانان، ص 215

2- . امام خمینی، کتاب ولایت فقیه، ص 27

3- . امام خمینی، کتاب ولایت فقیه، ص 51

ولایت، پرتوی از ولایت ذات مقدّس پروردگار است. این ولایت، ناشی از حضور ولایت الهی در وجود امیرالمؤمنین است، همچنان که در وجود پیامبر مکرم اسلام بود... ولایت در حقیقت به معنای پیوند، ارتباط و اتصال است. آن کسی که منصوب به این مقام است، برخلاف حکام و فرمانروایان عالم، فقط يك فرمانروا یا يك سلطان و يك حاکم نیست؛ بلکه يك «ولی» است؛ به مردم نزدیک است؛ به آنها پیوسته است و مورد اتکای دل و جان مردم است. این معنا در امیرالمؤمنین و در ائمه معصومین (علیهم السلام) وجود دارد. بعد از دوران حضور ائمه هم اگر پرتوهایی از این حقیقت در جایی پیدا شود، ولایت در آن جا شکل می گیرد. حقیقت و معنای واقعی امر، این است.

حالا برویم سراغ مفهوم «فقیه»؛ فقیه یعنی چه؟ «فقیه» یعنی کسی که دین را می شناسد؛ راهی را که دین برای مردم ترسیم کرده است تا بتوانند سعادت و خوشبختی و آزادی و خوشی دنیا و آخرت را به دست بیاورند، او را می شناسد و در مقابل مردم می گذارد.

حاکمیت يك چنین انسانی، يك منطق عقلانی پشت سرش هست؛ که حاکمیت يك نظامی یا حاکمیت يك سرمایه دار یا حاکمیت يك سیاستمدار حزبی حرفه ای، چنین استدلالی را با خودش ندارد. (1)

ص: 22

حکومت اسلام، حکومت قانون است. پس قانون شناسان، و از آن بالاتر دین شناسان، (یعنی فقها) باید متصدی آن باشند.

آن کسی که می خواهد احکام الهی را جاری بکند در جامعه، یعنی مجری احکام الهی باشد و والی بر جامعه باشد و حاکم بر امور اجتماع باشد، این علم به چی داشته باشد خوب است؟ علم به هندسه؟ علم به طب؟ علم به میکروب شناسی یا علم به کتاب و سنت؟ خواهید گفت: خب پیدا است؛ علم به کتاب و سنت. حالا اگر دو نفر عالم به کتاب و سنت داشتیم، یکی کسی است که می داند اما به دانش خود عمل نمی کند- مثل آن تلاوت کننده قرآن، که قرآن او را لعنت می کند(1) - و دیگری کسی است که عامل به علم خود است. کدام اولی هستند؟ خواهید گفت: عالمی که به علم خود عمل می کند؛ یعنی همان ولی فقیه! می بینید که ولایت فقیه يك اصل بدیهی و مورد قبول همه است.

بله؛ اگر جامعه ای به ارزش های الهی و به ارزش های دینی اعتنایی نداشته باشد، می پذیرد که در رأس آن جامعه يك انسانی که از هیچ اخلاق انسانی هم برخوردار نیست، حاکم باشد؛ می پذیرد که مثلاً يك هنرپیشه در رأس يك جامعه قرار بگیرد؛ یا يك سرمایه دار بزرگ، اداره امور جامعه را به عهده داشته باشد. اما آن جامعه ای که پایبند به

ص: 23

1- . «رُبَّ تَالِي الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ» (جامع الأخبار، ص 48)

ارزش های الهی است، آن جامعه ای که توحید را قبول کرده است، نبوت را قبول کرده است، شریعت الهی را قبول کرده است، هیچ چاره ای ندارد جز اینکه در رأس جامعه، کسی را بپذیرد که او شریعت اسلامی و الهی را می داند؛ از اخلاق فاضله الهی برخوردار است؛ گناه نمی کند؛ اشتباه مرتکب نمی شود؛ ظلم نمی کند؛ برای خود چیزی نمی خواهد؛ برای انسان ها دل می سوزاند؛ ارزش های الهی را بر مسائل و جهات شخصی و گروهی ترجیح می دهد. (1)

دلایل روایی لزوم رجوع به فقها در زمان غیبت

در کتب علمای شیعه روایات فراوانی در اثبات ولایت برای فقها در زمان عدم دسترسی به امام معصوم (علیهم السلام) مورد استناد قرار گرفته است. اما در اینجا به ذکر چند روایت اکتفا می کنیم و علاقمندان را به کتب مفصل تر ارجاع می دهیم.

1. توفیق شریف:

اسحاق بن یعقوب نامه ای برای حضرت ولی عصر (عج) می نویسد، و از مشکلاتی که برایش رخ داده سؤال می کند. محمد بن عثمان عمری، نماینده آن حضرت، نامه را می رساند. جواب نامه به خط مبارك صادر می شود که «... در حوادث و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید،

ص: 24

بسیار بعید است که مراد اسحاق بن یعقوب از «حوادث واقعه» که در متن توقیع شریف آمده، احکام شرعی و همین مسائلی که امروزه معمولاً در رساله های عملیه نوشته می شود بوده باشد؛ زیرا اولاً برای شیعیان معلوم بوده که در این گونه مسائل باید به علمای دین و کسانی که با اخبار و روایات ائمه و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آشنایی دارند مراجعه کنند و نیازی به سؤال نداشته است. همان گونه که در زمان حضور خود ائمه (علیهم السلام) به علت مشکلاتی نظیر دوری مسافت و امثال آنها که وجود داشته، امامان شیعه مردم را در مورد مسائل شرعی به افرادی نظیر یونس بن عبدالرحمن، زکریا بن آدم و امثال آنان ارجاع می دادند. همچنین نواب اربعه در زمان غیبت صغرای امام زمان (علیه السلام) - که هر چهار نفر آنان از فقها و علمای دین بوده اند - گواه روشنی بر این مطلب است؛ و خلاصه این مسئله برای شیعه چیز تازه ای نبوده است.

و ثانیاً اگر منظور اسحاق بن یعقوب از حوادث واقعه، احکام شرعی بود، قاعدتاً باید تعبیراتی نظیر این که «وظیفه ما در مورد حلال و حرام چیست؟» و یا «در مورد احکام الله چه تکلیفی داریم؟» و مانند آنها را بکار می برد که تعبیر شایع و رایجی بوده و در سایر روایات هم بسیار

ص: 25

1- . وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ، فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا. فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ، وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ. وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعُمَرِي، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ أَبِيهِ، فَإِنَّهُ ثِقَّتِي وَكِتَابُهُ كِتَابِي. (شیخ صدوق، اکمال الدین و اتمام النعمه، ج 2، ص 483)

بکار رفته است و تعبیر «حوادث واقعه» در مورد احکام شرعی به هیچ وجه معمول و متداول نبوده است.

و ثالثاً اصولاً دلالت الفاظ، تابع وضع آنهاست و کلمه «حوادث واقعه» به هیچ وجه از نظر لغت و دلالت وضعی، به معنای احکام شرعی نیست؛ بلکه معنای بسیار وسیع تری دارد که حتماً شامل مسائل و مشکلات و رخدادهای اجتماعی نیز می شود. بنابراین، سؤال اسحاق بن یعقوب از محضر حضرت ولی عصر (علیه السلام) در واقع این است که در مورد مسائل و مشکلات اجتماعی جامعه اسلامی که در زمان غیبت شما پیش می آید وظیفه ما چیست و به چه مرجعی باید مراجعه کنیم؟ و آن حضرت در جواب مرقوم فرموده اند که در این مورد به «راویان حدیث ما» (1) مراجعه کنید. (2)

تفسیر شیخ انصاری (قدس سره) از توقیع شریف:

«مقصود از حوادث در این حدیث، اموری است که به شخص زعیم و رئیس جامعه مربوط می شود. پس گمان نکنید که واقعه مربوط به

ص: 26

1- . اگر کسی بگوید حدیث ارتباطی با بحث ولایت فقیه ندارد، زیرا می گوید: «به راویان حدیث ما مراجعه کنید.» در پاسخ می توان گفت این توهمی ناصواب است، زیرا امام در مقام بیان فلسفه رجوع به راویان فرمود: آنها حجت من بر شمایند. امام «حجت بودن» را به «روایت» نسبت داد نه به «روایت». پس مقصود از راوی، صرف حافظ بودن حدیث نیست؛ بلکه مراد دانشمندی است که علمش از ناحیه احادیث اهل بیت (علیهم السلام) تغذیه نماید. زیرا در حوادث جدید، روایتی وجود ندارد تا راوی آن روایت مربوط به حادثه جدید را نقل کند؛ پس باید راوی، حکم حادثه جدید را از روایات استنباط نماید و حکمی را بگوید که اگر امام زنده بود، همان را می گفت. و هیچ کس توقع ندارد حافظ حدیث بتواند روایت مربوط به حوادث جدید را نقل کند! (آیت الله صالحی مازندرانی، مبانی ولایت فقیه، ص 289 - 287)

2- . آیت الله مصباح یزدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، فصل چهارم، ص 96

حوادث شرعی از قبیل واجب و حرام و مکروه فردی است.»

سپس شیخ انصاری برای اثبات نظر خویش، به سه نکته زیر اشاره می‌فرماید:

1. امام فرمود: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَازْجَعُوا فِيهَا...»؛ (1) هنگام وقوع حادثه، به راوی مراجعه کنید - نه در حکم شرعی آن حوادث - تا او حادثه را تصدیق و به طور مستقیم یا غیر مستقیم آن را حل و فصل کند.

حوادث، واقعه عمومی و اجتماعی است. پس فرمود «فَازْجَعُوا فِيهَا»، و فرموده است «فَازْجَعُوا فِي بَيَانِ حُكْمِهَا إِلَيْهِ».

2. امام در مقام بیان علت رجوع به روایت فرمود: آنها حجت من بر شما هستند؛ حجت بودن راوی در اموری تناسب دارد که رأی و نظر او در آن امور ملاک باشد.

این مطلب نشان دهنده منصب ولایت آنها از جانب امام معصوم (علیه السلام) است نه اینکه از جانب خدا بر فقیه واجب باشد که در عصر غیبت، امور عام البلوی (2) را تصدیق کند؛ و الاً می‌فرمود: «أَنْهَا حَجَّتْ هَاي خِدَاوَنْد بَر شَمَا هَسْتَنْد»، بلکه فرمود: «أَنْهَا حَجَّتْ مَنْ بَر شَمَا هَسْتَنْد.»

3. وجوب رجوع در امور شرعی شخصی و فردی، از بدیهیات بوده و هست و از چیزهایی نیست که بر شخصی مانند «اسحاق بن یعقوب» مخفی باشد تا به امام بنویسد که در این مسئله دچار مشکل شده‌ام؛ بر خلاف وجوب رجوع به رأی یک فرد در مسائل عام البلوی و مصالح

ص: 27

1- الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج 2، ص 469

2- مورد ابتلائی عمومی

عمومی. و این احتمال وجود داشت که امام، فردی را به عنوان نایب و وکیل خود بر شخص یا اشخاصی قرار داده باشد، بنابراین او سؤال کرد. (1) (2)

2. مقبوله «عمر بن حنظله»

عمر بن حنظله می گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره دو نفر از دوستانمان (یعنی شیعه) که نزاعی بینشان بود در مورد قرض یا میراث و به قضات برای رسیدگی مراجعه کرده بودند، سؤال کردم که آیا این روا است؟ فرمود: هر که در مورد دعاوی حق یا دعاوی ناحق به ایشان مراجعه کند، در حقیقت به «طاغوت» یعنی قدرت حاکمه ناروا مراجعه کرده باشد و هر چه را که به حکم آنها بگیرد، در حقیقت به طور حرام می گیرد؛ گر چه آن را که دریافت می کند، حق ثابت با او باشد؛ زیرا که آن را به حکم و با رای طاغوت و آن قدرتی گرفته که خدا دستور داده به آن کافر شود. خدای تعالی می فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ» چه باید بکنند؟ فرمود: «باید نگاه کنند، ببینند از شما چه کسی است که حدیث ما را روایت کرده و در حلال و حرام ما مطالعه نموده و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است، بایستی او را به عنوان قاضی و داور بپذیرند، زیرا که من او را

ص: 28

1- . مکاسب محرمه، ص 154 (چاپ قدیم)

2- . آیت الله صالحی مازندرانی، مبانی ولایت فقیه، ص 289-287

«این روایت در عصر امام صادق (علیه السلام) و از آن حضرت صادر شده است... بنابراین حکومت موجود در زمان سائل و پرسش کننده، یکی از مصادیق طاغوت بود و کسانی که به عنوان قاضی در شهرهای اسلامی مشغول دادرسی و قضاوت بودند، از جانب سلطان جور (طاغوت) منصوب شده بودند. در چنین وضعی عمر بن حنظله می پرسد آیا شیعیانی که با هم در مورد بدهکاری یا ارث اختلاف دارند، می توانند به نزد سلطان یا قاضی منصوب از طرف او بروند یا نه؟»

حضرت اعلام می فرمایند: تحاکم (شکایت بردن) به قاضی یا سلطان ستم کار، از مصادیق تحاکم به طاغوت، و تحاکم به طاغوت، نازل منزله کفر است؛ در نتیجه، گناه و معصیت به شمار می آید.

پس هنگامی که حکومت اسلامی برقرار نیست و شیعیان حق مراجعه به سلطان جائز و قاضی طاغوت را ندارند، تکلیف آنها در این شرایط چیست؟ راوی از حضرت پرسید: شیعیان چه کنند؟

حضرت فرمود: در میان شما کسانی هستند که احادیث ما را روایت می کنند و صاحب نظر در حلال و حرام ما بوده و به احکام ما عارف

ص: 29

1- . عن عمر بن حنظلة: قالت سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن رجلين من أصحابنا بينهما منازعة في دين او ميراث فتحاكما إلى السلطان وإلى القضاة أحل ذلك؟ قال: من تحاكم إليهم، في حق أو باطل، فإنما تحاكم إلى الطاغوت و ما يحكم له، فإنما يأخذهُ سُحتاً و إن كان حقاً ثابتاً له؛ لأنه أخذهُ بِحُكمِ الطاغوت و ما أمر الله أن يكفر به. قال الله تعالى: «يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ». قلت: فكيف يصنعان؟ قال: يُنْظَرَانِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا... فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكَمًا. فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا (الكافي، ج 1، ص 67)

هستند، به او تن بدهند و او را به عنوان حکم پذیرند. من چنین شخصی را به عنوان حاکم بر شما منصوب کردم.

شاهد مورد نظر، این قسمت از کلام امام صادق (علیه السلام) است که فرمود:

«فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا»؛⁽¹⁾ فردی از میان شیعیان را با این ویژگی ها به عنوان حاکم بر شما جعل (منصوب) نموده ام.

و این جمله دلالت می کند بر نصب عام فقها در عصر غیبت یا در عصری که امام معصوم حضور ندارد.

امام بعد از بیان این قانون فرمود: چنین فردی اگر بر اساس حکم ما حکم نمود، ولی از او پذیرفته نشود، به درستی که حکم خدا را سبک شمرده و ما را مردود دانسته است و آنکه ما را رد کند، خداوند را رد کرده است و این عمل نوعی شرک به خداوند است.

این همان قانون حاکمیت الهی است که از طریق ولی او جریان پیدا می کند و بروز می نماید.»⁽²⁾

3. روایت «اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید که رسول الله (صلي الله عليه و آله) فرمود: «خدایا! جانشینان مرا رحمت کن» و این سخن را سه بار

ص: 30

1- . همان

2- . آیت الله صالحی مازندرانی، مبانی ولایت فقیه، ص 247

تکرار فرمود. پرسیده شد که ای پیغمبر خدا! جانشینانت چه کسانی هستند؟ فرمود: «کسانی که بعد از من می آیند، حدیث و سنت مرا نقل می کنند، و آن را پس از من به مردم می آموزند.» (1)

«شیخ صدوق (علیه الرحمة) این روایت را در کتاب های معانی الاخبار، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، و مجالس، از پنج طریق نقل کرده است.

... حدیث، قطعاً کسانی را که شغل آنان نقل حدیث باشد و از خود، رأی و فتوایی ندارند، شامل نمی شود؛ و نمی توان گفت بعضی از محدثین که اصلاً حدیث را نمی فهمند و مصداق «رُبَّ حَامِلٍ فِقْهٍ لَيْسَ بِفَقِيهِ» (2) هستند و مانند «دستگاه ضبط» اخبار و روایات را می گیرند و می نویسند و در دسترس مردم قرار می دهند، خلیفه اند و علوم اسلامی را تعلیم می دهند. البته زحمات آنان برای اسلام و مسلمین ارزنده است... [اما] روایت راویان حدیثی را که «فقیه» نباشند، شامل نمی شود. زیرا سنن الهی که عبارت از تمام احکام است، از باب این که به پیغمبر اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) وارد شده، سنن رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) نامیده می شود. پس، کسی که می خواهد سنن رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) را نشر دهد، باید تمام احکام الهی را

ص: 31

-
- 1- . قال امير المؤمنين (عليه السلام) قال رسول الله (صلي الله عليه و آله): اللَّهُمَّ اِزْحَمْ خُلَفَائِي (ثَلَاثَ مَرَّاتٍ) قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَأْتُونَ مِنْ بَعْدِي، يَرُوْنَ حَدِيثِي وَ سُنَّتِي فَيَعْلَمُونَهَا النَّاسَ مِنْ بَعْدِي. (عيون أخبار الرضا (عليه السلام)، ج 2، ص 37)
 - 2- . چه بسیار عالمان به علم فقه، که فقیه نیستند و توان استنباط ندارند.

بداند، صحیح را از سقیم تشخیص دهد، اطلاق و تقيید، عام و خاص، و جمع های عقلایی، را ملتفت باشد، روایاتی را که در هنگام «تقیه» وارد شده از غیر آن تمیز بدهد، و موازینی را که برای آن تعیین کرده اند بداند. محدثینی که به مرتبه اجتهاد نرسیده اند و فقط نقل حدیث می کنند، این امور را نمی دانند، و سنت واقعی رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) را نمی توانند تشخیص دهند. و این از نظر رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) بی ارزش است. مسلم است که آن حضرت نمی خواسته اند فقط «قال رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم)» و «عن رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم)» - گر چه دروغ باشد و از آن حضرت نباشد - در بین مردم رواج پیدا کند؛ بلکه منظورشان این بوده که سنت واقعی نشر شود، و احکام حقیقی اسلام بین مردم گسترش یابد.

اینان خلیفه رسول الله (صلي الله عليه و آله و سلم) هستند که احکام الهی را گسترش می دهند و علوم اسلامی را به مردم تعلیم می کنند، و حضرت در حق آنان دعا کرده است: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي».

و اما دلالت حدیث شریف بر «ولایت فقیه» جای تردید نیست، زیرا «خلافت» همان جانشینی در تمام شئون نبوت است... و معنی خلافت در صدر اسلام امر مجهولی نبود که محتاج بیان باشد؛ و سائل نیز معنی خلافت را نپرسید، بلکه اشخاص را خواست معرفی فرماید و ایشان با

دلایل عقلی اثبات ولایت فقیه

در کتب علمای شیعه، چندین دلیل عقلی برای اثبات ولایت فقیه اقامه شده است، که بنا به اختصار، به ارائه سه نمونه اکتفا می‌کنیم؛

دلیل عقلی اول:

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در تبیین برهان ولایت فقیه می‌نویسند:

«شکی در این نیست که در امر حکومت جامعه اسلامی، اهمال ممکن نیست و اینکه مردم باید ولی امری داشته باشند تا امور آنها را اداره کند و حق ضعیف را از قوی بگیرد و در موقع هجوم دشمنان، از ضعف حمایت کند و انصاف را در مورد مردم و در میان آنها رعایت کند و حدود الهی را اجرا کند و هر چه را که در دین و دنیا احتیاج دارند، سیاست گذاری کنند.

همان طور که سزاوار نیست، شک کنیم که خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این امور را بر عهده داشتند و بعد از ایشان ائمه هدی (علیهم السلام)، این منصب را عهده دار بودند. و اما بعد از غیبت حضرت صاحب الامر (علیه السلام) یا مرجع این امور فقیه جامع شرایط است یا صحیح است که هر کسی این امور را انجام دهد و قدر متقین، این است که «فقیه جامع شرایط»، کسی است که می‌تواند این مسئولیت را عهده دار شود؛ چون دلیل بر مورد دوم (که هر کس بتواند این امور را انجام دهد)، نداریم و اصل این

ص: 33

است که هیچ کس بر دیگری ولایت ندارد. و ولی فقیه از این اصل خارج شد، چون ولایت شخص فقیه، در همه حال ثابت است و بحث در مورد این است که آیا غیر ولی فقیه هم می تواند ولایت داشته باشد یا نه.

در این باره می توان گفت: حکومت اسلامی، حکومت الهی است که سیاستش از دیانتش و تدبیرش از تشریحش جدا نیست؛ پس کسی که می خواهد حکومت اسلامی را بر پا کند، باید شناخت کامل به احکام آن داشته باشد؛ همان طور که ناچار است که شناخت کامل به امور سیاست و کشورداری داشته باشد. و چگونه سزاوار است غیر فقیهی - که احکام شرع را به طور کامل نمی داند - عهده دار این حکومت الهی شود.» (1)

(به عبارت سوم:

حکومت در دو قسم است: حکومت هایی که بر اساس «عقیده» بر پا شده، و حکومت هایی که این گونه نیست. لذا قسم اول، الهی و قسم دوم، غیر الهی است؛ حکومت الهی، مثل حکومت اسلامی، و غیر الهی مثل حکومت مارکسیستی.

بنابراین در هر کدام از این دو قسم، رئیس حکومت، باید شناخت کامل و اجتهادی به آن عقیده و آن مذهب داشته باشد. همان طور که مخفی نیست بر کسی، که در حکومت های غیر اسلامی نیز حاکم باید آگاه از عقیده و حال جامعه خود باشد.

و خلاصه در رأس حکومت الهی اسلامی، باید حاکمی که آگاه و آشنا به مذهب و دین اسلام است، قرار گیرد.» (2)

ص: 34

1- . آیت الله مکارم شیرازی؛ انوار الفقاهة، ج 1، 454

2- . همان

این دلیل به طور خلاصه از مقدمات ذیل تشکیل می شود:

الف) برای تأمین مصالح فردی و اجتماعی بشر و جلوگیری از هرج و مرج و فساد و اختلال نظام، وجود حکومت در جامعه ضروری و لازم است.

ب) حکومت ایده آل و عالی ترین و مطلوب ترین شکل آن، حکومتی است که امام معصوم (علیه السلام) در رأس آن باشد و جامعه را اداره کند.

ج) بر این اساس که «هنگامی که تأمین و تحصیل يك مصلحت لازم و ضروری در حدّ مطلوب و ایده آل آن میسر نباشد، باید نزدیک ترین مرتبه به حدّ مطلوب را تأمین کرد»، لذا در بحث ما، هم هنگامی که مردم از مصالح حکومت معصوم (علیه السلام) محروم بودند، باید به دنبال نزدیک ترین مرتبه به حکومت معصوم باشیم.

د) اقریبیت و نزدیکی يك حکومت به حکومت معصوم (علیه السلام) در سه امر اصلی متبلور می شود: یکی علم به احکام کلی اسلام (فقاہت)، دوم شایستگی روحی و اخلاقی به گونه ای که تحت تأثیر هواهای نفسانی و تهدید و تطمیع ها قرار نگیرد (تقوی)، و سوم کارآیی در مقام مدیریت جامعه که خود به خصلت ها و صفاتی از قبیل درك سیاسی و اجتماعی، آگاهی از مسائل بین المللی، شجاعت در برخورد با دشمنان و تبهکاران، حدس صائب در تشخیص اولویت ها و... قابل تحلیل است.

بر اساس این مقدمات، نتیجه می‌گیریم: پس در زمان غیبت امام معصوم (علیه السلام) کسی که بیش از سایر مردم واجد این شرایط باشد، باید زعامت و پیشوایی جامعه را عهده دار شود و با قرار گرفتن در رأس حکومت، ارکان آن را هماهنگ نموده و به سوی کمال مطلوب سوق دهد. و چنین کسی جز فقیه جامع شرایط شخص دیگری نخواهد بود.

اکنون به توضیح این دلیل و هر يك از مقدمات آن می‌پردازیم:

مقدمه اول این دلیل، همان بحث معروف ضرورت وجود حکومت است... یکی از پیش فرض های نظریه ولایت فقیه، پذیرش اصل «ضرورت حکومت برای جامعه» است و پیش از این گفتیم که اکثریت قاطع اندیشمندان علوم سیاسی و غیر آنها، این اصل را قبول دارند و کسی در مورد آن تردیدی ندارد و تنها آنارشیست ها و مارکسیست ها در این مسئله مناقشه کرده اند. به هر حال، دلایل محکم متعددی در مورد ضرورت وجود حکومت در جامعه وجود دارد که این مسئله را قطعی و یقینی می‌سازد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این رابطه می‌فرماید:

«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ»؛⁽¹⁾ وجود حاکمی برای مردم، چه نیکوکار و عادل یا ستم‌گر و زشت‌کار، لازم است.

که این عبارت به روشنی گویای ضرورت وجود حکومت در جامعه است.

ص: 36

مقدمه دوم این دلیل هم بدیهی است و نیاز به توضیح چندانی ندارد؛ مراد از معصوم در این جا، همان پیامبر و دوازده امام (علیهم السلام) هستند که به اعتقاد ما شیعیان از ویژگی عصمت برخوردارند؛ یعنی نه عمداً و نه سهواً گناه و یا اشتباه نمی کنند و هیچ گونه نقص و اشکالی در رفتار و اعمال و گفتار و کردار و تصمیم های آنان وجود ندارد. این ویژگی باعث می شود که آنان واجد بالاترین صلاحیت برای به عهده گرفتن امر حکومت باشند. زیرا حاکمان و فرمان روایان یا به خاطر منافع شخصی و شهوانی خود ممکن است از مسیر حق و عدالت منحرف شوند و حکومتشان به فساد جامعه بینجامد و یا این که در اثر عملکرد سوء و اشتباه و تصمیمات نادرست و غیرواقعی بینانه، موجبات فساد و تقویت مصالح جامعه را فراهم کنند. اما فردی که معصوم است، همان طور که گفتیم، به علت برخورداری از ویژگی عصمت، نه مرتکب گناه می گردد و نه دچار اشتباه در فکر و عمل می شود. از طرف دیگر در جای خود و در علم کلام بحث می شود که ویژگی عصمت نیز ریشه در علم و بصیرت کامل و وافی دارد که معصوم (علیه السلام) از آن برخوردار است. بنابراین به تعبیری می توان معصوم را انسان کاملی دانست که با برخورداری از عقل و علمی که در سر حد کمال است؛ عمداً و سهواً در دام هیچ گناه و اشتباهی گرفتار نمی شود. با چنین وضعی، عقل هر عاقلی تصدیق خواهد کرد که حکومت چنین فردی، دارای تمامی مزایای يك حکومت ایده آل و مطلوب خواهد بود و بالاترین مصلحت ممکن را برای جامعه تأمین و تحصیل می نماید.

مقدمه سوم این استدلال، شاید به تعبیری، مهم ترین مقدمه آن باشد. برای توضیح این مقدمه، بهتر است از یکی، دو مثال استفاده کنیم:

فرض کنید ده نفر انسان - آن هم انسان های ممتاز و برجسته که وجود هر يك برای جامعه بسیار مفید و مؤثر است - در حال غرق شدن هستند و ما اگر با همه امکانات و تجهیزات و افراد نجات غرقی که در اختیار داریم، وارد عمل شویم، فقط می توانیم جان هفت نفر از آنها را نجات دهیم و سه نفر دیگر غرق خواهند شد. در چنین وضعیتی، عقل سلیم چه حکمی می کند؟ آیا می گوید چون نجات جان همه این ده نفر ممکن نیست و سه نفر آنان قطعاً غرق خواهند شد، دیگر لزومی ندارد شما دست به هیچ اقدامی بزنید! ... و یا این که قضاوت و حکم قطعی عقل، این است که اگر نجات جان همه ده نفر (مصلحت تام و کامل) ممکن نیست، باید برای نجات جان همه هفت نفر باقی مانده (نزدیک ترین مرتبه به مصلحت تام و کامل) اقدام کنیم و مجاز نیستیم، حتی يك نفر را کنار بگذاریم... مسلّم است که قضاوت و حکم قطعی عقل همین گزینه خواهد بود و هیچ گزینه دیگری از نظر عقل قابل قبول نیست.

و یا فرض کنید انسانی در دریا مورد حمله کوسه واقع شده و ما اگر برای نجات جان او هم اقدام کنیم، قطعاً کوسه يك یا دو پای او را قطع خواهد کرد و خلاصه اگر هم موفق شویم او را نجات دهیم، حتماً دچار نقص عضو خواهد شد.

سؤال این است که در این صحنه، عقل ما چه حکمی می‌کند؟ آیا می‌گوید چون بالاخره نمی‌توانیم او را کاملاً صحیح و سالم بیرون بیاوریم، بنابراین دیگر لازم نیست کاری انجام دهیم؛ بلکه کافی است بنشینیم و تماشا کنیم چه پیش می‌آید؟! یا عقل هر انسان عاقل و باوجدانی قطعاً حکم می‌کند که گر چه یقیناً يك یا دو پای او قطع می‌شود و دچار نقص عضو خواهد شد، اما به هر حال باید برای نجات جاننش اقدام کرد و عدم امکان نجات او به طور کاملاً صحیح و سالم (مصلحت صد در صد)، مجوز عدم اقدام برای نجات يك انسان يك پا (مصلحت ناقص) و تماشای خورده شدن او توسط کوسه نخواهد بود؟ به نظر می‌رسد پاسخ روشن است.

قضاوت و حکم عقل در این دو مثال در واقع بر مبنای يك قاعدة کلی است که مورد قبول و اذعان عقل است؛ همان قاعدة ای که مقدمه سوم استدلال ما را تشکیل می‌دهد:

«هنگامی که تأمین و تحصیل يك مصلحت لازم و ضروری، در حدّ مطلوب و ایده آل آن میسر نباشد، باید نزدیک ترین مرتبه به حدّ مطلوب را تأمین کرد.»

و بحث فعلی ما هم در واقع یکی از مصادیق و نمونه های همین قاعدة کلی است؛ مصلحت وجود حکومت، يك مصلحت ضروری و غیرقابل چشم پوشی است. حدّ مطلوب و ایده آل این مصلحت، در حکومت معصوم (علیه السلام) تأمین می‌شود. اما در زمانی که عملاً دسترسی به معصوم و حکومت او نداریم و تأمین این مصلحت در حدّ مطلوب اولی و

ایده آل میسر نیست، آیا باید دست روی دست گذاشت و هیچ اقدامی نکرد؟ و یا این که علی رغم امکان تحصیل مصلحت نزدیک تر به مصلحت ایده آل، مجازیم که از آن چشم پوشی کرده و به مصالح مراتب پایین تر رضایت دهیم؟ حکم عقل این است که «به بهانه عدم دسترسی به مصلحت ایده آل و مطلوب حکومت، نه می توان از اصل مصلحت وجود حکومت به طور کلی صرف نظر کرد، و نه می توان همه حکومت ها را علی رغم مراتب مختلف آنها یکسان دانست و رأی به جواز حاکمیت هر يك از آنها به طور مساوی داد؛ بلکه حتماً باید به دنبال نزدیک ترین حکومت به حکومت معصوم و نزدیک ترین مصلحت به مصلحت ایده آل باشیم.»

و اما در توضیح مقدمه چهارم و در واقع آخرین مقدمه این استدلال، باید بگوییم: آن چه که موجب تأمین بالاترین مرتبه مصلحت حکومت، در حکومت معصوم می شود، همه ویژگی های وی اعم از رفتاری، اخلاقی، علمی، جسمی و ظاهری، روحی و روانی، خانوادگی و... نیست، بلکه آن چه در این زمینه دخالت اساسی دارد، یکی آگاهی کامل و همه جانبه او به اسلام و احکام اسلامی است - که بر اساس آن می تواند جامعه را در مسیر صحیح اسلام و ارزش های اسلامی هدایت کند - و دوّم، مصونیت صد در صد او از هرگونه فساد و لغزش و گناه و منفعت طلبی و... است و بالاخره بصیرت و درك جامع و کامل، و مهارتی است که در مورد شرایط اجتماعی و تدبیر امور مربوط به جامعه دارد. بنابراین، وقتی در مقدمه سوم می گوییم باید به دنبال نزدیک ترین

حکومت به حکومت معصوم (علیه السلام) باشیم، این حکومت، حکومتی است که در رأس آن شخصی قرار داشته باشد که از نظر این سه ویژگی، در مجموع بهترین و بالاترین فرد در جامعه باشد. و چون در میان این سه ویژگی، یکی از آنها «آگاهی و شناخت نسبت به احکام اسلامی» است، قطعاً این فرد باید «فقیه» باشد؛ زیرا کسی که بتواند از روی تحقیق بگوید احکام اسلام چیست و کدام است، همان فقیه است. البته فقاهت به تنهایی کافی نیست و برخورداری از دو ویژگی دیگر، یعنی تقوا و کارآیی در مقام مدیریت جامعه نیز لازم است.

بنابراین، بر اساس این مقدمات - که صحت هر يك از آنها را جداگانه بررسی کردیم - نتیجه منطقی و قطعی، این است که در زمانی که دسترسی به معصوم (علیه السلام) و حکومت او نداریم، حتماً باید به سراغ فقیه جامع شرایط برویم و اوست که حق حاکمیت دارد و با وجود چنین کسی در میان جامعه، حکومت و حاکمیت دیگران مجاز و مشروع نیست. (1)

دلیل عقلی سوم:

گفته شد که حیات اجتماعی انسان و نیز کمال فردی و معنوی او، از سویی نیازمند «قانون الهی» در ابعاد فردی و اجتماعی است که مصون و محفوظ از ضعف و نقص و خطا و نسیان باشد و از سوی دیگر، نیازمند

ص: 41

«حکومتی دینی» و حاکمی عالم و عادل است؛ برای تحقّق و اجرای آن قانون کامل. حیات انسانی در بُعد فردی و اجتماعی اش، بدون این دو و یا با یکی از این دو، متحقّق نمی شود و فقدان آن دو، در بُعد اجتماعی، سبب هرج و مرج و فساد و تباهی جامعه می شود که هیچ انسان خردمندی به آن رضا نمی دهد.

این برهان که دلیلی عقلی است و مختص به زمین یا زمان خاصی نیست، هم شامل زمان انبیاء (علی نبینا و آله و علیهم السلام) می شود که نتیجه اش ضرورت نبوت است، و هم شامل زمان پس از نبوت رسول خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که ضرورت امامت را نتیجه می دهد، و هم ناظر به عصر غیبت امام معصوم است که حاصلش، ضرورت ولایت فقیه می باشد.

تفاوت نتیجه این برهان در این سه عصر، آن است که پس از رسالت ختمیّه رسول اکرم، حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)، آمدن قانونی جدید از سوی خداوند، ناممکن است؛ زیرا هر آنچه که در سعادت انسان تا هنگام قیامت - از عقاید و اخلاق و احکام - نقش دارد، به دست اعجاز، در کتاب بی پایان قرآن نگاشته شده است و از این رو، یک نیاز بشر که همان نیاز به قانون الهی است، برای همیشه برآورده گشته است و آنچه مهم می باشد، تحقّق بخشیدن به این قانون در حیات فردی و اجتماعی و اجرای احکام دینی است.

در عصر امامت، علاوه بر تبیین قرآن کریم و سنّت و تعلیل معارف و مدّعیات آن و دفاع از حریم مکتب، اجرای احکام اسلامی نیز به قدر

ممکن و میسر و تحمّل و خواست جامعه، توسط امامان معصوم (علیهم السلام) صورت می گرفت. اکنون سخن در این است که در عصر غیبت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز انسان و جامعه انسانی، نیازمند اجرای آن قانون جاوید است؛ زیرا بدون اجرای قانون الهی، همان مشکل و محذور بی نظمی و هرج و مرج، و برده گیری و ظلم و ستم و فساد و تباهی انسان ها پیش خواهد آمد و بی شك، خدای سبحان در عصر غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، انسان و جامعه را به حال خود رها نساخته و برای هدایت انسان ها، ولایت جامعه بشری را به دست کسانی سپرده است.

کسی که در عصر غیبت، ولایت را از سوی خداوند بر عهده دارد، باید دارای سه ویژگی ضروری باشد که این سه خصوصیت، از ویژگی های پیامبران و امامان سرچشمه می گیرد و پرتویی از صفات متعالی آنان است و ما در گذشته از آنها سخن گفتیم؛ ویژگی اول، شناخت قانون الهی بود؛ زیرا تا قانونی شناخته نشود، اجرایش ناممکن است. ویژگی دوم، استعداد و توانایی تشکیل حکومت برای تحقق دادن به قوانین فردی و اجتماعی اسلام بود و ویژگی سوم، امانت داری و عدالت در اجرای دستورهای اسلام و رعایت حقوق انسانی و دینی افراد جامعه.

به دلیل همین سه ویژگی ضروری است که گفته می شود نیابت امام عصر (عج) و ولایت جامعه در عصر غیبت از سوی خداوند، بر عهده

ولایت فقیه در اندیشه فقهای سلف

اشاره

ولایت فقیه مبنای بسیار مستحکمی دارد. موضوع ولایت فقیه - ولو در توسعه و توضیح تفاوتی بین علما وجود داشته باشد - جزو واضحات فقه اسلام است. از قدیم الایام تا کنون، اگر کسانی این قضیه را مطرح نکردند یا با سردی با آن برخورد کردند، به خاطر این بوده است که فکر کردند چیزی را که شدنی نیست، چرا مطرح کنند؛ والا وقتی انسان به کتاب ها و حرف های فقهای نگاه می کند، می بیند هیچ کس از آنها نیست که اصلاً حاکمیت غیر حکم اسلامی را قبول داشته باشد. انسان این را در ابواب مختلف فقهی مشاهده می کند. این جزو مسلمات است.

در کتبی که به جمع آوری اقوال علما در بحث ولایت فقیه اختصاص یافته، بیش از 4000 سند از کتب فقهی علمای شیعه در طول تاریخ با این موضوع، انعکاس یافته است. (2)

به چند نمونه از اقوال علما در موضوع ولایت فقیه توجه فرمایید:

ص: 44

1- . آیت الله جوادی آملی، ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت، ص 151

2- . برای ملا-حظه متن اقوال علما، رجوع کنید به کتاب های: - «فقیهان امامی و عرصه های ولایت فقیه» تألیف محمدعلی قاسمی و همکاران، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی - «تحول نظریه دولت در اسلام»، تألیف احمد جهان بزرگی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی - «اندیشه های سیاسی شیعه در عصر غیبت» تألیف علی اکبر پازوکی، نشر معارف - «حکمت حکومت فقیه» نوشته آیت الله ممدوحی، انتشارات بوستان کتاب

هنگامی که سلطان عادل(1) برای ولایت در آنچه ذکر کردم - در ابواب فقه - وجود نداشت، بر فقیهان اهل حق عادل صاحب رأی و عقل و فضل است که ولایت آنچه را بر عهده سلطان عادل است را بر عهده گیرند.(2)

شیخ طوسی (محمد بن حسن بن علی طوسی)؛ 460 هـ - ق

شیخ طوسی در کتاب های خود به ویژه نهاییه، مهم ترین ارکان جامعه یعنی فتوا، جهاد، قضاوت، اقامه حدود و... را حق فقیهان دانسته است؛ به عنوان نمونه:

«صدور حکم میان مردم، اقامه حدود و قضاوت میان کسانی که با یکدیگر اختلاف پیدا کردند، جایز نیست؛ مگر از سوی کسی که از طرف سلطان حق(3)، اجازه داشته باشد. چنین کارهایی، در زمانی که خودشان (ائمه معصومین) امکان انجام آن را ندارند، بدون تردید به فقیهان شیعه واگذار شده است.»(4)

ص: 45

1- . سلطان عادل در لسان شیخ مفید امام معصوم است.

2- . المقنعه، ص 675

3- . امامان معصوم (علیهم السلام)

4- . النهایه و نکتها، ج 2، ص 17

مقصود از احکام تعبّدي، اجرای آن ها است؛ یعنی احکامی که خداوند متعال مقرر فرموده است، چنان چه اجرا نشود، لغو است؛ بنابر این مسئولی باید اجرای احکام را بر عهده بگیرد.

البته هر کسی صلاحیت اجرای دستورها را ندارد؛ مگر امام معصوم (علیه السلام) که در صورت غیبت یا عدم قدرت، به جز شیعه ای که از جانب آن حضرت منصوب شده، فرد دیگری، حقّ تصدّی این مقام را ندارد؛ شیعه ای که جامع شرایط هفت گانه علم، عقل، رأی، جزم، تحصیل، بردباری و وسیع، بصیرت، امکان قیام به احکام و عدالت باشد. (1)

علامه حلی (حسن بن یوسف)؛ 726 هـ - ق

مقبوله عمر بن حنظله و دیگر روایات در این زمینه، بر اطلاق و عموم ولایت فقیهان دلالت داشته، به ولایت در قضاوت و اقامه حدود محدود نمی شود. (2) وی همچنین در باب زکات می نویسد: «زکات در عصر غیبت، به فقیه پرداخت می شود؛ چرا که نایب امام (علیه السلام) است و هر آن چه از شئون امام بوده، به عهده می گیرد». (3)

فخر المحقّقین (محمد بن حسن بن یوسف)؛ 771 هـ - ق

از نظر شرع مقدّس، قضاوت و ولایت بر حکم، برای کسی است که

ص: 46

1- السرائر الحاوی للتحریر الفتاوی ج 3 ص 537

2- مختلف الشیعه، الجزء الرابع، ص 464.

3- نهاییه الاحکام، ج 2، ص 417

صلاحیت فتوا دادن در مورد قوانین فرعی شرعی بر اشخاص معینی از انسان ها را داشته باشد که حکم او یا برای اثبات حق و حقوقی و یا استیفای حقوق مستحقّی است. شروع اعمال این ولایت، همزمان با تحقّق ریاست در امور دین و دنیا است. (1)

شهید اوّل (محمد بن مکی)؛ 786 هـ - ق.

در صورت حضور حاکم شرع، لازم است اجازه ایشان کسب شود؛ چرا که بر همه مناصب شرعی، ولایت دارد. (2)

محقق ثانی (علی بن الحسین بن عبدالعالی کرکی)؛ 940 هـ - ق.

فقیهان و دانشمندان امامیه، اتفاق کرده اند بر اینکه فقیه عادل شیعه که جامع شرایط فتوا باشد، فقیهی که از او در احکام شرعی به مجتهد تعبیر می شود، نایب امامان هدایت (علیهم السلام) است در حال غیبت، در تمام آنچه که قابلیت نیابت را داشته باشد. (3) و همچنین به دلیلی که در شرح شرایع آمده که فقیه، نایب امام (علیه السلام) و منصوب او است، ولایت از طرف امام را در باقی اصناف بر عهده می گیرد. (4)

مقدس اردبیلی (احمد بن محمد اردبیلی)؛ 993 هـ - ق.

«صدور حکم» در روایت عمر بن حنظله و ابی خدیجه به فقیهان

ص: 47

1- . ایضاح الفوائد، ج 4، ص 294

2- . الذکری، ص 57

3- . رسائل المحقق الکرکی ج 1 ص 142

4- . مجمع الفائدة و البرهان، ج 4، ص 358

تفویض شده است و آنها «حاکم» قرار داده شده اند؛ مانند این است که اقامهٔ حدود هم به آن ها واگذار شده است. (1)

علاوه بر اجماع و اقتضای ضرورت، می توان به نیابت حاکم از امام (علیه السلام) استناد کرد و دلیل بر نیابت، اجماع و اخباری همانند مقبولهٔ عمر بن حنظله است و لذا هر آن چه برای امام، جایز است و می تواند به عهده بگیرد، برای حاکم نیز جایز است. (2)

سید محمد جواد عاملی (صاحب مفتاح الکرامه)؛ 1226 هـ - ق

فقیه، نایب مسلمین و سرپرست آنهاست، و بدرستی که او بر آن چه مصالح عمومی جامعه است، ولایت دارد. (3)

ملا احمد نراقی (احمد بن مهدی بن ابی ذر)؛ 1244 هـ - ق

هرآنچه که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امام (علیه السلام) که حاکمان و حافظان اسلام می باشند - بر آن ولایت و اختیار دارند، فقیه نیز همان ولایت و اختیار را دارد مگر جایی که دلیلی برخلاف آن وجود داشته شود (4)

راستی از بدیهیاتی که هر عامی و عالمی می فهمد و بر آن صحه می گذارد، این است که وقتی پیامبری به کسی موقع مسافرت یا وفات خود بگوید، فلانی وارث من، مثل من، به منزلهٔ من، خلیفهٔ من، امین و

ص: 48

1- . مجمع الفائده و البرهان ، ج 7 ، ص 546

2- . مجمع الفائده و البرهان، ج 8، ص 160

3- . مفتاح الکرامه، ج 18، ص 50؛ ... لائته نائب المسلمین و هو ولیّهم، و لائته هو الولیّ للمصالح العامه

4- . عوائد، عائده تحديد ولاية الحاکم، ص 187 و 188

حجّت من، و حاکم از جانب من برای شما مردم، و مرجع شما در جمیع حوادث شما است، مجرای امور شما است، احکام شما به دست اوست و او متکفل رعیت من است، چنین می فهمیم که هر آنچه از آن نبی مربوط به امور رعیت و امت بوده، از برای چنین شخصی نیز بدون شک ثابت خواهد بود. چرا چنین نباشد، در حالی که بیشتر نصوص وارد شده در حق اوصیای معصوم (علیه السلام) که بر اساس آن به ولایت و امامت آنان استدلال می شود و متضمن اثبات جمیع اختیارات پیامبر (علیه السلام) برای امامان (علیه السلام) است، چیزی بیش از تقاسیر مربوط به فقیهان غیبت در نصوص نیست؛ برای توضیح بیشتر بنگرید به این مثال که حاکم یا سلطان یک ناحیه اگر بخواهد مسافرتی به جایی داشته باشد و بعد از ذکر بسیاری از فضایل به شخصی بگوید، فلان شخص خلیفه من، به منزله من، مثل من، امین من و متکفل رعایای من و حاکم و حجّت از جانب من، مرجع جمیع حوادث و مجرای امور و احکام شما است، آیا شکی باقی می ماند که قائم مقام او، تمام اختیارات سلطان در اداره امور رعیت آن نواحی، به جز موارد استثنا شده، را دارد؟ (1)

صاحب جواهر (محمد حسن نجفی)؛ 1266 ه . ق

نصب عام فقها در همه امور جاری است؛ به طوری که هر آنچه برای امام (علیه السلام) است، برای فقیه نیز هست؛ چنان که مقتضی قول امام (علیه السلام) «فأنتی قد جعلته حاکما» این است که فقیه، ولی متصرف

ص: 49

در قضاوت و غیر آن از قبیل ولایات و مانند آن است؛ همان گونه که مقتضی قول صاحب الزمان (روحی فداه) نیز آن را می‌رساند؛ «در حوادث واقعه، به روایان احادیث ما رجوع کنید. آنان حجّت ما بر شما و ما حجّت خدا بر آنان هستیم»؛ مراد این است که فقیهان در جمیع آنچه من حجّت هستیم، حجّت من بر شما هستند؛ مگر آن چیزهایی که با دلیل خارج شود. (1)

صاحب ریاض (علی بن محمد ابی المعالی)؛ 1231 هـ - ق

هیچ اختلافی در این نیست که مراد از حاکم در عصر غیبت امام (علیه السلام) فقیه جامع شرایط فتواست. (2)

شیخ انصاری (مرتضی بن محمد امین)؛ 1281 هـ - ق

از روایات گذشته ظاهر می‌شود که حکم فقیه، در تمام خصوصیت‌های احکام شرعی و در تمام موضوعات خاص آنها، برای ترتیب دادن احکام بر آنها نافذ می‌باشد؛ زیرا متبادر از لفظ «حاکم» در مقبوله عمر بن حنظله، همان «متسلّط مطلق» است؛ یعنی اینکه امام (علیه السلام) فرمودند: «فأنتی قد جعلته علیکم حاکماً»، (3) نظیر گفتار سلطان و حاکم است که به اهل شهری بگوید: «من فلان شخص را حاکم بر شما قرار دادم» که از این تعبیر، بر می‌آید که سلطان، فلان شخص را در همه امو

ص: 50

1- . جواهر الکلام، ج 21، ص 396 و 397.

2- . ریاض المسائل، ج 9، ص 509

3- . بحار؛ ج 2، ص 221

کَلِّي و جزئي شهروندان که به حکومت بر مي گردد، مسلط نموده است. (1)

شيخ فضل الله نوري؛ 1327 هـ - ق .

او «ولایت در تصرف» را از آن مجتهدان عادل مي دانست و مي گفت: «قوانین جاريه در مملکت نسبت به نوامیس الهیه از جان و مال و عرض مردم، باید مطابق فتوای مجتهدین عدول هر عصري که مرجع تقلید مردمند، باشد.» (2) «مگر نمی دانی که اگر غیر از اهل، در این مسند نشست، واجب است منع او از این شغل، و حرام است

حمایت او؟ مگر نمی دانی که این کار از غیر تَوَاب عام، غصب حقّ محمد و آل محمد (صلي الله عليه و آله) است؟» (3)

آية الله بروجردي؛ 1329 هـ - ق .

امامان معصوم (عليهم السلام) مي دانسته اند که اغلب شیعیان در زمان حضور، و جمیع آن ها در زمان غیبت، امکان دسترسی به آن ها را ندارند؛ پس آیا امکان دارد که آن ها را از رجوع به طاغوت ها و قاضیان جور منع کنند و با وجود این، خود نیز کسی را برای رجوع در این امور معیی نکنند؟! ماقطع و یقین می یابیم که اصحاب امامان معصوم (عليه السلام) از آنان درباره کسی که مرجع شیعه در این مسائل باشد پرسیده و امامان نیز در جواب آن ها کسانی را برای شیعیان، تعیین کرده اند که

ص: 51

1- . شيخ انصاری ، قضا و شهادات طبع کنگره شماره 22 ص 8 و 9

2- . لوائح آقا شيخ فضل الله نوری، ص 69

3- . رسائل، اعلامیه ها، مکتوبات و روزنامه شيخ فضل الله نوری ، ج 1 ، ص 67

در صورت عدم تمکّن از دسترسی به امامان به هنگام نیاز به آنان مراجعه کنند. نهایت اینکه این پرسش و پاسخ ها از کتاب های روایی موجود ساقط شده و به جز روایت عمر بن حنظله و ابو خدیجه به دستمان نرسیده است... پس مراد از «حاکما» در «قد جعلته علیکم حاکما» در مورد کلیه امور اجتماعی است که از وظایف اشخاص خاصی نیست و شارع مقدّس نیز به سستی در آنها رضایت نمی دهد و لو اینکه در عصر غیبت یا عدم امکان دسترسی به امامان باشد؛ البتّه تصدّی این امور اختصاص به قاضی هم ندارد؛ اگر چه شغل قضاوت، معمولاً و عرفاً با تصدّی سایر امور مبتلا به جامعه ملازم بوده است. (1)

در مجموع (از نظر عقلی و نقلی بر می آید که) فقیه عادل در کارهای مهمّ عمومی که مورد ابتلای مردم است، از طرف ائمه اطهار منصوب است و همانطور که ما روشن کردیم و اجمالاً اشکالی هم به آن وارد نیست، در اثبات آن احتیاجی به مقبوله عمر بن حنظله نمی باشد و در نهایت اینکه مقبوله نیز از شواهد این مطلب است. (2)

ص: 52

1- . البدرالزاهر، ص 79؛ همچنین آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، از شاگردان ایشان می فرمودند: «آیت الله بروجردی گرچه در قم بحث ولایت مطلقه را مستقلاً مطرح نکردند، ولی ایشان همانند امام قائل به ولایت مطلقه برای فقیه بود. (ویژه نامه چشم و چراغ مرجعیت حوزه، ص 163)

2- . البدرالزاهر، ص 74

محقق گرگی (رحمه الله علیه):

کسی نمی تواند بگوید که فقیه، فقط در زمینه فتاوا برای عبادات منصوب است، زیرا این توهم در نهایت سستی است؛ بلکه فقیه از ناحیه معصومین (علیهم السلام) به عنوان نیابت در همه مجاری امور مسلمین نصب شده و بسیاری از ادله بر آن دلالت دارد. (1)

شهید ثانی (رحمه الله علیه):

مراد از فقیه هنگامی که به عنوان ولایت اطلاق می گردد، همان شخص جامع شرایط فتواست؛ زیرا او از سوی ائمه (ع) برای مصالح عمومی مردم منصوب شده است و کسی که قائل به وجوب ادای آن به امام معصوم است، در عصر غیبت، ادای آن را به فقیه مورد اطمینان، واجب دانسته است. (2)

فیض کاشانی (رحمه الله علیه):

وجوب جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و یاری کردن در نیکی و تقوا و فتوا دادن، و بر اساس حق بین مردم حکم نمودن و اقامه حدود و تعزیرات و سایر تدابیر دینی از ضروریات دین می باشد و این امر، محور بزرگ دین و مسئله مهمی است که خداوند انبیا را برای آن برانگیخته است. اگر این امور ترک شود، نبوت بی نتیجه بوده و دین نابود می گردد

ص: 53

1- . جامع المقاصد، ج 2، ص 374

2- . مسالک الافهام ج 1، ص 427؛ و نیز بنگرید به: همان، ج 3، ص 9

و جوانمردی از بین رفته و گمراهی آشکار می شود. جهالت گسترش یافته و شهرها خراب و بندگان هلاک می شوند... همانا بر عهده فقها می باشد که به خاطر حق نیابتی که دارند، آن را اقامه نمایند، هم چنان که شیخین و علامه و عدّه ای از علما چنین نظر داده اند؛ زیرا فقها از طرف ائمه اجازه اقدام دارند. (1)

مولی احمد نراقی (رحمه الله علیه):

مواردی که فقیه عادل در دو امر ولایت دارد:

یک: هر آنچه پیامبر و امام - که فرمانروایان مردم و دژهای استوار اسلام هستند - در آن ولایت دارند، فقیه نیز در آن ولایت دارد، مگر اینکه در موردی دلیل خاصی بر استثنا وجود داشته باشد؛

مانند اجماع یا دلیل خاص یا غیر این دو؛

دو: همه مواردی که نظام زندگی مردم به آن وابسته است و دخالت در آن به حکم و عقل و یا عادت لازم می باشد، ... بر عهده ولی فقیه است.

دلیل امر اول، بعد از اجماعی که بسیاری از اصحاب به آن تصریح نموده اند - و چنین می نماید که نزد آنان از مسلمات می باشد - روایاتی است که به این مسئله تصریح کرده است؛

دلیل امر دوم، بعد از اجماع، دو امر است:

ص: 54

الف. در امور اجتماعی ناچار باید شارع رتوف حکیم برای مردم ولی و حاکمی قرار دهد؛

ب. چون فقیهان بهترین خلق خدا بعد از نبیین و افضل و امین به دست آنها مجاری امور است، آنها به ولایت سزاوارتر هستند. (1)

محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) (رحمه الله علیه):

نصب فقیه، عام بوده و شامل کلیه مواردی است که در حیظه اختیارات امام می باشد؛ زیرا امام (علیه السلام) می فرماید: «من فقیه را حاکم قرار داده ام» که ظهور در ولایت عام دارد... این کلام امام (علیه السلام) که فرمود: «در حوادث واقعه به راویان ما مراجعه کنید»، دارای شمول و گستردگی است؛ چرا که حجت بودن فقیه بر مردم، برابر حجت بودن امام بر مردم قرار گرفته و این بدان معناست که در هر موردی که من بر کسی حجت خدایم، فقیهان نیز بر شما حجت اند، مگر در موردی که دلیل بر استثنا وجود داشته باشد. (2)

شیخ مرتضی انصاری (رحمه الله علیه):

حکم فقیه جامع الشرایط در تمام فروع احکام شرعی و موضوعات حجت و نافذ است؛ زیرا مقصود از لفظ [حاکم] که در مقبوله آمده، نفوذ حکم او در تمام شئون و زمینه هاست و مخصوص امور قضایی نیست؛ همانند آنکه سلطان وقت کسی را به عنوان حاکم معین کند که مستفاد از آن

ص: 55

1- . عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، ص: 536

2- . جواهر الکلام ج 4، ص 18 و نیز بنگرید به : همان، ج 16، ص 178

تسلط او بر تمام شئون مربوط به حکومت اعم از جزئی و کلی است. از این رو، امام (علیه السلام) لفظ «حکَم» را که مخصوص باب قضاوت است، [در مقبوله] به کار نبرده، بلکه به جای آن لفظ حاکم را برده تا عمومیت نفوذ سلطه او را برساند؛ با اینکه مناسب سیاق این بود که امام (علیه السلام) بفرماید: «فانی قد جعلته علیکم حکما». نیز در ادامه می گوید: و از آن، مرجعیت فقیه جامع شرایط در تمامی شئون عامه مرتبط با امت روشن می شود. (1)

آیه الله شیخ عبدالله مامقانی (رحمه الله علیه):

به طور خلاصه، آنچه پس از بررسی و تأمل در ادله چهارگانه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) استفاده می شود، این است که امام معصوم (علیه السلام) بر مردم سلطنت مطلق و نافذ دارد و اینکه این مرتبه از ولایت، برای فقیه عادل هم ثابت باشد، امکان دارد؛ زیرا او نایب امام (علیه السلام) و قائم مقام و حجت اوست؛ همان گونه که امام (علیه السلام) حجت از طرف خداوند است. اینکه امام (علیه السلام) فرمان داده تا مردم در تمام رویدادها به ولی فقیه جامع شرایط مراجعه کنند، این قوی ترین دلیل است بر اینکه فقیه در تمام اموری که نظم اجتماعی به آن بستگی دارد و نیز در اجرای حکم الهی، نایب مطلق امام (علیه السلام) است... جستجو و دقت در احادیث ائمه (علیه السلام) و باب های مختلف فقه دلالت دارد بر اینکه فقیه جامع شرایط در هر امری که

ص: 56

امام (علیه السلام) ولایت دارد، از جانب او ولایت دارد؛ مگر مواردی که «دلیل» آن را از اختصاصات امام (علیه السلام) بیان کند. (1)

ملا حبیب الله شریف کاشانی (رحمه الله علیه):

در هر موردی که پیامبر و امام (علیه السلام) در آن ولایت دارند، ولی جامع شرایط نیز ولایت دارد؛ مگر مواردی که دلیل خارج کند و از اختصاصات نبی و امام بدانند. (2)

علامه محمد رضا مظفر (رحمه الله علیه):

ما معتقدیم مجتهد جامع شرایط، نایب امام (علیه السلام) در زمان غیبت و حاکم و رئیس مطلق است. همان اختیاراتی که برای امام (علیه السلام) است، برای اوست در زمینه قضاوت بین مردم، و در حدیث از امام صادق (علیه السلام) آمده است کسی که حکم او را نپذیرد، حکم امام و در واقع حکم خدا را نپذیرفته است. مجتهد جامع شرایط فقط مرجع در فتوا نیست، بلکه برای او ولایت عموم است... اقامه حدود و تعزیرات جایز نیست، مگر به فرمان او. رسیدگی و دخالت در اموال امام (علیه السلام) نیز از خصوصیات فقیه جامع شرایط است و این موقعیت و این ریاست عامه ای که او از آن برخوردار است، از جانب امام به او اعطا شده است. (3)

ص: 57

1- . هدایه الانام فی حکم اموال الامام ، ص 143-196

2- . مستقیمی مدارک القواعد، ص 274

3- . عقاید الامامیه ، ص 244

حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله علیه):

یکی از امور مقررّه در اسلام، حکومت است؛ به اجماع علماء الاسلام؛ بل الضرورة من الدين. و حاکم را وظایفی است معینه؛ از اجرای حدود و حفظ ثغور و نظم امور و اقامه عدل و اخذ حقوق مستحقین از ممتنعین از اداء و حجر بر اشخاصی که بسط ید آنها بر مالشان موجب تلف مال خود آنها یا تضييع حقوق دیگران است، و حفظ اموال کسانی که صالح برای حفظ آنها نیستند و فصل خصومات و غیر این ها از اموری که تصدی آنها در جمیع ملل شأن رئیس است و ثبوت این وظایف هم برای حاکم مسلمین و منصوب از قبل سلطان اسلام، محل اتفاق فریقین (شیعه و سنی) است. (1)

آیت الله شیخ مرتضی حائری (رحمه الله علیه):

تقریب استدلال به روایت «اما الحوادث الواقعة...» چنین است: فقیه از سوی امام (علیه السلام) حجت است و معنای حجت بودن او از طرف امام در عرف، این است که در همه مواردی که باید به امام مراجعه شود، فقیه نیز مرجعیت و حجیت دارد. (2)

آیت الله گلپایگانی (رحمه الله علیه):

محدوده اختیارات فقها، محدوده ای عام است که از اطلاعات ادله ای

ص: 58

1- . استفتائات حضرت آیت الله العظمی بروجردی، جلد دوم، ص 476، سؤال 19؛ در پاسخ به این سؤال که «در باب ولایت فقیه و مجتهد اولاً: نظر و رأی مبارک چیست؟ آیا ولایت عامه التوسط بین الولاية المطلقة المعبر عنها بولاية أولى بأنفس و الدرجة النازلة که ولایت در امور حسبیه باشد قائل هستید یا همان ولایت در امور مخصوصة حسبیه را که بعضی فرموده اند: «قدر متقین از ادله است» عقیده دارید؟» این مطلب بیان شده است.

2- . صلوة الجمعة، ص 154-155

چون «العلماء ورثة الانبياء و خلفاء الرسول» دریافت می شود، به جز مواردی که دلیل آن از اختصاصات ائمه (علیهم السلام) شمرده شده. محدوده ولایت فقیه جامع شرایط در امور مربوط به سیاست و اداره اجتماع، مانند محدوده اختیارات ائمه (علیهم السلام) است؛ مگر موردی را که دلیل خارج کند. (1)

حضرت آیت الله سیستانی (رحمه الله علیه):

ولایت در آن چه - به اصطلاح فقها - امور حسبیه خوانده می شود برای هر فقیهی که جامع شرایط تقلید باشد، ثابت است. و اما ولایت فقیه در امور عامه که نظم جامعه اسلامی بر آنها متوقف است، برای فقیه ثابت است، مشروط به تأمین شرایطی - هم در شخص فقیه و هم در شرایط به کار بستن ولایت - از جمله مقبول بودن نزد مؤمنین. (2)

نسبت اختیارات ولی فقیه، با اختیارات معصومین علیهم السلام

پاسخ این سوال را از زبان امام راحل (قدس سره) بشنویم: «وقتی می گوئیم ولایتی را که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) داشتند، بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقها همان مقام ائمه (علیهم السلام) و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است. زیرا اینجا صحبت از مقام

ص: 59

1- . الهدایة الی من له الولاية ص 79

2- . پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له به نشانی <http://sistani.org/local.php?modules=navnid=5cid=1104>

نیست؛ بلکه صحبت از وظیفه است. «ولایت» - یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس - يك وظیفه سنگین و مهم است؛ نه اینکه برای کسی شأن و مقام غیر عادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر، «ولایت» مورد بحث، یعنی حکومت و اجرا و اداره - بر خلاف تصویری که خیلی از افراد دارند - امتیاز نیست بلکه وظیفه ای خطیر است. از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتهای جز جعل (1) ندارد؛ مانند جعل قیّم برای صغار. قیّم ملت با قیّم صغار از لحاظ وظیفه و موقعیت هیچ فرقی ندارد. مثل این است که امام (علیه السلام) کسی را برای حضانت، حکومت، یا منصبی از مناصب، تعیین کند. در این موارد معقول نیست که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام با فقیه فرق داشته باشد. مثلاً یکی از اموری که فقیه متصدی ولایت آن است اجرای «حدود» (یعنی قانون جزای اسلام) است. آیا در اجرای حدود بین رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام و فقیه امتیازی است؟ یا چون رتبه فقیه پایین تر است باید کمتر بزند؟ حد زانی که صد تازیانه است اگر رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) جاری کند، 150 تازیانه می زند، و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) صد تازیانه، و فقیه پنجاه تازیانه؟ یا اینکه حاکم متصدی قوه اجراییه است و باید حد خدا را جاری کند؛ چه رسول الله (صلی الله علیه و آله) باشد، و چه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، یا نماینده و قاضی آن حضرت در

ص: 60

1- . قرار دادن و تعیین

بصره و کوفه، یا فقیه عصر. دیگر از شئون رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت امیر (علیه السلام) اخذ مالیات، خمس، زکات، جزیه، و خراج اراضی خراجیه است. آیا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) اگر زکات بگیرد، چقدر می گیرد؟ از يك جا ده يك و از يك جا بیست يك؟ حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) خلیفه شدند چه می کنند؟ جنابعالی فقیه عصر و نافذ الکلمه شدید چطور؟ آیا در این امور ولایت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) با حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فقیه فرق دارد؟ خداوند متعال رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را «ولی» همه مسلمانان قرار داده؛ و تا وقتی آن حضرت باشند، حتی بر حضرت امیر (علیه السلام) ولایت دارند. پس از آن حضرت، امام بر همه مسلمانان، حتی بر امام بعد از خود، ولایت دارد؛ یعنی، او امر حکومتی او درباره همه نافذ و جاری است و می تواند قاضی و والی نصب و عزل کند. همین ولایتی که برای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی اداره هست، برای فقیه هم هست... در این معنا مراتب و درجات نیست که یکی در مرتبه بالاتر و دیگری در مرتبه پایین تر باشد؛ یکی والی و دیگری والی تر باشد.» (1)

روشن شد که اشکال، از نوع نگاه به ولایت فقیه ناشی شده است وگرنه «اساساً حکومت کردن و زمامداری در اسلام يك تکلیف و وظیفه الهی است که يك فرد در مقام حکومت و زمامداری، گذشته از وظایفی

ص: 61

که بر همه مسلمین واجب است، يك سلسله تكالیف سنگین دیگری نیز بر عهده اوست که باید انجام دهد.»(1)

ولایت مطلقه و قانون

بعضی ها خیال می کنند که این «ولایت مطلقه فقیه» که در قانون اساسی آمده، معنایش این است که رهبری مطلق العنان است و هر کار که دلش بخواهد، می تواند بکند! معنای ولایت مطلقه این نیست. رهبری بایستی موبه موقوانین را اجرا کند و به آنها احترام بگذارد. منتها در مواردی اگر مسئولان و دست اندرکاران امور بخواهند قانونی را که معتبر است موبه مو عمل کنند، دچار مشکل می شوند؛ قانون بشری همین طور است. قانون اساسی راه چاره ای را باز کرده و گفته آن جایی که مسئولان امور در اجرای فلان قانون... دچار مضیقه می شوند و هیچ کار نمی توانند بکنند، رهبری مرجع است... این معنای ولایت مطلقه است، والا رهبر، رئیس جمهور، وزرا و نمایندگان، همه در مقابل قانون تسلیمند و باید تسلیم باشند.(2)

آن کسی که ولیّ و حاکم مردم است، يك سلطان نیست؛ یعنی عنوان حکومت، از بُعد اقتدار و قدرت او بر تصرف ملاحظه نمی شود؛ از بُعد این که او هر کاری که می خواهد، می تواند بکند، مورد توجه نیست؛

ص: 62

1- . صحیفه نور، ج 4، ص 190

2- . بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین 26/09/1382

بلکه از باب ولایت و سرپرستی او، و این که ولیّ مؤمنین یا ولیّ امور مسلمین است، این حق یا این شغل یا این سمت مورد توجه قرار می گیرد. قضیه ی حکومت در اسلام، از این جهت مورد توجه است.

اگر این مفهوم ولایت و آنچه را که اسلام برای ولیّ و والی به عنوان شرط و وظیفه قرار داده است، بشکافیم - که در کلمات ائمه ی معصومین در این باب، خیلی حرف های آموختنی وجود دارد، و در همین نامه ی امیرالمؤمنین به مالک اشتر و آن توصیه های بزرگ، مفاهیم ارزنده ی زیادی هست - خواهیم دید که مردمی ترین نوع حکومت این است. در فرهنگ بشری - یعنی فرهنگ آزادی خواهان عالم در طول تاریخ - هیچ چیزی که از حکومت زشت باشد، در مفهوم ولایت وجود ندارد. مفهوم استبداد یا خودسری، به میل خود یا به ضرر مردم تصمیم گرفتن، مطلقاً در معنای ولایت اسلامی نیست. نه این که يك شخصی نمی تواند به نام ولایت از این کارها بکند؛ خیر، شیاطینی هستند که با همه ی نام های خوب، همه ی کارهای بد را در دنیا کرده اند. مقصود، آموزش و درس و راه اسلامی است. البته کسانی که بیگانه ی از اسلام هستند، ممکن است تصوراتی بکنند؛ لیکن اینها بر اثر نشناختن مفهوم ولایت است. (1)

پس می توان اینطور جمع بندی کرد که معنای ولایت در اسلام، این

ص: 63

1- . سخنرانی رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر

است؛ حکومتی که در آن، اقتدارِ حاکمیت هست، ولی خودخواهیِ سلطنت نیست، جزم و عزم قاطع هست (1) اما استبداد به رأی نیست. ولایت، یعنی حکومتی که در آن در عین وجود اقتدار، در عین وجود عزّت یک حاکم و جزم و عزم و تصمیم قاطع یک حاکم، هیچ نشانه ای از استبداد و خودخواهی و خود رأیی و زیاده طلبی و «برایِ خود خواستن» نیست. (2)

مطلقه بودن ولایت فقیه و شائبه استبداد

ولایت در اسلام، ناشی از ارزش هاست؛ ارزش هایی که وجود آنها، هم آن سیدمت (ولی فقیه) و هم مردم را مصونیت می بخشد. مثلاً عدالت به معنای خاص - یعنی آن ملکه نفسانی - از جمله شرایط ولایت است. اگر این شرط تأمین شد، ولایت یک چیز آسیب ناپذیر است؛ زیرا به مجرد این که کمترین عمل خلافی که خارج از محدوده و خارج از اوامر و نواهی اسلامی است، از طرف آن ولی یا والی تحقق پیدا کرد، شرط عدالت سلب می شود. کوچک ترین ظلم و کوچک ترین کج رفتاری که خلاف شرع باشد، عدالت را سلب می کند. هر تبعیضی، هر عمل خلاف و گناه و ترک وظیفه بی، عدالت را از والی سلب می کند. وقتی هم که عدالت سلب شد، او از آن منصب منعزل می شود. (3)

ص: 64

1- . فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛ و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن. (آل عمران: 159)

2- . بیانات رهبر معظم انقلاب به مناسبت عید سعید غدیر 16/1/1378

3- . بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران 19/4/1379

امام خمینی (قدس سره) در این باره می‌فرماید: «اگر یک فقیهی، یک مورد دیکتاتوری بکند، از ولایت می‌افتد، پیش اسلام. اسلام هر فقیهی را که ولی نمی‌کند؛ آن که علم دارد، عمل دارد، مشی‌اش مشی اسلام است، سیاستش سیاست اسلام است، آن را [به ولایت منصوب می‌کند]. برای این که یک آدمی که تمام عمرش را در اسلام گذرانده و در مسائل اسلامی گذرانده و آدم مُعَوّجی نیست و صحیح است، این نظارت داشته باشد به این امرها؛ نگذارد که هر کس هر کاری دلش می‌خواهد بکند.»⁽¹⁾

در این رابطه یک نکته بسیار برجسته نیز در نظام حاکمیت دینی وجود دارد که توجه به آن لازم است؛

نکته ای که باید توجه به آن و افتخار کرد این است که برخلاف همه مقررات عالم در باب حکومت - که در قوانین آنها حاکمیت ها یک حالت غیرقابل خدشه دارند - در نظام اسلامی، آن کسی که به عنوان ولی فقیه مشخص می‌شود، چون اساساً مسئولیت او مبتنی بر معیارهاست، چنانچه این معیارها را از دست داد، به خودی خود ساقط می‌شود. وظیفه مجلس خبرگان، تشخیص این قضیه است. اگر تشخیص دادند، می‌فهمند که بله؛ ولی فقیه ندارند. تا فهمیدند که این معیارها در این آقا نیست، می‌فهمند که ولی فقیه ندارند؛ باید بروند دنبال یک ولی فقیه دیگر. احتجاج نیست عزلش کنند؛ خودش منعزل می‌شود. این نکته

ص: 65

شرایط ولایت فقیه

اشاره

قبل از پاسخ دادن به این سوال باید دید اصولاً در قرآن، چه شاخصه‌هایی برای مدیر و ولی جامعه دینی در نظر گرفته شده است.

در خطاب خداوند متعال به ابراهیم، این نکته بسیار مهم آمده است که خداوند بعد از امتحان‌های فراوانی که از ابراهیم کرد و ایشان از کوره آزمایش‌های گوناگون بیرون آمد و خالص و خالص‌تر شد، گفت: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»؛ (2) من تو را پیشوای مردم قرار دادم.

می‌دانیم که امام فقط به معنای پیشوای دینی و مسأله طهارت و غسل و وضو و نماز نیست؛ امام یعنی پیشوای دین و دنیا؛ راهبر مردم به سوی صلاح. این معنای امام در منطق شرایع دینی از اول تا امروز است.

ابراهیم عرض کرد: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»؛ اولاد و ذریه من هم در این امامت نصیبی دارند؟ خداوند فرمود دارند یا ندارند؛ بحث ذریه نیست؛ ضابطه داد. «قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ (3) فرمان و دستور و حکم امامت از سوی من به ستمگران و ظالمان نمی‌رسد؛ باید عادل باشد. (4) پس اولین

ص: 66

1- .بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی 4/12/1377

2- . بقره: 124

3- . همان

4- . بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان قزوین 26/9/1382

دومین ویژگی علم و دانایی است. امیرالمومنین علیه السلام در تعلیل این شاخص در آیات قرآن می فرمایند: «آیا سزاوار است که خلیفه جز داناترین افراد به قرآن و سنت باشد؟ همچنان که خداوند فرموده: أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ، و نیز فرموده: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ، و نیز: اَنْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «هیچ امتی اختیار امور خود را با وجود فرد عالم و دانا به کسی واگذار نکنند، جز آنکه پیوسته کارشان به انحطاط و تزلزل گذاشته تا هنگامی که خطایشان را جبران کنند؛ پس آیا ولایت جز همان امارت و حکومت است؟!» (1)

می بینیم که علاوه بر «علم و عدالت»، حاکم الهی احتیاج به «توانایی» هم دارد؛ بایستی قدرت اداره داشته باشد و این يك شرط عقلی است. علاوه بر این که در قرآن هم اشاره شده در داستان طالوت: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا»، (2) بعد که آنها اعتراض می کنند که: «أَنَّى»

ص: 67

-
- 1- . أَفَيُنَبِّغِي أَنْ لَا يَكُونَ الْخَلِيفَةُ عَلَى الْأُمَّةِ إِلَّا أَعْلَمَهُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ وَقَالَ تَعَالَى - إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَقَالَ اَنْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مَا وَلَّتْ أُمَّةٌ قَطُّ أَمْرَهَا رَجُلًا وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا لَمْ يَزَلْ يَذْهَبُ أَمْرُهُمْ سَفَالًا حَتَّى يَرْجِعُوا إِلَى مَا تَرَكُوا فَمَا الْوَلَايَةُ غَيْرُ الْإِمَارَةِ (الإحتجاج ، ج 1، ص 150)
- 2- . خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است. (بقره: 247)

يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ»، (1) آنجا جوابی که پیغمبر به آنها می دهد این است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ»؛ (2) یعنی توانایی جسمی هم در کنار توانایی علمی هست؛ یعنی باید توانایی داشته باشد. البته طبیعی است که توانایی جسمی، فقط به معنای این نیست که جسم سالمی داشته باشد؛ بلکه باید فکر سالم، ذهن سالم، و قدرت کار و قدرت اداره داشته باشد. (3)

حال باید دید چه ویژگی های در گزینش ولی فقیه معتبر است؛ و اساساً آیا بین ویژگی های تصریح شده در روایات و بیانات فقهای شیعه در مورد ولی فقیه و شاخصه های حکمرانان الهی معرفی شده در قرآن تفاوتی وجود دارد یا خیر؟

1. علم و اجتهاد

چون حکومت اسلام، حکومت قانون است، برای زمامدار، علم به قوانین لازم می باشد. چنان که در روایت آمده است؛ نه فقط برای زمامدار، بلکه برای همه افراد - هر شغل یا وظیفه یا مقامی داشته باشند - چنین علمی ضرورت دارد؛ منتهی حاکم به خاطر عظمت مسئولیت، لازم است آگاهی علمی بیشتری داشته باشد.

این ویژگی در کلام نورانی امیرالمومنین علی (علیه السلام) مورد

ص: 68

1- . چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟! (بقره: 247)

2- . خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. (بقره: 247)

3- . سخنرانی رهبر معظم انقلاب در چهارمین کنفرانس اندیشه ی اسلامی پیرامون حکومت اسلامی 10/11/1364

توجه قرار گرفته است. آن حضرت در خطبه 173 نهج البلاغه درباره کسی که سزاوار مدیریت جامعه اسلامی است، می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ، وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»؛ ای مردم، سزاوارترین کس برای اداره امور مسلمین، تواناترین افراد بر این امر و داناترین شان به فرمان خداست.

در حقیقت، امام (علیه السلام) به دورکن اساسی که یکی جنبه علمی دارد و دیگر جنبه عملی اشاره کرده است؛ از نظر علمی باید از همه آگاه تر باشد و از نظر عملی در امر مدیریت از همه قوی تر. بسیاری کسانانی که عالماند، ولی مدیر نیستند و یا مدیرند و عالم نیستند و تا این دو دست به دست هم ندهد، اداره صحیح جامعه امکان پذیر نیست.

حضرت سید الشهداء (علیه السلام) نیز در ضمن خطابه آتشین خود در «منا» می فرماید:

«مَجَارِي الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ...»؛ (1) اجرای امور و اجرای احکام را خداوند به دست عالمان دین و امینان حلال و حرام خود داده است.

و همچنین خطاب به اهل کوفه فرمودند: «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَاسِبُ نَفْسَهُ عَلَى ذَلِكَ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ»؛ (2) سوگند به جانم! رهبر جامعه اسلامی کسی است که مطابق کتاب خدا

ص: 69

1- . تحف العقول، ص 172

2- . الإرشاد، ج 2، ص 39

حکم نماید و به عدالت رفتار کند و پای بند دین باشد و نفس خود را در مقابل خدا مسؤول شمارد.

و معلوم است، قیام به قسط و حکم به کتاب خدا، بدون اطلاع از قانون اسلام - یا اجتهاد - امکان پذیر نیست.

2. عدالت و تقوی

عدالت به معنای خاص - یعنی آن ملکه نفسانی - از جمله شرایط ولایت است. اگر این شرط تأمین شد، ولایت یک چیز آسیب ناپذیر است؛ زیرا به مجرد اینکه کمترین عمل خلافی که خارج از محدوده و خارج از اوامر و نواهی اسلامی است، از طرف آن ولی یا والی تحقق پیدا کرد، شرط عدالت سلب می شود. کوچک ترین ظلم و کوچک ترین کج رفتاری که خلاف شرع باشد، عدالت را سلب می کند. هر تبعیضی، هر عمل خلاف و گناه و ترک وظیفه ای، عدالت را از والی سلب می کند. وقتی هم که عدالت سلب شد، او از آن منصب منعزل می شود. (1)

امام و پیشوا که تعبیر دقیق و کاملی از حاکم اسلامی است، باید حتماً عادل باشد و تابع هوای نفس نباشد. زیرا اگر پیروی از هوس ها و هواها بشود، گمراهی و انحراف از راه خدا حتمی است و این مایه اصلی انحراف جوامع بشری است. پس بایستی حاکم اسلامی تحت تأثیر هوای نفس قرار نگیرد؛ و این نمی شود مگر اینکه با عدالت، نفسش از اینکه به

ص: 70

1- . سخنرانی رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعیدغدیر 10/4/1370

دنیا رو کند و تحت تأثیر مطامع دنیوی قرار بگیرد، مصون باشد. این شرایط در مدارک اسلامی و کتاب و سنت به صورت تفصیلی بیان شده.

در اینجا به یکی دو نمونه اشاره می‌کنیم:

شاید روشن‌ترین دلیل، بر لزوم این صفت در حاکم، آیه‌ای است که مردم را بر مراعات و ملاحظه این صفت در حاکم، به هنگام انتخاب او، فرامی‌خواند:

«وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»؛ (1) به آنان که ستم کردند، تمایل نکنید، که آتش دامن‌گیر شما می‌شود و جز خداوند برای شما دوستانی نیست، آنگاه یاری نمی‌شوید.

کدام تمایل به ستمگر، بزرگ‌تر از مسلط کردن حاکم فاسق و پذیرش ولایت او و سپردن مقدرات مردم به دست اوست. (2)

مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج در ذیل آیه مبارکه: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عَدَدِ اللَّهِ...» (3) از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل می‌کند که امام فرمود: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلَّدُوهُ وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ...»؛ (4) فقهایی که (از گناه) خودداری و دینشان را حفظ می‌نمایند و با هوای نفس مخالفت و امر مولایشان را اطاعت

ص: 71

1- . سوره هود، آیه 113.

2- . آیت الله سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص 232

3- . البقرة: 79 (پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست»)

4- . کتاب الاحتجاج، ج2، ص 458؛ وسائل الشیعة، ج 27، ص 131

می‌کنند، عموم مردم می‌توانند از ایشان پیروی نمایند و اینان بعضی از فقهای شیعه هستند؛ نه همه آنان.

از این حدیث به خوبی استفاده می‌شود که مقام رهبری مخصوص آن فقیهی است که خود را ساخته باشد؛ به گونه‌ای که تسلط بر نفس داشته و از گناه به طور کلی دوری نموده، تحت فرمان خدا و نگهبان دین باشد. (1)

3. درایت، تدبیر و کارآمدی

هر انسان، با ذهن عرفی خود در می‌یابد... که اگر فقیهی از کاردانی لازم برای اجرای این رسالت سنگین و گسترده بی‌بهره است، نمی‌تواند عهده‌دار چنین مسؤلیتی شود. بنابراین ضرورت دارد که در ثبوت ولایت برای فقیه، به کاردانی او توجه کنیم و عناصر مؤثر در این زمینه؛ از قبیل آگاهی، نکته‌سنجی، تیزهوشی، زیرکی، قاطعیت در تصمیم‌گیری و امثال آنرا در وی باز شناسیم. (2)

در روایاتی که از معصومین (علیهم السلام) به ما رسیده نیز به این شاخصه اساسی توجه شده است؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در تشریح صفات محوری در حاکم و رهبر اسلامی می‌فرماید:

« لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌّ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُ

ص: 72

1- . آیت الله موسوی خلخالی، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، ص 224 الی 226

2- . بنیان حکومت در اسلام صص 181 و 182

بِهِ غَضَبُهُ وَ حُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ»؛ (1) فردی، لیاقت و شایستگی امامت را دارد که دارای سه خصلت باشد:

1. تقوی و پرهیزگاری که او را از نافرمانی خدا باز دارد.

2. بردباری که خشمش را با آن کنترل کند.

3. نیکو حکومت کردن بر افراد زیر فرمانش...

حضرت آیت الله جوادی آملی در تبیین لزوم توجه به این خصلت در گزینش رهبراسلامی می فرماید: «علاوه بر اجتهاد مطلق و صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه و همچنین عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، استعداد و توانائی رهبری و کشورداری، شرط ضروری سوم برای فقیه است.

فقیه جامع شرایط باید علاوه بر اجتهاد و عدالت مطلق، اولاً بینش درست و صحیحی نسبت به امور سیاسی و اجتماعی داخل و خارج کشور داشته باشد و ترفندهای دشمنان خارج را خوب بشناسد و ثانیاً از هنر مدیریت و لوازم آن برخوردار باشد؛ زیرا مدیریت، گذشته از تئوری، نیازمند ذوق اداره و هنر تدبیر است؛ بسیاری از ما اوزان شعر را می دانیم که مثلاً فلان شعر باید بر وزن «مستفعلن، مستفعلن، مستفعلن» باشد؛ اما دانستن عروض، هیچ گاه کسی را شاعر نمی کند. شعرشناسی، غیر از شاعر بودن است؛ چراکه انشاء شعر، گذشته از آشنائی به قواعد شعر، نیازمند استعدادهای خاصی است. همه ما می دانیم که باید کشور را بر اساس قسط و عدل اداره کرد، اما مدیر و مدبر بودن، غیر از دانش و بینش سیاسی است؛

ص: 73

هنری است که هر کس آن را ندارد... بنابراین، نمی توان گفت هر فقیه عادل صلاحت رهبری جامعه را دارد، بلکه باید گذشته از شرائط علمی، دارای استعداد و توانایی لازم برای اداره امت اسلامی باشد.»⁽¹⁾

ص: 74

1- . ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت، ص 140-139

اشاره

هر چند شہادت حضرت امام خمینی (قدس سره) به جایگاه علمی و فقاہتی حضرت آیت اللہ خامنہ ای در موارد مختلف (1)

از ادامه این بحث کفایت می کند - نظیر آنجا که فرمودند: «اینجانب که از سالها قبل از انقلاب با جناب عالی ارتباط نزدیک داشته ام و همان ارتباط... بحمد اللہ تاکنون باقی است، جناب عالی را یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می دانم و شما را چون برادری که آشنای به مسائل فقهی و

ص: 75

1- . حجه الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی (ره) نقل کرده اند که: «حضرت امام بارها از جناب عالی (حضرت آیت اللہ خامنہ ای) به عنوان مجتهدی مسلم و بهترین فرد برای رهبری نام بردند. انتخاب شایسته و بسیار خداپسندانه حضرتعالی، باعث شادی تمام دوستداران اسلام و انقلاب اسلامی در جهان گردید. حضرتعالی از چهره های درخشان انقلاب اسلامی بوده و همیشه مورد تایید و تکریم امام عزیزمان بوده اید. (روزنامه رسالت 16 / 3 / 68)

متعهد به آن هستید و از مبانی فقهی مربوط به ولایت مطلقه فقیه جداً جانبداری می کنید می دانم.» (1) - اما به ارائه دیدگاه چند تن دیگر از فقها و علمای عظام در این رابطه می پردازیم.

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره) در خصوص سابقه علمی ایشان می نویسند: «بنده بعنوان کسی که هم عضو مجلس خبرگان هستم و هم اینکه آشنایی با آیت الله خامنه ای دارم عرض می کنم که ایشان اهل نظر و اهل اجتهاد هستند. بیست سال پیش وقتی در مشهد در مسجد گوهر شاد با ایشان بر خورد کردم آن موقع ایشان از مدرسین محترم مشهد بودند پرسیدم چه چیز تدریس می کنید فرمودند: مکاسب. مکاسب از مهم ترین و مشکل ترین کتب علمی ماست. به نظر من ایشان یک فقیه و یک مجتهد است.» (2)

ایشان طی نامه ای، درباره جایگاه فقهی معظم له می نویسند: «در مورد مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته اشعار

ص: 76

1- . صحیفه نور ج 20 ص 173

2- . حجة الاسلام والمسلمین عبدالقائم شوشتری می فرمودند: در زمانی که امام جمعه شاهین شهر اصفهان بودم، وجوهات مقلدین مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای مد ظله العالی را همراه یک مورد وجوهات یکی از مقلدین حضرت آیت الله فاضل لنکرانی رحمه الله به قم بردم و همگی آنها را تحویل دفتر مقام معظم رهبری دادم. بعد به دلیل آنکه یک مورد از وجوهات آیت الله فاضل لنکرانی رحمه الله را به دفتر ایشان تحویل نداده و به دفتر رهبری داده بودم مردد بودم که حکم شرعی آن چگونه است؟ به همین علت خدمت ایشان رفتم و جریان را گفتم. آیت الله فاضل لنکرانی رحمه الله با تواضع فرمودند: کار خوبی کردید. ایشان (آیت الله خامنه ای) ستون خیمه مرجعیت هستند اگر ایشان نبودند ما هم نبودیم. (کتاب امام حاضر مدیر ناظر، ص 125 به نقل از روزنامه کیهان، خرداد 1386، به مناسبت رحلت آیت الله فاضل لنکرانی)

مي دارد که مقام مشامخ علمي و اجتهاد و فقاہت معظم له جاي هيچ گونه ترديد نيست، اينجانب با توجه به سابقه آشنائي ديرين با ايشان و اطلاع از مراتب تحصيلي، اذعان به اجتهاد به نحو اطلاق وي دارم، علاوه اشاره و بلکه تصريح امام عظيم الشان (قدس سره) در موارد متعدد به صلاحيت و شايستگي رهبري ايشان دليل عمده بر مقام اجتهاد معظم له مي باشد.»⁽¹⁾

شهيد آيت الله صدوقي (ره):

حجت الاسلام والمسلمين راشد يزدي طي خاطره اي از سالهاي پيش از پيروزي انقلاب مي فرمايند: «در سال 56 به اتفاق آيت الله صدوقي و تعدادي از آقايمان ديگر، تصميم گرفتيم برويم به فرادي که در تبعيد هستند، سري بزيم. چون مقام معظم رهبري به ايرانشهر تبعيد شده بودند، خدمت ايشان هم رسيديم.

به امامت آقاي صدوقي نماز مغرب و عشا را خوانديم... من براي کاري به بيرون منزل رفتم. وقتي برگشتم ديدم اين دو بزرگوار هنوز مشغول بحث هستند. وارد که شدم، آقاي صدوقي به من گفت: «ماشالله! ماشالله! اين آقاي سيد علي آقا خيلي مُشت شان پر است.»

صبح روز بعد رفتيم چابهار براي زيارت آيت الله مکارم؛ در اين فاصله، اسم آقاي خامنه اي از دهان آقاي صدوقي نيفتاد؛ از بس مجذوب ايشان شده بود.

ص: 77

1- . مرجعيت از دیدگاه فقها و بزرگان، دفتر تبليغات اسلامي، ص 72

بعد از زیارت آقای مکارم، گفتم کنار دریا برویم تا مدتی استراحت کنیم. ایشان گفت من می خواهم برگردم پیش آقای خامنه ای و بعد حدود دو ساعتی با هم بحث کردند.

از لحاظ علمی آقای خامنه ای، مورد تأیید صد در صد آقای صدوقی بود.

در زمان انقلاب، بین حزب جمهوری اسلامی و امام جمعه بندر عباس اختلافی در گرفت. آقای صدوقی به من گفتند تا درباره اختلاف آنها، گزارشی بیاورم. بعد از تهیه و دادن گزارش آن به آقای صدوقی، ایشان پرسیدند: کی به تهران می روی؟ گفتم فردا. ایشان پاکتی را به من دادند. پشت پاکت نوشته بود: «تقدیم به محضر مبارك آیت الله العظمي آقای خامنه ای».

پسر آقای صدوقی اعتراض کردند که آیا ایشان به مقام آیت اللهی رسیده اند؟

آقای صدوقی از بالای عینک به پسرش نگاه کرد و گفت: بله که آیت الله هستند. (1)

آیت الله مشکینی (ره):

به تصدیق و تأیید عده زیادی از فقهای خبرگان، علما، مجتهدین که من

ص: 78

1- . همایش «در سایه سار آفتاب»، هشتمین دوره اردوی آموزشی تشکیلاتی اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل در مشهد مقدس با موضوع تبیین شخصیت مقام معظم رهبری (به نقل از کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزت و اقتدار، ج 4، ص 295)

از آن اطلاع دار و خاصه تصدیق حضرت امام (ره) که بارها فرموده بودند ایشان [مقام معظم رهبری] شایسته رهبری جامعه هستند، در اجتهاد و فقهت معظم له هیچ تردیدی وجود ندارد و ایشان استعداد فهم و قدرت استنباط حکم را از کتاب و سنت داشته و دارند و ایشان استعداد فهم و قدرت استنباط حکم را از کتاب و سنت داشته و دارند و خدشه در این مسئله غیر از غرض ورزی چیز دیگری نیست. (1)

بر همه مسلمین جهان واجب مؤکد شرعی و عقلی است که حضرت مستطاب آیت الله خامنه ای را به فقهت و ولایت امر مسلمین بشناسند که واجد مقام فقهت، اجتهاد و حائز سایر شرایط ولایت است (2)

آیت الله جوادی آملی:

اجتهاد و عدالت آیت الله جناب آقای حاج سیدعلی خامنه ای (دامت برکاته) مورد تایید می باشد لازم است امت اسلامی ایده‌م الله در تقویت رهبری معظم له در بذل نفس و نفیس در هیچ گونه نثار و ایثار دریغ نفرمایند، «لتكون كلمة الله هي العليا والسلام علي من اتبع الهدى». (3)

آیت الله مصباح یزدی:

هوش و فراست فوق العاده مقام معظم رهبری، از دوران کودکی زبانزد خاص و عام بود. ایشان از همان روزهای نخست زندگی، در مقاطع مختلف تحصیلی، امتیازاتی داشتند که آثار آن را امروز در تصمیم ها و

ص: 79

1- . نماز جمعه قم ، 30/08/1376

2- . مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، دفتر تبلیغات اسلامی

3- . همان، ص 74

تدبیرهای معظم له، به نهران می بینیم.

ایشان از همان روزها، علاقه شدیدی به تحصیل داشتند؛ به طوری که با گذشت زمانی کوتاه، بین استادان خود موقعیت خاصی پیدا کردند و مورد توجه و حمایت آنان قرار گرفتند.

یکی از استاد‌های ایشان در حوزه علمیه قم آیه الله حائری یزدی (رضوان الله تعالی علیه) بود که مهر و لطف وی به مقام معظم رهبری در آن روزها برای همگان روشن بود.

بعضی وقت‌ها، آیه الله حائری، ساعت‌ها وقت خود را صرف پاسخ دادن به سؤالات مقام معظم رهبری و بحث و گفت‌وگو با ایشان می نمودند. گاه قبل از درس عمومی استاد، بحث علمی - در جلسه ای خصوصی - به درازا می کشید که از ساعت شروع کلاس می گذشت و آیه الله حائری یزدی، هوش و استعداد فوق العاده ایشان را عذری برای تأخیر قرار می دادند.

همه اینها، عواملی بودند که نبوغ فکری و علمی مقام معظم رهبری را نهران کردند و ایشان قبل از اینکه به بیست سالگی برسند، به مقام بالایی از علم و فقاقت رسیدند و در آغاز جوانی، درجه اجتهاد را دریافت نمودند. (1)

آیت الله العظمی میرزا هاشم آملی (ره):

انتخاب شایسته حضرت تعالی که فردی دانشمند و اسلام شناس و صاحب

ص: 80

درایت هستید از جانب مجلس خبرگان، مایه امیدواری و تسکین است. (1)

آیت الله العظمی مظاهری:

بعد از رحلت حضرت امام (قدّس سره) علی رغم تصوّر دشمنان اسلام، انقلاب به واسطه ی خلوص آن مرد و نظارت آن بزرگوار روی انقلابش، صادر شد. به خصوص بعد از آنکه شاگرد لایقی از آن استاد بزرگوار، رهبری را به دست گرفتند و نشان دادند که بعد از امام می توانند به جای ایشان انقلاب را رهبری کنند و نشان دادند که شاگرد لایق او هستند هم در فقه، هم در سیاست، هم در فصاحت و بلاغت. یعنی مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای ادام الله ظلّه موجب افتخار شد برای این انقلاب و نعمت بزرگی بود برای ما. (2)

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی:

آیه الله خامنه ای، اضافه بر تسلط بر مبانی اجتهادی که هر فقیه و مجتهدی باید بر آن ها مسلط باشد، دارای ویژگی های علمی و فقهی خاص خودشان هم هستند، که من به یکی -- دو تا از آن ها اشاره می کنم. ایشان در مسایل رجالی دارای معلومات بسیار خوبی هستند و در رجال، واقعا کار کرده اند و جزء مجتهدانی هستند که به مسایل رجالی اهمیت می دهند، ایشان مسائلی را در رجال قبول کرده اند، اشکالات

ص: 81

1- . به نقل از: کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزّت و اقتدار، ج 4، ص 305

2- . به نقل از پایگاه اطلاع رسانی معظم له به نشانی: <http://www.almazaheri.ir/farsi/Index.aspx?TabID=0604SectionNum=605ChapterNum=256ChapterName>

وارد را رفع کرده اند و تفوق چشمگیری در مسائل رجالی دارند که این، خود یکی از موجبات اعلی‌ت یک فقیه است و اطلاع رجالی ایشان خیلی گسترده و وسیع است.

امتیاز دیگر ایشان، فهم سالم و ذوق مستقیمی است که در فهم آیات و روایات دارند. مسئله استظهار و استفاده از ادله لفظی در استنباط، بسیار مهم است، بلکه اساس فقاہت است،

(و معمولاً یکی از اموری که به بعضی از فقها اشکال گرفته اند، مخصوصاً فقهایی که کم‌تر با حوزه های عربی سروکار داشتند، این است که بعضی از استظهارات آن‌ها دقیق و درست نیست). من در این مدت دیده‌ام که ایشان بسیار جالب استظهار می‌کنند.

ویژگی دیگر ایشان، نظم منطقی و دقیق ذهنی ایشان است که معمولاً در تدوین و تنقیح بحث‌های پیچیده علمی بسیار مهم و کارساز است. (1)

حجت الاسلام و المسلمین راشد یزدی نقل می‌کنند که چهارشنبه شب‌ها، آقا جلسه‌ای دارند که ده تن از علما جمع می‌شوند. آقایان احمدی گیلانی، خزعلی، بهجتی، امامی کاشانی، مومن، شیخ محمد یزدی، سید جعفر کریمی، آقای شاهرودی و آملی لاریجانی حضور دارند.

گاهی هم ما آنجا می‌رویم. یکبار خیلی غوغا و سر و صدا شد. بحث پیرامون یک مسئله فقهی پیچیده بود. بعد از اتمام جلسه، آقای

ص: 82

1- . آب، آینه، آفتاب، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ص: 97

شاهرودي به من گفتم، امشب من «العلم نور يقذفه الله في قلب من يشاء»⁽¹⁾ را درك كردم. يعني «آقا» مچ همه را پيچانده بود!⁽²⁾

آيت الله سيد عباس خاتم يزدي: (عضو شوراي استفتاء حضرت امام خميني (ره) و آبه الله العظمي اراكي)

با توجه به اهميت مقام نيابت از صاحب امر، امام الحجه (صلوات الله عليه و علي آباءه الطاهرين) مخصوصاً در اين دوران آميخته با سختي و بلا، و با توجه به شرايط اساسي و مهمي كه شرعاً در رسيدن به اين منصب الهي خطير، معتبر است و با توجه به فراواني تأييدات شرعي موجود براي مرجعيت و تقليد در شخص زعيم امت، رهبر انقلاب اسلامي، علامه مجاهد، فقيه خبره و صاحب نظر، آيت الله سيد علي حسيني خامنه اي (كه خداوند بركات پي در پي ايشان را دوام بخشيد) مي بينيم كه تقليد از معظم له، بلاشكال و مجزي و باعث بريء الذمه شدن است.⁽³⁾

آيت الله شيخ هادي روحاني:

اگر بنا باشد ما به دنبال اعلم باشيم و مرجعيت را با تمام جوانب، هم فقاهت و هم سياست و هم اجتماع و هم مديريت بخواهيم در نظر بگيريم؛ آن گونه كه حضرت امام فرمود: «مرجع بايد كسي باشد كه به مكان و زمان مسلط باشد.» حضرت آيت الله خامنه اي مد ظله العالي

ص: 83

1- . علم، نوری است که خدا در قلب هر که بخواهد می گذارد (مصباح الشریعه، ص 16)

2- . همان

3- . مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، ص 81

جامع است. دیگری را ما نمی‌یابیم که به این جامعیت باشد و حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی قدرت مدیریت خودش را بر همه مسلمین ثابت کرده و نشان داده است. (1)

آیت الله محمد یزدی:

آیت الله خامنه‌ای، فقیهی والا مقام و مجتهدی عالی رتبه هستند که بر علوم مؤثر در استنباط، تسلطی در حد بسیار بالا دارند.

ایشان علاوه بر لغت، ادبیات، اصول، حدیث و تفسیر، در رجال و درایه که در استحکام فتوا نقشی به سزا دارد، استاد هستند و در استنباط و ردّ فروع بر اصول و فتوا، مبانی محکمی دارند و در مسائل مستحدثه مورد نیاز جامعه اسلامی با اطلاعات وسیع و نظرات دقیق، فتاوی‌های جالبی صادر کرده‌اند.

همین مزایا و دیگر فضائل علمی و اخلاقی ایشان، ملاک انتخاب فقهای محترم و مجتهد شناسان اعضای محترم مجلس خبرگان بوده است. (2)

آیت الله مومن (نماینده مجلس خبرگان رهبری):

هنگام رأی‌گیری در مجلس خبرگان برای رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دامه برکاته) اجتهاد معظم له با قیام بینه شرعی نزد این جانب ثابت بود ولی بعداً به واسطه حضور در جلسات مباحثه فقهی

ص: 84

1- . مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، دفتر تبلیغات اسلامی، ص 99

2- . علی شیرازی، پرتوی از خورشید، ص 21 و همچنین (مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، دفتر تبلیغات اسلامی، ص 98)

شخصاً به اجتهاد ایشان پی بردم و اکنون شهادت می‌دهم که معظم له مجتهدی عادل و جامع شرایط می‌باشد. (1)

آیت الله حاج سید جعفر کریمی: (عضو جامعه مدرسین، شورای استفتاء حضرت امام خمینی (ره) و آیه الله العظمی اراکی)

بدین وسیله اعلام می‌دارد با توجه به شرایط اهلیت نیابت از وجود مقدس حضرت بقیه الله (ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) امور فقهی و دینی و اجتماعی و سیاسی امت اسلامی در زمان غیبت صاحب الامر (سلام الله علیه و علی آبائه المعصومین)، اینجانب تقلید فقیه الامه الاسلامیه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت مستطاب آیه الله خامنه ای (دامت برکاته) را بی اشکال و بلا مانع و مجزی و مبرئ ذمه می‌دانم. (2)

آیت الله قدیری (ره):

به کوری چشم کسانی که راضی به تقدیر الهی نیستند امروز بزرگترین مرجع شیعه ایشان هستند. و امیدواریم خداوند روز به روز بر عزت ایشان که عزت اسلام و تشیع است بیفزاید مرجعیت شانیه ایشان هم با حجت شرعیه اثبات شده است. (3)

آیت الله امامی کاشانی:

رهبر معظم انقلاب از نظر درک فقهی و اهتمام به احادیث در سطح بالایی قرار دارند و با برخورداری از ذوق سرشار در رجال و اهتمام به سند احادیث حقیقتاً در مقام فتوا یک مفتی به تمام معنا مقتدر و در

ص: 85

1- . مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، دفتر تبلیغات اسلامی، ص 74

2- . مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، ص 77

3- . روزنامه جمهوری اسلامی، 01/09/1376

آیت الله امینی:

حضرت آیت الله خامنه ای دامت برکاته در فقاہت و اجتهاد، به مرتبه ای است که برای تصدی مقام ولایت و رهبری، صلاحیت کامل دارد. (2)

آیت الله موسوی همدانی (ره):

فقاہت و اجتهاد معظم له با تصریح امام راحل (ره) به لیاقت و شایستگی ایشان برای مقام ولایت امر و انتخاب حضرات خبرگان پس از رحلت حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه)، و شهادت و گواهی جامعه محترم مدرسین حوزه علمیه و جامعه روحانیت مبارز تهران ایدهم الله، خصائص و امتیازات و مرجحاتی که در وجود آن شخصیت بزرگ متبلور است، امری است مسلم. (3)

آیت الله غروی:

حضرت آیت الله آقای حاج سید علی خامنه ای رهبر معظم انقلاب (دام ظلّه) یگانه تحفه و ذخیره جامعه روحانیت در این زمان می باشند و اینجانب با کمال افتخار به مرجعیت دینی ایشان در تمشیت امور مسلمانان جهان معتقد هستم. «ذریة بعضها من بعض». (4)

ص: 86

1- . روزنامه جمهوری، 01/09/1376

2- . درر الفوائد في اجوبه القائد، ص 19

3- . مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، دفتر تبلیغات اسلامی، ص 98

4- . مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، دفتر تبلیغات اسلامی، ص 103

این بحث را نیز با ذکر جملاتی از حضرت امام راحل آغاز می کنیم؛

«من آفای خامنه ای را بزرگش کردم.» (1)

«ایشان... به حکم قرآن کریم، «اشداء علی الکفار» و «رحماء بینهم» بوده اند.» (2)

«خداوند متعال بر ما منت نهاد که افکار عمومی را برای انتخاب رئیس جمهوری متعهد و مبارز در خط مستقیم اسلام و عالم به دین و سیاست هدایت فرمود.» (3)

«در بین دوستان و متعهدان به اسلام و مبانی اسلامی از جمله افراد نادری هستید که چون خورشید روشنی می دهید.» (4)

«من به شما خامنه ای عزیز تبریک می گویم که در جبهه های نبرد، با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به ملت مظلوم خدمت نموده و از خداوند تعالی، سلامت شما را برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم.» (5)

«اینان [منافقین] آنقدر از بیش سیاسی بی نصیب اند که بی درنگ پس از سخنان شما در مجلس و جمعه و پیشگاه ملت، به این جنایت دست زدند و به کسی سوء قصد کردند که آوای دعوت او به صلاح و سداد، در گوش

ص: 87

1- . صحیفه نور، ج 15، ص 139

2- . صحیفه نور ج 15 ص 41

3- . صحیفه نور ج 5، ص 179

4- . صحیفه نور، ج 20، ص 173

5- . صحیفه نور ج 15 ص 41

آیت الله شهید دستغیب(ره) درباره حضرت آیت الله خامنه ای می فرماید:

«چیزی که بنده نسبت به این شخص بزرگ فهمیده ام این است که فردی است خدایی، هوی پرست نیست، مقام نمی خواهد، قدرت نمی خواهد بدست بگیرد، امتحان خودش را پیش از پیروزی و بعد از پیروزی داده است، در هر پستی که بوده امتحان خودش را داده است، کسی که امام جمعه تهران باشد، آن وقت در جبهه ها برود، در سنگرها از اسلام دفاع کند. این مرد بزرگ مقامی برای خودش قائل نیست، به عین مثل رهبر عظیم الشأن. امام فرموده به من خدمتگزار بگوئید بهتر است از اینکه رهبر بگوئید. آقای خامنه ای هم این جوری است، مقام نمی خواهد، مقام بر روی او اثر نمی گذارد.»(2)

آیت الله بهاءالدینی (رحمه الله علیه) درباره رهبر معظم انقلاب جملات بسیاری دارند که در کتب مختلف منتشر شده است؛ جملات زیر گزیده ای از این بیانات است:

«ایشان شخص بزرگوار است... از همان زمان رهبری را در آقای خامنه ای می دیدم، چرا که ایشان ذخیره الهی بعد از امام بوده است.

بعد از امام خمینی اگر بشود به کسی اعتماد کرد به این سید است.. البته هیچ کس حاج آقا روح الله نمی شود، ولی آقاسیدعلی خامنه ای حقیقت ولایت فقیه هستند.»(3)

ص: 88

1- . صحیفه نور ج 15 ص 41

2- . کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزت و اقتدار، ج 4، ص 299، نشر معاونت تربیت و آموزش بسیج، به نقل از سید علی اصغر دستغیب

3- . کتاب آیت بصیرت، ص 131

«کسی که ما دلخوش به او هستیم آقای خامنه ای است.»⁽¹⁾

«آقای خامنه ای از همه به امام نزدیکتر است. کسی که ما به او امیدوار هستیم آقای خامنه ای است. شما از ما قبول نمی کنید و تعجب می کنید ولی این دید ماست نزد ما محرز است سیدعلی خامنه ای.»⁽²⁾

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره):

هنگامی که دفتر آیت الله فاضل لنکرانی رحمه الله قصد برپایی نمایشگاهی از آثار ایشان را در یکی از کشورهای عربی داشتند فرمودند: رساله های توضیح المسائل اینجانب را نبرید. وقتی مسئولین دفتر اصرار کردند که خارج از کشور هم شما مقلدینی دارید و رساله توضیح المسائل شما لازم است فرمودند: آیت الله خامنه ای به احترام مراجع داخلی از دادن رساله خود در داخل کشور خودداری کردند ما هم به احترام ایشان در خارج از کشور رساله نمی دهیم.⁽³⁾

علامه حسن زاده آملی:

رهبر عظیم الشان تان را دوست بدارید. عالمی، عادل، رهبری، مؤمنی، موحدی، سیاسی، دلدار، رهبری، انسان ربانی، پاک، منزه، که دنیا شکارش نکرده من جای [سراغ] ندارم که عرض کنم.

... قدر این نعمت عظمی را که خدا به شما عطا فرمود، قدر این رهبر ولی و همان عبارات که سرور عزیزم جناب استاد حدادعادل، ارائه دادند؛

ص: 89

-
- 1- . خاطرات سبز، ص 73 به نقل از حجت الاسلام حسین حیدری کاشانی
 - 2- . مجله پاسدار اسلام شماره 186، مقاله امام خمینی (ره)، از چشم بصیرت.
 - 3- . کتاب امام حاضر مدیر ناظر، ص 126 به نقل از روزنامه کیهان، خرداد 1386، ایام رحلت آیت الله فاضل لنکرانی.

رهبري، ولي، الهي.

الآن اين انسجام ما، تکليف شرعي ماست. مبدا عزيزان! آقاين مبدا! (اين «مبدا» را توجه داشته باشيد) مبدا آقاين! اول انقلاب يادتان هست چند فرقه برخاستند که مي خواستند کشور را تجزيه کنند؟ حواستان جمع باشد، مبدا اين وحدت ما را! مبدا اين جمعيت ما را! مبدا اين کشور علوي را! مبدا اين نعمت ولايت را! از دست شما بگيرند.

خدايا به حق پيغمبر و آل پيغمبر سايه اين بزرگ مرد، اين رهبر اصيل اسلامي، حضرت آيت الله معظم خامنه اي عزيز را مستدام بدار. و الهي آمين، الهي آمين، الهي آمين. بعدد کلماتک آمين. (1)

همچنين حضرت علامه حسن زاده آملی در پي سفر رهبر معظم انقلاب به شهرستان آمل در سال 1377 کتاب «انسان و عرفان» خود را به ايشان تقديم کرده اند، اين متن ادبي و محبت آميز به اين شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الم تلك آيات الكتاب الحكيم هدي و رحمه للمحسنين

با سلام و دعاي خالصانه، و ارائه ارادات بي پيرايه جاودانه به حضور باهرالنور رهبرعظيم الشان کشور بزرگ جمهوري اسلامي ايران حضرت آيت الله معظم، جناب خامنه اي کبير - متع الله الاسلام و المسلمین بطول بقائه الشريف - ، اين اثر نمونه دوران را اعني، رساله انسان در عرف عرفان را به

ص: 90

پاس تجلیل و تکریم و ابراز شادمانگی از نزول اجلال آن یگانه دوران در دارالاسلام و الایمان شهر هزار سنگر آمل مازندران، از جانب خودم و از جانب همه شهروندان بزرگوار این بلدطیب و خطه شهرستان آمل بلکه از جانب همه فرزندگان گرامی و گرانقدر استان مازندران، به پیشگاه مبارک آن ولی به حق که مصداق بارز رساله است با کمال ابتهاج و انبساط تقدیم می دارم، و عزت و شوکت روز افزون آن قائد اسوه زمان را همواره از حقیقه الحقائق خداوند سبحان مسئلت دارم.

یارب دعای خسته دلان مستجاب کن.

حسن حسن زاده آملی

20/3/1377

آیت الله جوادی آملی:

یک روز مهمان مقام معظم رهبری بودم. فرزند ایشان آقا مصطفی نیز نشسته بود که سفره گسترده شد، آیت الله خامنه ای به وی نگاهی کرد و فرمود: شما به منزل بروید. من خدمت ایشان عرض کردم: اجازه بفرمایید آقا زاده هم باشند، من از وی درخواست کرده ام که باهم باشیم. آقا فرمودند:

این غذا از بیت المال است، شما هم مهمان بیت المال هستید. برای بچه ها جایز نیست که بر سر این سفره بنشینند. ایشان به منزل بروند و از غذای خانه میل کنند.

من در آن لحظه فهمیدم که خداوند چرا این همه عزت به حضرت آقا عطا فرموده است. (1)

ص: 91

در زمان غیبت امام معصوم، رهبری حکومت بر عهده شبیه ترین افراد از نظر علم، تقوی و مدیریت به معصوم است، ... مقام معظم رهبری نمونه و سایه ای از شخصیت ائمه (ع) در همه ابعاد است. (1)

بنده صادقانه عرض میکنم. اگر امثال بنده شبانه روز تسبیح دست بگیریم و فقط خدا را شکر کنیم که خدا چنین رهبری به ما داده والله معتقدم که از عهده شکر این نعمت بر نمی آیم. نمی توانیم درک کنیم که خدا چه نعمت بزرگی به ما داده است. که این خصوصیت ها را در یک شخص جمع کرده است. امروز پرچم دار حمایت از دین، رواج اسلام و تشیع، تقوا و بصیرت، اراده ی الهی تعلق گرفته که این شخصیت عظیم باشد. از عمق دلمان دعا می کنیم که خدای متعال بر طول عمر و عزت و تأییدات ایشان بیافزاید... واقعا رهبر عزیز ما تالی تلو معصوم است... از هر زمانی هم اگر اشاره ای فرمودند ما به همان سمت حرکت می کنیم. گفتند به پیش، حرکت می کنیم، گفتند ایست، می ایستیم. معنای ولایت فقیه همین است و آلا فتوا مربوط به مراجع علماست. همیشه بوده و هست. ولایت این است که حاکمیت داشته باشد. به پیش، واجب است حرکت کنیم. این جا جایی نیست که دیگر بنشینیم و تأمل کنیم و بحث کنیم با آقا که حالا شما درست فهمیدید

ص: 92

1- . سخنرانی در دیدار با جمعی از فرهنگیان مشهد مقدس روز چهارشنبه، 09/10/88 به نقل از کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزت و اقتدار، ج 4، ص 303

یا نه. فرمانده است، مثل جبهه. وقتی فرمانده ی لشکر می گوید به پیش، باید رفت. (1)

حجت الاسلام والمسلمین کاظم صدیقی:

همه حرکات و اعمال رهبر معظم انقلاب در مسیر حسینی و الهی است و باید قدردان این آفتاب عالمتاب در جامعه باشیم. اگر شبانه روز شکر نعمت بهره مندی از این وجود عزیز را به درگاه الهی داشته باشیم، نتوانسته ایم حق مطلب را آن گونه که باید و شاید ادا کنیم و خدارا شاهد می گیریم که ایشان ذره ای هوای نفس در وجود خود ندارد که این برکت است...

همه رهبران دنیا اسیر قدرت و ثروت هستند و رؤسای جمهور بسیاری از کشورها به این بلایا مبتلا هستند... اما ویژگی انقلاب ما که الهام گرفته از عاشورا است این است که رهبران ما اسیر این دو نیستند، امام خمینی(ره) که رهبر مستضعفان و آزادگان عالم بودند در حسینیه جماران زندگی کردند و حاضر به تغییر آن نشدند و هیچ مال و زرق و برق دنیا را نخواستند و رهبری معظم و کنونی انقلاب نیز همین رویه را در پیش دارند و شما ذره ای هوای نفس در ایشان پیدا نمی کنید زیرا آنان با خدا معامله کرده اند...

یکی از مناطق ممنوعه برای رهبری جامعه اسلامی این است که

ص: 93

1- . سخنرانی در جشن بزرگ عمامه گذاری طلاب مدرسه معصومیه قم، چهارشنبه، 18 آذر 1388 به نقل از کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزّت و اقتدار، ج 4، ص 303

عطش قدرت و ثروت نداشته باشد و بتواند نفس خود را تحت کنترل داشته باشد و شما هیچ گاه سراغ ندارید که رهبري معظم ما راضي به پذيرش مسووليتي بوده باشند. در قضيه رياست جمهوري و حتي رهبري ايشان که خبرگان ملت تکليف کردند، ايشان نپذيرفتند و فرمودند آمادگي ندارم و يك روز داوطلب هيچ پست و مقامي نبودند. در دو بحث مهم قائله 18 تير و فتنه اخير همديد چگونه حسيني عمل کردند و در هر دو خطاب به امام زمان(عج) فرمودند؛ که من جان ناقابل خود را کف دست گرفته ام و باکي هم نداشتم، اين حرکت حسيني و تبليغ عملي قيام عاشورا است...

دشمنان بدانند که رهبر ما رهبر همه دل ها و همه مردم است و ولايت تنها چيزي است که مي تواند محور وحدت قرار گيرد و همين الان هم پر رحمت ولايت همه را در برگرفته است. يقين داشته باشيد هيچگاه سلطنت نمي تواند جاي ولايت را بگيرد و اين که عده اي قليل بخواهند ايجاد فتنه کنند و بين ملت فاصله بياندازند، عملي نيست و موفق نخواهند شد (1)

خبرگان رهبري انسان هاي اصيلي هستند که با تصميم انقلابيانشان در زمان رحلت حضرت امام خميني(ره)، دشمنان نظام اسلامي را مایوس کردند...

ص: 94

1- . سخنرانی مراسم چهلمین روز درگذشت عالم ربانی آیت الله نجومی(ره) در مسجد بروجردی کرمانشاه، به نقل از کتاب ولايت فقيه؛ کانون عزت و اقتدار، ج 4، ص 303

با عنایت خدا بود که بعضی از خبرگان در هنگام رای دادن به مقام معظم رهبری حالتی را احساس کردند که موجب انتخاب معظم له برای رهبری نظام گردید در حالی که خود ایشان هیچ تمایل و دلی به ریاست نداشت. چشم تیزبین خبرگان، علمای موفق و ره یافته ما بود که در آن روز با کشف گنجی از میان علمای اسلام به حکیمی عادل، با کفایت و انقلابی رای دادند و با این تصمیم اسلامی، انقلابی و تاریخی خود دشمنان را که در آن روز کمر همت برای سرنگونی نظام بسته بودند، مایوس کردند...

دشمن در این توفان ها قصد داشت که به خیمه نظام یعنی ولایت فقیه لطمه وارد کند که با هوشیاری و تیزبینی مقام معظم رهبری و ملت شریف ایران این قصد شوم به نتیجه نرسید...

خبرگان رهبری مکرر و مکرر و برای بار آخر اعلام و تاکید کردند که ولایت فقیه رکن رکن نظام ماست و این لباس به قامت رسای آیت الله خامنه ای برازنده و دوخته شده است. (1)

حجت الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی(ره):

بر خود واجب می دانم که شهادت دهم زندگی داخلی آیت الله خامنه ای نه از باب این که رهبر عزیز انقلاب ما به این حرف ها نیاز داشته باشند، بلکه وظیفه خود می دانم تا این مهم را به مردم مسلمان و انقلابی ایران بگویم. من از داخل منزل ایشان مطلع هستم. مقام معظم رهبری در

ص: 95

خانه، بیش از یک نوع غذا بر سفره ندارند. خانواده‌ی معظم له روی موکت زندگی می‌کنند. روزی به منزل ایشان رفتم، یک فرش مندرس آن جا بود. من از زیری آن فرش به موکت پناه بردم. (1)

سردار سرتیپ پاسدار شهید شوشتری:

مقداری زیلو در خانه مقام معظم رهبری بود. آن‌ها را جمع کردیم و فروختیم و یک مقدار هم پول از مال شخصی خودم روی آن‌ها گذاشتم. تا به جای آن زیلوها، برای منزل آقا فرشی تهیه کنیم. وقتی زیلوها را عوض کردیم و فرش‌ها را پهن نمودیم، آقا تشریف آوردند و فرمودند: این‌ها دیگر چیست؟ گفتم: زیلوها را عوض کردیم. فرمودند: اشتباه کردید که عوض نمودید. بروید همان زیلوها را بیاورید. اصرار را بی‌فایده دیدم و با هزار مکافات رفتم و زیلوها را پیدا کردم و توی خانه انداختم. زیلوهایی که واقعاً به آن‌ها نگاه می‌کردی، می‌دیدي که نخشان در آمده و ساییده شده‌اند. (2)

سردار سرلشکر سیدرحیم صفوی:

روزی که در منزل مقام رهبری، در خدمت ایشان بودم، بحث قدری به طول انجامید و نزدیک مغرب شد. پس از نماز، معظم له با مهربانی به من فرمودند: آقا رحیم! شام را مهمان ما باشید. بنده در عین حال که این را توفیقی می‌دانستم، خدمتشان عرض کردم: اسباب زحمت می‌شود. مقام معظم رهبری فرمودند: نه، بمانید؛ هرچه هست با هم

ص: 96

1- . کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزّت و اقتدار، ج 4، ص 304

2- . کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزّت و اقتدار، ج 4، ص 305

مي خوريم. وقتي كه سفره را گشودند و شام را آوردند، ديدم شام چيزي جز املت ساده نيست. (1)

3. درايت، تدبير و کارآمدی

آيت الله العظمي فاضل لنكراني (ره):

بنده بعنوان كسي كه هم عضو مجلس خبرگان هستم و هم اينكه آشنائي با آيت الله خامنه اي دارم عرض مي كنم ... كسي كه در جهان سياست استادي چون امام امت داشته است و خودش نيز داراي استعداد سرشار است چنين فردي داراي مقامات بلند از درك سياسي است. دوران هشت ساله رياست جمهوري ايشان يك شاهد قوي بر اين مطلب است. سفرهائي كه ايشان به كشورهاي خارج داشته اند به عنوان يك سياستمدار در صحنه هاي سياسي جهان درخشیده است. (2)

آيت الله العظمي اراكي (ره):

ملت ايران قدر اين نعمت الهي [مقام معظم رهبري] را مي دانند و اکنون از وارث امام خميني تبعیت مي کنند. انتصاب شايسته حضرت تعالي به مقام رهبري، مایه دلگرمي است. (3)

آيت الله العظمي نوري همداني:

در حكومت اسلامي هسته مركزي ولايت فقيه است و ولايت و مرجعیت موضوع بسیار مهمي است كه در اين میان ولايت شرایط بسیار سخت و

ص: 97

1- . كتاب ولايت فقيه؛ كانون عزت و اقتدار، ج 4 ، ص 305

2- . كتاب ولايت فقيه؛ كانون عزت و اقتدار، ج 4 ، ص 305

3- . مرجعیت از دیدگاه فقها و بزرگان، دفتر تبلیغات اسلامي؛ نیز: روزنامه جمهوري اسلامي 22/3/68

سنگین تري نسبت به مرجعیت دارد و آن مدیریت، شجاعت بصیرت و آگاهی به اوضاع جهان و مسلمانان، وقت شناسی و دیگر صفاتی است که مقام معظم رهبری همه آنها را در حد اعلا دارد هستند. (1)

بعد از امام دشمنان چنگ و دندان تیز کرده بودند و در راس همه استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا می خواستند انقلاب را تضعیف کنند و با جنگ های سخت و نرم آن را براندازند، اما کسی که توانست 20 سال با قدرت این انقلاب را نگه دارد، آیت الله خامنه ای بود. (2)

رهبر کسی است که دارای ویژگی هایی چون اسلام شناسی، عدالت، مدیریت و تدبیر، مهربانی و شجاعت باشد که تمام این صفات در آیت الله خامنه ای وجود دارد.

کسانی که فکر کرده اند با این حرکت ها می توانند ریشه ولایت فقیه را سست کنند سخت در اشتباهند؛ امروز که بیش از 20 سال از ارتحال امام خمینی (ره) می گذرد آیت الله خامنه ای توانسته اند این نظام را به خوبی اداره کنند و باعث شده اند این نظام رشد و پیشرفت بسیاری داشته باشد. (3)

ص: 98

1- . به نقل از روزنامه همشهری، 05/09/1376

2- . سخنرانی در دیدار جمعی از کارکنان و فرماندهان نیروی انتظامی به نقل از کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزّت و اقتدار، ج 4، ص 306

3- . سخنرانی در اجتماع عظیم مردم قم (در جمع معترضین به هتک حرمت مقدسات) به نقل از کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزّت و اقتدار، ج 4، ص 306

تردیدي نیست که همان طور که امام خميني (رحمه الله) جریان ولایت و امامت را در عصر غیبت به بهترین وجهی در کسوت ولایت فقیه نمایاند، مقام معظم رهبري حضرت آیه الله خامنه اي (مد ظله العالی) نیز در زمان غیبت امام راحل (رضوان الله علیه)، جلوه ها و شئونات زنده و کارآمد نظام ولایت فقیه را به زیبایی ارائه کرده اند؛ به گونه اي که این حرکت، خود بهترین شیوه در نمایاندن جریان ولایت فقیه است. (1)

از حضرت ولي عصر (علیه السلام) برای مقام معظم رهبري حضرت آیت الله خامنه اي (دام ظلّه العالی) که ساختار حکومت مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی را با رهبري حکیمانه و خردمندانه خود، مستقیم و استوار داشته اند عنایت ویژه را طلب نماییم. (2)

علامه محمد حسین حسینی طهرانی:

بعد از رحلت آیه الله خمینی که عنوان رهبري را به جناب آقای حاج سید علی خامنه اي سپرده اند؛ در اینجا هم بایستی ما وظیفه خودمان را بدانیم... از نقطه نظر اینکه عنوان بیعت با ایشان هم بر اساس رهبري بعد از آیه الله خمینی بوده است؛ اطاعت از ایشان هم در امور اجتماعی و سیاسی که لازمه رهبري است واجب می باشد؛ و ایشان هم بحمدالله فردی است مجاهد و عامل و مدبّر و متدین و بنده گرچه تا بحال ایشان را ملاقات نکرده ام؛ ولی يك روز که مرحوم شهید مطهری آمده بودند

ص: 99

1- . ولایت فقیه (ولایت و فقاها و عدالت صفحه: 21)

2- . آیت الله جوادی آملی، فطرت در قرآن، تفسیر موضوعی، ج 12، ص 18)

به منزل ما، از ایشان سؤال کردم: چه افرادی در شوراي انقلاب شرکت دارند؟ ایشان چند نفر را اسم بردند که یکی از آنها آقای خامنه اي بودند که در آن هنگام چندان هم بين مردم معروف نبودند بعد هم از ایشان پرسیدم: آقای خامنه اي چطور آدمي است؟ گفتند آدم خوب و وزين و عاقل و مدبّر و آدم مجاهدي است و خلاصه آقای مطهري از ایشان تعريف کرد. و در اين هفت هشت ساله که زمام امور بدست ایشان بوده است آنچه به گوش ما خورده خدمات خوبي بوده است چه از نظر خطبه هايي که در نماز جمعه ايراد کرده اند؛ و چه مسافرتهايي که به براي اعلاء اسلام و مسلمين انجام داده اند خلاصه من حيث المجموع يك آدم جا افتاده و عاقل و دلسوزيست براي دين؛ و در اين کوران انقلاب امتحانات زيادي داده اند که نتايج خوبي داشته است؛ و شايد هم بر همين اساس نمايندگان خبرگان ایشان را انتخاب کرده اند. (1)

آيت الله مصباح يزدي:

من درباره ويژگي هايي که خداوند متعال به ایشان فرموده اند نمي توانم صحبت کنم، ولي در چند جمله کوتاه فقاهت توام با تقوا، تيزهوشي با سعه صدر، مديريت توام با تعبد، احتياط توام با شجاعت و شهامت، روح عبادت، اخلاق و اعتماد به نفس توام با توسل به حضرت

ص: 100

1- . حضرت آية الله سيّد محمّد حسين حسيني طهراني (علامه طهراني)، کتاب وظيفه فرد مسلمان در احياي حکومت اسلام، درس ششم : عدم جواز تقليد بر مجتهد و لزوم اجرائي حکم حاکم شرع مطاع در تمام زمينه هاي اجتماع عالم اسلام

ولايت فقيه عامل پيروزي انقلاب اسلامي، ملاک مشروعيت نظام اسلامي و مایه تداوم و بقاء آن است...

هر عاقل منصفی می پذیرد که در طول سه دهه ی گذشته امام راحل (ره) و حضرت آیت الله خامنه ای چه در امور داخلی و چه در مسایل خارجی، از هر جهت بهترین نوع مدیریت را داشته اند و بارها این نظام را از بحران نجات داده اند (2).

اگر قاطعیت و صلابت رهبری نبود، خیلی از سیاست مداران ما دست تسلیم در برابر امریکا بالا برده بودند. آن چه باعث شد ایران بین افغانستان و عراق به عنوان یک قدرت مستقل باقی بماند، صلابت رهبری و کسانی است که هم سو با رهبری بودند. وی در ادامه افزود: چیزی که به ما عزت بخشیده، اسلام است، به همین دلیل باید اسلام را تقویت کنیم. (3)

بعد از رحلت حضرت اما خمینی (رحمة الله علیه) مستکبران جهانی برای لغو حکم اعدام سلمان رشدي که توسط بینانگذار جمهوری اسلامی ایران صادر شده بود فعالیت گسترده ای را علیه ایران آغاز کردند و برخی از کشورها، سفیران خود را از ایران فرا خواندند.

ص: 101

1- . کیهان، ش 19390، 1388/3/30

2- . در دیدار با جمعی از مسؤولین و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامي، به نقل از پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی

3- . به نقل از پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی

در پاسخ به این حرکت های قلدرانه، مقام معظم رهبری نه تنها تسلیم فشارها نشدند؛ بلکه با قاطعیت فرمودند: سفیران فرا خواند شده راهی جز بازگشت ندارند!

گرچه در آن روز این قاطعیت برای عده ای غیر قابل هضم بود؛ اما مرور زمان، آینده نگری و حسن تدبیر را روشن کرد و جهان بر تصمیم قاطع و پیش بینی آیت الله خامنه ای آفرین گفت.

با گذشت زمان، همه سفیران به کشورمان بازگشتند و نه تنها حکم اعدام سلمان رشیدی لغو نگردید، بلکه عزّتی دیگر به عزت های ملت مسلمان ایران افزوده شد. (1)

باید چشم و گوش ما همیشه متوجه سخنان مقام معظم رهبری باشد، زیرا خداوند نور و بصیرتی به ایشان عنایت کرده که به دیگران نداده لذا کفران نعمت است که بعد از تجربه 40 ساله ایشان در مبارزات سیاسی و رهبری، به خود اجازه دهیم در حسن تدبیر ایشان تردید کنیم. (2)

آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی:

پس از گذشت چند سال و تجربه ای که این مرد بزرگوار یعنی حضرت الله خامنه ای مدظله العالی از خود نشان داد و عملکردی را که در انجام

ص: 102

1- . علی شیرازی، پرتوی از خورشید ص 181

2- . سخنرانی در دیدار جمعی از نیروهای وزارت دفاع، به نقل از کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزّت و اقتدار، ج 4، ص 310

این وظیفه سنگین ارائه داده اند دیگر جای هیچ سؤال و استفساری برای دشمنان تا چه رسد به دوستان نیست از هر جهت ایشان ثابت کردند که شایسته ترین فرد و صالح ترین رهبر برای این جامعه هستند . خصلتهائی در رهبری شرط است ، رهبری يك جامعه مخصوصاً در دنیای امروز که کل دنیا در مقابل انقلاب بسیج شده و بلکه حتی جهان اسلام را هم در مقابل جمهوری اسلامی تحریک کرده اند ، شروط بسیار دقیق و ویژه ای را لازم دارد که بحمدالله بخوبی در ایشان جمع ، است از نظر درک و فهم امور اجتماعی و فهم فرهنگ دنیا و از آن طرف فهم روح اسلام و فهم درست و صحیح آرمانها و اهداف اصلی اسلام و مدیریت در این بخش و سابقه خدمت در این هدف بزرگ که برپائی يك نظام اسلامیست و سالها زحمت کشیدن و فکر کردن و طرح دادن و مبارزه کردن ، اینها خیلی دخیل است در این که يك شخصی دارای چه بینشی شود ... اینها شرایطی است که در کسان دیگر به این درجه از کمال دیده نمی شود. (1)

آیت الله علوی گرگانی:

حدود ده سال است که حضرت آیت الله خامنه ای با حسن تدبیر و درایت این مملکت را اداره کرده است... (2)

آیت الله خزعلی:

انتخاب آیت الله خامنه ای به رهبری جمهوری اسلامی، که فردی پخته و

ص: 103

1- . درس خارج فقه، انتشارات روابط عمومی موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، 28/08/1376

2- . روزنامه کیهان، 08/09/1376

عالم و با سیاست و مدبر می باشد، در خارج دشمنان را در سکوت و ابهام فرو برد و در داخل، آرامش فراهم ساخت. (1)

آیت الله امامی کاشانی:

آیت الله خامنه ای به تمام رموز سیاست و حکومت آگاه بوده و شخصی با ورع، با تقوا، محبوب، مخلص، عالم و دارای بنیه فقهی هستند. (2)

آیت الله واعظ زاده خراسانی:

ولایت فقیه ادامه حکومت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصوم (علیهم السلام) است که در عصر حاضر بر عهده ولی عالم، شجاع، مدیر و مدبر می باشد و این ویژگی ها در مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله خامنه ای به کمال وجود دارد. (3)

آیت الله مهدوی کنی:

این الهامی بود از الهامات الهی و هدایتی بود از هدایت معنوی روح حضرت امام (رضوان الله علیه) که هنوز این ملت را رها نکرده و این رحمتی بود از طرف خداوند که در کوران این مصیبت جانکاه، با تعیین آیت الله خامنه ای که از یاران صدیق امام و از یاران خوشنام و خوش سابقه بوده و مجتهد و عادل است، به عنوان رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، آرامشی توأم با اعتماد و اطمینان بر کشور و امت فداکار

ص: 104

1- . روزنامه رسالت، 23/3/68

2- . نسل کوثر، ص 88، پژوهشکده تحقیقات اسلامی ولی فقیه در سپاه،

3- . نشریه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گزیده ها، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سال هفتم، شماره 9، 22/09/1376

آیت الله مجتهد شبستری (امام جمعه تبریز):

تمام امتیازات امام خمینی (ره) در حضرت آیت الله خامنه ای مقام معظم رهبری مشهود است...

خوشبختانه پس از ارتحال امام راحل به لطف الهی شخصیتی برای رهبری انتخاب شد که صلابت امام، دشمن شناسی، مدیریت و تمام امتیازات امام خمینی (ره) در ایشان مشهود است و قاطعیت و تدبیر مقام معظم رهبری در حوادث و بحران های اخیر کشور نمونه ای از امتیازات شخصیتی ایشان بود. (2)

سردار باقرزاده (رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس):

در یکی از سفرهای مقام معظم رهبری به استان مازندران، آقا وارد منطقه محرومی به نام ارس مالخوست شدند. معظم له وقتی برای بازدید به مدرسه ای وارد می شوند، مشاهده می کنند که تمام میز و صندلی ها نو است آقا احتمال می دهند این کارها تشریفاتی است و برای ورود معظم له این کارها انجام گرفته است. مقام معظم رهبری با تیزبینی و ذکاوتی که دارند از بچه ها سؤال کردند که به من بگوئید این میز و صندلی ها را چه زمانی برای شما آورده اند. یکی از بچه های کلاس جواب داد: آقا همین دیروز این ها را آورده اند. آقا نگاه عتاب آلودی به آن

ص: 105

1- . روزنامه رسالت، 23/3/68

2- . آیت الله مجتهد شبستری، به نقل از کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزّت و اقتدار، ج 4، ص 312

مسئول انداختند و فرمودند: ضرورت ندارد به خاطر مسئولی‌نی که خودشان نسبت به مشکلات واقفند، بخواهید صحنه سازی کنید. (1)

سردار سرتیپ پاسدار علی فضلی:

در بحران جنگ خلیج فارس مقام معظم رهبری ابلاغ فرمودند: واحدهای نظامی در منطقه جنوب و غرب گسترش پیدا کنند.

ما جزء واحدهایی بودیم که در منطقه جنوب، حوالی پادگان حمید، اردو زده بودیم. این حرکت در پی همان فرمان بود، فرمانی که در آن آورده بودند، عبارت بود از این که:

به هیچ وجه، نباید پذیرفت که کسی حتی به اندازه یک وجب به خاک ما تجاوز کند.

این دستور قاطع فرماندهی کل قوا، همه ما را مصمم کرده بود که کوچک ترین رخنه و نفوذ را نپذیریم. ما هر چه در توان داشتیم، به میدان آوردیم و آماده مقابله احتمالی با دشمن شدیم.

آمریکایی ها تصمیم داشتند با تصویب مصوبه ای در کنگره خود، از خاک جمهوری اسلامی ایران برای حمله به عراق استفاده کنند.

تدبیر فرمانده معظم کل قوا و در پی آن، حضور گسترده نیروها در مناطق غرب و جنوب، آمریکایی ها را از تصمیمشان باز داشت. (2)

ص: 106

1- . سردار باقرزاده، به نقل از کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزّت و اقتدار، ج 4، ص 315

2- . آب، آینه، آفتاب، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ص 91

آیت الله سید هاشم حسینی بوشهری (عضو خبرگان رهبری، امام جمعه قم و رئیس سابق حوزه علمیه قم):

کمیسیون تحقیق این مجلس [خبرگان رهبری] در جمع بندی نهایی خود، مدیریت خردمندان و مدیران رهبر معظم انقلاب را در طول دوران زعامت ایشان بویژه در حوادث پس از انتخابات را تحسین کرد ...

وظیفه اصلی خبرگان ملت پس از تعیین رهبری، نظارت بر باقی ماندن صفات و ویژگیهای ایشان است و این کار بر عهده کمیسیون تحقیق قرار دارد. (1)

آیت الله عبدالنبی نمازی (عضو مجلس خبرگان رهبری):

حسن مدیریت حضرت آیت الله خامنه ای در دوران 20 ساله تصدی ولایت فقیه ملاموس و کاملاً پررنگ است و ایشان در هوشیاری، بیداری و آگاهی دادن جامعه و عبور کشور از بحران های مختلف ایفاگر نقش بی بدیلی بوده اند.

نقش مقام معظم رهبری در عرصه های نظامی، علمی، هسته ای، فناوری و همچنین توسعه فرهنگ اهل بیت کم نظیر و مثال زدنی است. (2)

ص: 107

1- آیت الله حسینی بوشهری، به نقل از: <http://www.irna.ir/fa/news/view/menu-273/8812065083151928.htm>

2- آیت الله نمازی، به نقل از: کتاب ولایت فقیه؛ کانون عزت و اقتدار، ج 4، ص 313

21 سال از آغاز زعامت حضرت آیت الله خامنه ای می گذرد و به جرأت می توان گفت، تقریباً همه آنچه امروز از توانمندی ها و شایستگی های ایشان در ذهن ها نقش بسته است، محصول برداشت طبیعی از کارآمدی الگوی مدیریتی ولایت فقیه، طی حدود دو دهه گذشته است.

روشن است که هدف این مقال، معرفی و تبلیغ «شخص» نیست - که بی نیاز از تعریف است - بلکه هدف اصلی معرفی و تبیین ویژگی های «شاخصه های مدیریت کلان رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)» و در لایه های عمیق تر، تشریح کارآمدی این مدل جدید برای اداره جامعه است؛ مدلی مبتنی بر نظریه «ولایت فقیه».

ابعاد گوناگون توفیقات نظام جمهوری اسلامی در سالهای پس از امام راحل (ره)، می طلبد که از زوایای مختلفی می توان به بررسی عملکرد مدیریتی این دوره پرداخت؛ اما در این مختصر، بر آنیم تا در حدّ توان،

به گوشه هایی از کارآمدی رهبری های داهیانه مقام معظم رهبری در 3 بخش «مدیریت کلان کشور»، «مدیریت راهبردی علم و فناوری» و همچنین «مدیریت بحران» اشاره ای بسیار گذرا داشته باشیم:

1. مدیریت کلان کشور

اشاره

یکی از وظایف رهبری - در هر جامعه ای - مدیریت کلان آن جامعه و سوق دادن جامعه به سمت اهداف بلندمدت آن جامعه است. توجه به این «دید کلان» در مدیریت، همواره مورد نظر رهبر معظم انقلاب بوده است؛ به طوری که همواره دیگر مسئولان را نیز به این مسأله توجه داده اند:

«شما به عنوان مسئولان کشور و نظام موظفید مهندسی کلی کشور را دائماً در نظر داشته باشید. چون بدون یک مهندسی کلان نمی شود جزئیات را ترتیب داد؛ شما باید اول طرح را در نظر داشته باشید، نقشه را بدانید و مهندسی صحیح کرده باشید تا بتوانید این دیوار را این جا بالا ببرید، آن خشت را آن جا بگذارید، آن گودال را آن جا بکنید.»⁽¹⁾

«کارهایی که نظام در سطح کلان با جنبه ی شمولی که بعضی از مسائل دارد، انجام میدهد، بایستی با ملاحظه ی همه ی جوانب باشد؛ یک بُعدی نمیشود به مسائل نگاه کرد. فکر میکنم اگر شما با این ملاحظات نگاه کنید، آنچه که تاکنون انجام گرفته و آنچه در آینده انجام خواهد گرفت، هر ذهن

ص: 109

در این بخش، گوشه‌هایی از تحقق عینی توجه به «مدیریت کلان کشور» توسط رهبر انقلاب را به اختصار در سه بخش ذیل بررسی می‌کنیم:

1-1. آرمان آفرینی و گفتمان سازی

«در نظام اسلامی که از جهان بینی مشخص و مستدلّ و همچنین آرمان های متعالی برخوردار است، توجه دادن به آرمان ها و خَلق مفاهیم نو به نواز میان آن ها می تواند به آفرینش افق های روشن در گیرودار روزمرگی ها بیانجامد. به همین سبب، هنر خلق اندیشه و آرمان متعالی را می توان از اساسی ترین مؤلفه های تمایز رهبری در نظام اسلامی با سایر نظام ها دانست.

اگر جامعه، آرمان متعالی نداشته باشد، در پیچ و خم روزمرگی متوقف خواهد شد و هیچ گاه به قله ی تعالی نخواهد رسید. بنابراین به نظر می رسد مهم ترین ویژگی رهبری در این راستا، زدودن این رخوت از جامعه و حرکت دادن مردم به سوی آرمان ها است.» (2)

از سوی دیگر: یکی از ویژگی های رهبران مقتدر در هر جامعه ای، خلق گفتمان های مسلط اجتماعی است که تعیین کننده ی فضای کلی

ص: 110

1- . بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 4/6/1388

2- . دکتر علی عسکری، «الگوی رهبری فرهنگی»، پایگاه اینترنتی راسکخون:

<http://www.rasekhoon.net/weblog/olgoymasraf88/40249.aspx>

تعامل های فرهنگی و اجتماعی هستند. در حقیقت، هر کس بتواند آفریننده و جهت دهنده به این گفتمان باشد، جامعه را رهبری می کند.

مطرح کردن مفاهیمی چون: «وجدان کاری و انضباط اجتماعی»، «نهی خدمت رسانی به مردم»، «عزت و افتخار حسینی»، «اتحاد ملی و انسجام اسلامی»، «اصلاح الگوی مصرف» و... در نامگذاری سالها؛ و یا در خارج از این قالب، در نهادینه سازی گفتمان ها مانند «جنبش نرم افزاری و تولید علم»، «جنبش عدالتخواهی»، «نهی آزاد اندیشی» و... چون برخاسته از زمینه ها، انتظارات و نیازهای جامعه بوده، به سرعت جای خود را باز کرده و مورد استقبال فرهیختگان و نخبگان جامعه قرار گرفته است:

«این که ما هر سالی را به نامی و با شعاری موسوم می کنیم و سال را با این نام و با این شعار آغاز می کنیم، صرفاً یک عمل تشریفاتی نیست. البته اسم ها مهم نیست؛ مهم مسماست؛ لیکن این نامگذاری ها به ما و ملت و مسؤولان نشان می دهد که چه می خواهیم و دنبال چه هستیم یا باید به دنبال چه باشیم.

سال رفتار علوی، هدف والای ملت ایران و تکلیف بزرگ مسؤولان و دولتمردان را مشخص می کند. سال خدمت رسانی یا سال پاسخگویی، همه ی خطوطی را که مسؤولان کشور و همه ی ما باید دنبال کنیم، به ما نشان می دهد. این شعارها در واقع مطالبات ملت از ما مسؤولان است.

اگر نهی عدالتخواهی مطرح می شود، یا اگر نهی نرم افزاری و تولید علم به عنوان یک جنبش عمومی مطرح می شود، یا اگر نهی آزاداندیشی مطرح می شود، برای این است که همه ی مسؤولان و همه ی آحاد ملت احساس

کنند که در این جهت مسؤلیت دارند. کشور به این شعارها نیاز دارد. البته می دانیم که بسیاری از این شعارها در سالهای خود به طور کامل تحقق پیدا نکرده است؛ لیکن کارهای زیادی هم صورت گرفته است. هر سال باید با تجربه های سالهای پیش، هم ملت و هم دولت راه خود را به سمت هدفهای والای این ملت و این کشور طی کنند و گامها را محکم تر و استوارتر بردارند.»⁽¹⁾

2-1. سیاست‌گذاری کلان برای نظام

در اصل 110 قانون اساسی، به عنوان اولین وظیفه رهبری، به «تعیین سیاستهای کلی نظام» اشاره شده است.

رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی و پس از ایشان نیز رهبر معظم انقلاب، همواره در بیانات و پیامهای خود خطاب به سران قوا و مسؤولان کشور، این امر را مد نظر داشته و حدود و ثغور سیاستهای کلی نظام را مشخص می کردند.

اما در سال 1379، رهبر معظم انقلاب برای اولین بار، سیاستهای کلی و بلندمدت نظام را به صورت جمع بندی شده و مدون، ابلاغ فرمودند. در این ابلاغ - که به سران سه قوه نوشته شده است - آمده است:

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ترجمان خواسته ها و آرمانهای ملت ایران و نشان دهنده ی جهت و مسیر حرکت مردم و چارچوب کلی برای

ص: 112

تدوین قوانین و سیاستهای کلی نظام است.

یکی از ویژگیهای ممتاز قانون اساسی، قدرت انعطاف و انطباق با شرایط و تحولات است و برای خروج از معضلات و تنگناها و استفاده ی بیشتر از نظرات افراد خبره و صاحب نظران راه حل های عملی ارائه نموده است.

اینک در مرحله ی جدید از تعیین سیاستهای کلی نظام و در پی دریافت مشورتهای مجمع تشخیص مصلحت نظام، مطابق بند یکم اصل 110 قانون اساسی اولین مجموعه از سیاستهای کلی و بلندمدت جمهوری اسلامی در موضوعاتی که در نظر آن مجمع از اولویت بیشتری برخوردار بوده است (امنیت اقتصادی - انرژی - منابع آب - بخش معدن - منابع طبیعی - بخش حمل و نقل) تعیین و به قوای سه گانه ی کشور ابلاغ می گردد.⁽¹⁾

همچنین در مقاطع مختلف، ایشان سیاستهای کلی برنامه های پنج ساله و یا سیاستهای کلی اصل 44 قانون اساسی را ابلاغ کرده اند که استفاده از این روش مدون در ابلاغ سیاستهای کلی، نقش مهمی در هدایت دستگاههای مختلف و همچنین هماهنگی آنها در راستای مدیریت کلان کشور و در مسیر پیشرفت و دستیابی به اهداف استراتژیک نظام جمهوری اسلامی ایران ایفا می کند.

3-1. فرمان تدوین چشم انداز 20 ساله و پیگیری اجرای آن

تغییرات اساسی و سریع روندها و رویه های اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک در عصر فراصنعتی، تاثیرات شدیدی بر عملکرد و رفتار

ص: 113

1- . نامه به سران قوای سه گانه و ابلاغ سیاستهای کلی نظام 20/12/1379

سازمانها داشته است. تحقیقات نشان می دهد که تنها معدودی از رهبران - بویژه در کشورهای جهان سوم - موفق به شناخت و سپس واکنش صحیح و بموقع در برابر اینگونه تغییرات شده اند و بسیاری از آنها هنگامی اقدام به عمل کرده یا می کنند که «تغییر» به صلابت و صراحت کامل رسیده است و چاره ای جز تن دادن به نتایج آن و واکنش انفعالی وجود ندارد.

در مقابل، «رهبران چشم اندازگرا»⁽¹⁾ با نگرشی کاملاً متفاوت به تغییرات می نگرند و نه تنها در پی حذف و کنترل آنها نیستند، بلکه در جستجوی آثار و نشانه های بالقوه آن هستند و از تغییر استقبال می کنند. این رهبران، نیک می دانند که موفقیتشان تا حدود زیادی به توان پاسخگویی به تغییرات محیطی بستگی دارد و بنابراین مهمترین نگرانیهای آنان، ایجاد ساختار سازمانی منعطف، تشکیل و هدایت گروه های ایده پردازی، تعیین و تحقق دگرگونی استراتژیک و انتخاب افرادی است که برای تغییر استراتژیک، انگیزه و توانایی داشته باشند و این نگرانیها جز در پرتو داشتن تفکر استراتژیک به اطمینان خاطر و بقای سازمان منجر نخواهد شد.⁽²⁾

حال، با در نظر گرفتن مقدمه فوق، برای تبیین نقش رهبر معظم

ص: 114

1- . Visionary

2- . حسن بیک محمدلو، «رهبری چشم اندازگرا»، پایگاه اینترنتی باشگاه اندیشه: <http://www.bashgah.net/pages-41049.html>

انقلاب در استفاده از چشم انداز(1) در مدیریت کلان کشور، کفایت به «فرمان» و «اهتمام خاص» ایشان در تدوین چشم انداز 20 ساله و همچنین تأکید به «مواظبت» و خارج نشدن از مسیر آن نگاهی بیندازیم:

تدوین سند چشم انداز - که در ابتدا قرار بود 10 ساله باشد - با فرمان مستقیم رهبر معظم انقلاب آغاز شد:

«سیاستها و برنامه باید به چشم اندازی متوجه باشد، که ... این نکته ی مهمی است. ما در اواخر سال هشتادویک به مجمع تشخیص مصلحت گفتیم که چشم انداز ده ساله را - که شامل دو برنامه ی پنجساله خواهد شد - پیشنهاد کنند تا بر اساس چشم اندازی که تصویر خواهد شد، سیاستهای کلی را تنظیم کنیم. این چشم انداز، نگاه و توقع ما را از کشور در ده سال آینده مشخص خواهد کرد.»(2)

ایشان سپس پس از تدوین و ابلاغ سند چشم انداز 20 ساله، در سخنرانی های مختلفی به تبیین ضرورت تدوین چشم انداز، ترسیم آینده روشن در مقابل کشور و همچنین امیدبخشی و اطمینان دادن

ص: 115

1- . لازم است در اینجا واژه «چشم انداز» نیز تعریف شود. «چشم انداز، جهت گیری های آتی سازمان را تداعی می کند. چشم انداز، توضیح دهنده هر چیز اعم از فرهنگ کسب و کار، تکنولوژی و یا هر نوع فعالیت سازمان در آینده است. برخی نیز عنوان کرده اند: چشم انداز، شامل استراتژی است، یعنی چشم انداز، چگونگی دستیابی به استراتژی سازمان را روشن می سازد. مفهوم چشم انداز باید علاوه بر مغز افراد در قلب افراد سازمان نفوذ کند. افراد دارای آرمان های خاص و نیز برداشتهایی خاص از آن آرمان هستند. هرگاه آرمانی با مشارکت ذهنی و عملی همراه باشد، چشم انداز نامیده می شود.

2- . بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران 15/05/1382

نسبت به قابل دستیابی بودن موارد موجود در سند چشم انداز پرداختند:

«چشم انداز بیست ساله ای تصویب و به دستگاہها ابلاغ شده است که حقیقتاً جاده ی بسیار مستحکمی به سمت يك آینده ی روشن، زیر پای ملت و مسؤولان باز می کند.»⁽¹⁾

«برنامه های پنج ساله بر اساس چشم انداز بیست ساله تنظیم خواهد شد؛ بودجه ها بر آن اساس نوشته خواهد شد و تلاش مسؤولان در این رویکرد قرار خواهد گرفت.»⁽²⁾

«چشم انداز بیست ساله ی ابلاغ شده به مسؤولان سیاستگذاری و برنامه ریزی، يك امر عملی و منطقی و قابل تحقق است. نباید تصور شود کلماتی که در چشم انداز بیست ساله پشت سر هم نوشته می شود، صرفاً يك آرزوست و بدون محاسبه ی عملی است. به فضل پروردگار، ملت ایران و کشور عزیز ما می تواند در طول بیست سال به این آینده برسد. این يك آینده ی مطلوب و يك گام بلند در راه رسیدن به آرمانهای والای اسلامی است که در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، تعالی معنوی و اخلاقی و هویت اسلامی وجود دارد. امروز نظام جمهوری اسلامی در سایه ی کار و تلاشی که در سالهای گذشته شده است، به عنوان يك چشم انداز روشن برای آینده، می تواند این را مشخص و ترسیم کند.»⁽³⁾

و در نهایت، در بیانات مکرر، مطالبه جدی خویش را مبنی بر لزوم حرکت گام به گام در مسیر چشم انداز، هم از مسؤولان و هم از مردم

ص: 116

1- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران 24/11/1382

2- . بیانات در آغاز سال جدید 1/1/1384

3- . بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران 23/08/1382

«چشم انداز بیست ساله يك سند بسیار معتبر و مهم است که مسئولان کشور - چه در قوه ی مجریه، چه در قوه ی مقننه - و در بخشهای مختلف موظف شده اند گام به گام این سند چشم انداز را تعقیب کنند و به آن اهداف نزدیک شوند. مردم هوشمند و جوانان با استعداد در هر نقطه ی کشور مسئولیت بزرگی در این زمینه بر دوش دارند. من به شما مردم عزیز و بخصوص به جوانان عرض میکنم که ساختن کشور، پیش بردن کشور يك وظیفه ی مشترك است؛ مشترك بین مسئولان و مردم؛ مردم هم دارای مسئولیتند.» (1)

«نقشه ی راه، سند چشم انداز است. سند چشم انداز را هیچ نایستی مورد غفلت قرار داد. این حقیقتا يك سند واقعی و يك نقشه ی راه حقیقی است. باید دستگاههای نظارتی خودتان را محاسبه کنید. حالا دیگران ممکن است نظارت بکنند، ممکن است نکنند؛ ممکن است نظارتشان درست باشد، ممکن است ناقص باشد؛ اما در درون خود مجموعه ی قوه ی مجریه - که نقشش در رسیدن به اهداف چشم انداز، بسیار حساس است - دستگاههای نظارتی را فعال کنید، بعد ساز و کارهای نظارتی را بکار بیندازید تا ببینیم برنامه ها و سیاستها چقدر جلو رفته.» (2)

2. مدیریت راهبردی علم و فناوری

اشاره

«معنای مدرن علم، گرچه مدت مدیدی کوشید خود را گسسته از هنجارها، ارزش ها و عقاید بنمایاند، ولیکن در خدمت ایدئولوژی هایی است که به

ص: 117

1- . بیانات در دیدار مردم مریوان 26/2/1388

2- . دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت 2/6/1387

صورت کاربست های درونی یا اهداف برونی قائد و سائق آن هستند.

جمهوری اسلامی ایران اگر بتواند در تولید این معنا از علم کارآمد و توانمند باشد، به یکی از مهمترین کالاهای راهبردی جهانی امروز دست یافته است و البته دستیابی به چنین کالایی، نیازمند سیاست های راهبردی متناسب با فداست.

راهی که تامین کننده اهداف انقلاب اسلامی و تضمین کننده اسلامیت جمهوری است با عبور از مرزهای علم مدرن و گام گذاردن در مسیر توسعه دینی، سیاست های اصلی خود را متوجه تعامل فعال دو نهاد علمی حوزه و دانشگاه کند.

رهبر معظم انقلاب نیز در دو دهه رهبری با تأکید بر تعامل حوزه و دانشگاه و تأیید و تقویت جایگاه شورای انقلاب فرهنگی و تصریح بر ضرورت گشودن مرزهای دانش و علم و تعقیب و پیگیری نسبت به نهضت نرم افزاری و تولید علم، کارنامه درخشانی را در تداوم حرکت امام به جای گذارده اند.»⁽¹⁾

در ادامه، به تبیین نمونه هایی از ایفای این نقش رهبری در مدیریت راهبردی علم در کشور می پردازیم:

1-2. طرح بحث «جنبش نرم افزاری و تولید علم»

هرچند رهبر انقلاب از ابتدای پذیرش این مسؤولیت، به کرات بر مسأله پیشرفت علم و فناوری تأکید داشتند، اما به طور خاص، از اواخر دهه

ص: 118

70، با ابداع اصطلاح «جنبش نرم افزاری و تولید علم»، مطالبات خود را در این موضوع و در راه پیشرفت کشور به طور مشخص تبیین کردند:

«امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند يك جنبش نرم افزاری همه جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد.»⁽¹⁾

«مسائل اصلی کشور، مسأله ی اقتصاد و مسأله ی علم و ارتقای پایه ی علمی دانشگاهها و همان جنبش نرم افزاری است که ما بارها در دانشگاهها و در دیدار با دانشجویان و اساتید در میان گذاشته ایم.»⁽²⁾

این گفتمان، با سرعت شگفت انگیزی جای خود را در محافل علمی باز کرد:

«بنده وقتی جنبش نرم افزاری یا تولید علم را - که معنایش خارج شدن علم از حالت تقلیدی و ترجمه ای است - مطرح کردم، مسأله به این صورت زنده نبود. الآن هر جا که به محیطهای دانشجویی و دانشگاهی می روم، می بینم استاد، دانشجو، محقق و پژوهشگر از جنبش نرم افزاری حرف می زند.»⁽³⁾

«چند سال پیش، اول بار در دانشگاه امیرکبیر مسأله ی جنبش نرم افزاری را مطرح کردم. جنبش نرم افزاری، یعنی در زمینه ی علم، تولید علم و شکستن مرزهای علم، يك جنبش و يك حرکت عظیم به وجود بیاید. از این پیشنهاد استقبال شد و من امروز می بینم که در سخنان اساتید و مسؤولان دانشگاه ها روی این نکته تکیه می شود. البته تا مدتی بعضی ها می گفتند ما نمی دانیم

ص: 119

1- . بیانات و پرسش و پاسخ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر 09/12/1379

2- . بیانات در دیدار دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت گرامیداشت سالروز 13 آبان 13/08/1381

3- . بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکلهای، کانونها، نشریات، هیأتهاى مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی 15/08/1382

اصلاً معنای این حرف چیست! عده بی هم شبهه می کردند که علم مگر تولیدکردنی است! البته بحث لغوی می کردند و می گفتند چرا گفته اید تولید علم! شما هرچه می خواهید اسمش را بگذارید؛ مقصود که معلوم است.»⁽¹⁾

ایشان سپس به تبیین نقش خود در حرکت کشور در این مسیر پرداختند:

«من سه چهار سال قبل در یکی از دانشگاههای تهران گفتم اگر بنا بود بودجه ی کارهای تحقیقاتی و دانشگاههای کشور را من تنظیم کنم و در اختیار بگیرم، آن گونه که مصلحت است عمل می کردم؛ اما آن شرایط فراهم نیست و مسؤولان بخشها طبق قانون اختیاراتی دارند که باید انجام دهند. گفتم موضوع بسیار مهم "تولید علم و جنبش نرم افزاری و خط شکنی در جبهه ی علم آفرینی را مطرح می کنم، تا بشود فرهنگ محیط دانشگاهی. وقتی این شد، آن وقت دیگر نگرانی نیست؛ زیرا دهها و صدها هزار دل معتقد و مشتاق و جسم و ذهن جوان و خسته نشو در این راه می افتند و آن را دنبال می کنند. من امروز نشانه های این پیشاهنگان امید و بشارت کشور را می بینم.»⁽²⁾

«من نقشم این است که بیایم بگویم این کار را خوب است بکنیم. نهضت نرم افزاری و جنبش نرم افزاری و نهضت تولید علم را ما مطرح کردیم؛ الان حدود ده سال می گذرد و امروز يك غوغایی راه افتاده است. چه کسی این را راه انداخته؟ من که يك کلمه بیشتر نگفتم. این کار را شما کردید.»⁽³⁾

ص: 120

1- . بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه ها 17/10/1383

2- . بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین 26/09/1382

3- . دیدار با دانشجویان 18/08/1385

و در نهایت انگیزه خود در طرح این بحث را در جای دیگری

تبیین فرمودند:

«اینی که من توی این چند سال به دانشگاه‌ها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و اینها این همه تأکید کردم، برای خاطر این است که يك ركن امنیت بلندمدت کشور و ملتتان، علم است.»⁽¹⁾

و البته روشن است که خاستگاه مطالبه ایشان برای رسیدن به این پیشرفت علمی را بایستی بسیار والاتر از یک حس ناسیونالیستی صرف، یعنی پیشرفت ایران دانست:

«ما اگر در صنعت و در دانش پیشرفت کنیم، به سود دنیا و ملتهای عقب افتاده و در درجه اول به سود دنیای اسلام است. بنابراین، این که ما باید پیشرفت کنیم و مرزهای علم را بشکنیم و باز کنیم، يك نگاه نژادپرستانه ی خودخواهانه نیست، که ما چون ایرانی هستیم، باید این کار را بکنیم. بله، ما غرور ملی هم داریم؛ این را انکار نمی‌کنیم. ما به گذشته ی خودمان نگاه می‌کنیم و احساس عزت و سرافرازی می‌کنیم... اما فقط این نیست - همان طور که گفتم - نگاه انسانی و اسلامی است.»⁽²⁾

2-2. حمایت عملی و قاطعانه از فعالیت‌های شاخص علمی

یکی از اصلی‌ترین اجزاء بحث جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، همانطور که بارها در کلمات رهبر انقلاب تکرار شد، «شکستن مرزهای علم»

ص: 121

1- . بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 04/06/1388

2- . بیانات در دیدار جمعی از مهندسان و محققان فنی و صنعتی کشور 05/12/1383

است. در این رابطه خالی از لطف نیست به دو نمونه شاخص از نزدیک شدن به مرزهای علم که در سالهای اخیر در کشور ما اتفاق افتاد - یعنی دستیابی به «سلولهای بنیادی» و همچنین «فناوری هسته ای» - و نقش رهبری در پیشبرد آن دو اشاره کنیم:

1-2-2. سلولهای بنیادی و پژوهشکده رویان

نقش حمایتی و اعتماد رهبر معظم انقلاب در دستیابی به سلولهای بنیادی، هرگز قابل انکار نیست. در ادامه به طور مختصر به توضیح این ادعا می پردازیم.

ابتدا درباره پژوهشکده رویان:

«پژوهشکده رویان در سال 1380 با تلاش های دکتر سعید کاظمی آشتیانی و همکارانش به عرصه تحقیقات سلول های بنیادی وارد شد که این تحقیقات در سال 1382 به نتیجه رسید و پژوهشکده رویان با تولید رده سول های بنیادی جنینی نام ایران را در بین 10 کشور برتر دنیا که به این فناوری دست یافته اند قرار داد.

تولید اولین رده سلول های بنیادی جنینی در ایران در سال 1382، تولد اولین گوسفند شبیه سازی شده در ایران در سال 1385، بهره گیری از سلول های بنیادی در درمان بیماران با ضایعات قلبی و بیماران با سوختگی های قرنیه چشم در سال 1383 و برای نخستین بار در کشور، و بسیاری توفیقات دیگر بخشی از موفقیت های پژوهشکده رویان در طی دوران فعالیتش بوده است. اکنون با گذشت نزدیک به دو دهه، پژوهشکده رویان توانسته است به یکی از معتبرترین مراکز ارائه خدمات تخصصی و فوق تخصصی در خاورمیانه تبدیل شود. به طوری که با یقین می توان گفت روشی برای درمان ناباروری

ص: 122

در دنیا شناخته و به کار گرفته نشده است که در پژوهشکده رویان، آن روش به زوج های نابارور ارائه نشود.»⁽¹⁾

دکتر کاظمی آشتیانی و همکارانش در زمانی ایده دستیابی به سلولهای بنیادی را مطرح کردند که در آن زمان، از سوی مجامع علمی و حتی برخی دستگاههای دولتی، نه تنها حمایت نشدند، بلکه گاهی به دروغگویی هم متهم شدند:

«بسم الله الرحمن الرحيم. من از پژوهشکده رویان در خدمت شما هستم. موضوع مقاله من...» یکی از استادان حاضر در سالن کنفرانس همین که اسم پژوهشکده رویان را می شنود، بلند می شود:

«این اراجیف چیست که به خورد مردم می دهید؟ شما دروغ می گوئید که به «سلولهای بنیادی» دست پیدا کرده اید! چرا سر مردم را کلاه می گذارید؟ چرا با این دروغها ذهن مردم را آشفته می کنید؟... این کاری که شما می گوئید انجامش داده ایم سلول بنیادی نیست، من ده سال پیش خودم توی يك مؤسسه دانشگاهی چنین کاری را انجام داده ام... شما تازه الان به اینجا رسیده اید؟ زحمت کشیدید...!»⁽²⁾

در این زمان، دکتر کاظمی آشتیانی مسأله را به رهبر انقلاب اطلاع دادند و از ایشان درخواست کمک کردند:

«بعد از اینکه آقای دکتر کاظمی به مقام معظم رهبری اطلاع دادند که کار

ص: 123

1- . (به نقل از پایگاه رسمی پژوهشکده رویان به نشانی: <http://www.royaninstitute.org>)

2- . «ما می توانیم ابر قدرت علمی دنیا باشیم»، ماهنامه سوره، شماره 21، آبان و آذر 1384

موفقیت آمیز بوده، بچه های همین هیئت علمی، آقای دکتر بهاروند، دکتر اسلامی، دکتر سامانی، دکتر علیزاده، دکتر زهرایی و... همه در يك جلسه خصوصی رفتند پیش رهبر... آنجا بود که وقتی برگشتند، همه روحیه شان عوض شده بود. انرژی گرفته بودند... حرفهایی که این طرف و آن طرف پشت سر مجموعه زده می شد، دیگر در روحیه ما تأثیر منفی نداشت...»⁽¹⁾

این دیدار، در همان ایام نیز در بیانات رهبر معظم انقلاب انعکاس یافت:

«چند روز قبل گزارشی راجع به تولید و تکثیر و انجماد سلولهای بنیادی به من دادند. این يك کار بسیار عظیم و پیچیده ی علمی است که در معدودی از کشورهای دنیا انجام گرفته است. در کشور ما این کار بی سروصدا اتفاق افتاده و هنوز اعلان هم نشده است. به نظر من اهمیت این کار کمتر از کار هسته ای که ما کردیم، نخواهد بود. این کار در آینده ی پزشکی دنیا ارزش زیادی دارد و دنیا از آن به عنوان يك انقلاب پزشکی نام می برد. يك گروه جوان مؤمن انقلابی و واقعا جهادی که از همین بچه های جهاد دانشگاهی هستند، راجع به این مسأله چند سال کار کرده اند و به نتایج خوبی رسیده اند - البته باید کار ادامه پیدا کند تا به آن نتایج نهایی اش برسد - که ان شاءالله خودشان اعلان خواهند کرد.»⁽²⁾

از آن زمان، شخص رهبر معظم انقلاب، به عنوان یکی از مهمترین حامیان این طرح، نقش بسیار مهمی در ثمربخشی آن ایفا کردند؛ به طوری که در سایت رسمی پژوهشکده رویان، از آن به عنوان یکی از دو

ص: 124

1- «ما می توانیم ابر قدرت علمی دنیا باشیم»، ماهنامه سوره، شماره 21، آبان و آذر 1384

2- بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت 5/6/1382

عامل موفقیت این طرح نام برده شده است:

«پژوهشکده رویان یک مرکز عمومی غیردولتی است که با مشارکت افراد خیر تأسیس شده است. طی سال‌های 1368 تا 1370 تلاش‌های زنده یاد دکتر سعید کاظمی برای تأسیس مؤسسه‌ای برای درمان ناباروری هنگامی به بار نشست که دو عامل مهم دست به دست هم داد و با تأسیس این مرکز مقدمات رشد و بالندگی علمی کشور رقم خورد.

این دو عامل، یکی اعتماد رهبر معظم انقلاب به گروهی از جوانان پرشور و جهادگر دانشگاهی بود؛ و دیگری، ورود جمعی از افراد خیر به عرصه‌ای تازه بود. کمک به تأسیس مرکزی برای پیشبرد علم و دانش به جای ساخت مسجد و درمانگاه و غیره.» (1)

2-2-2. فناوری هسته‌ای

هرچند پرداختن به نقش راهبردی، حمایتی و مدیریتی رهبر انقلاب در دستیابی به فناوری هسته‌ای، خود فرصتی جداگانه می‌طلبد، اما در این مقال، تنها مختصراً به گوشه‌هایی از این بحث می‌پردازیم.

هرچند اولین تلاش‌های ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای به سال 1335، یعنی بیش از 50 سال پیش بر می‌گردد، (2) اما توجه به این فناوری، هیچگاه در زمره سیاست‌های کلی نظام وجود نداشت. رهبر معظم انقلاب در ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در سال 1379، در بخش

ص: 125

1- . به نقل از پایگاه رسمی پژوهشکده رویان به نشانی: <http://www.royaninstitute.org>

2- . به نقل از کتاب «تاریخ انرژی هسته‌ای در ایران و جهان»، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه

«سیاستهای کلی انرژی» آوردند:

«... 2- تلاش برای کسب فن آوری و دانش هسته ای و ایجاد نیروگاههای هسته ای به منظور تأمین سهمی از انرژی کشور و تربیت نیروهای متخصص.»

3- گسترش فعالیتهای پژوهشی و تحقیقاتی در امور انرژیهای گداخت هسته ای و مشارکت و همکاری علمی و تخصصی در این زمینه.»
[\(1\)](#)

به فاصله سه سال از این ابلاغ، علیرغم کارشکنیهای آژانس بین المللی انرژی اتمی و همچنین عدم همکاری کشورهای دارای این فناوری، تلاش متخصصین هسته ای کشور نتیجه داد:

«ما خود، فناوری اتمی را به کوری چشم دشمنان به دست آوردیم. ما عضو آژانس اتمی بودیم و قرارداد آژانس بین المللی اتمی را امضا کرده بودیم و قرار بود طبق مقررات، کمکهایی به ما بشود. متنفذین صهیونیست و امریکا به همه ی دنیا اعلام کردند که به ایران کمک نکنید. جوانان، متفکرین و استعدادهای جوشان و درخشان ما خود توانستند بدون کمک در طول چند سال، آرام آرام این فناوری را به دست آورند.»
[\(2\)](#)

البته بلافاصله پس از انتشار این خبر، جنجال رسانه ای غرب علیه ایران آغاز شد و ایران را به تلاش برای ساخت بمب اتمی متهم کردند:

«در فناوری برتر که در دنیا با افتخار از آن یاد می شود، مجبور شدند علی رغم همه ی دشمنیها بگویند ایران جزو ده کشوری است که توانسته چرخه ی سوخت هسته ای تولید کند. این چیز کمی نیست. البته وقتی چنین موفقیتی

ص: 126

1- . نامه به سران قوای سه گانه و ابلاغ سیاستهای کلی نظام 20/12/1379

2- . بیانات در اجتماع مردم مشهد در حرم مقدس 01/01/1382

پیش می آید، این جنجال را هم دنبالش راه می اندازند که بله، اینها می خواهند چنین کنند، چنان کنند؛ بمب بسازند.» (1)

البته رهبر معظم انقلاب با بیان مبنای شرعی حرمت استفاده از سلاح اتمی:

«وقتی از بمب هسته‌ی استفاده می کنند، فقط آنهایی که دشمن هستند کشته نمی شوند، بلکه کسانی هم که دشمن نیستند، کشته می شوند و این بر خلاف عقیده‌ی ماست؛ بر خلاف ممشی و روش ماست. بمب هسته‌ی بی که بر و فاجر را می برد؛ خوب و بد را از بین می برد؛ تر و خشک را با هم می سوزاند، کار نظام اسلامی نیست.» (2)

و همچنین استفاده از مفهوم «وحدت ملی» به عنوان جایگزین «بمب اتم» در نظام جمهوری اسلامی:

«سلاح هسته‌ی بی بر غنای بالای نود درصد اورانیوم و با تکنولوژی پیچیده متوقف است و کسی دنبالش خواهد رفت که انگیزه اش را داشته باشد. ما انگیزه اش را نداریم، دنبالش هم نرفته ایم و نمی خواهیم برویم؛ ما احتیاجی به بمب هسته‌ی بی نداریم. ما تا امروز اگر بر دشمنان خودمان غلبه کرده ایم، با بمب هسته‌ی بی غلبه نکردیم. ملت ایران بیست و پنج سال است آمریکا را شکست داده؛ مگر غیر از این است؟ آمریکا که بیست و پنج سال از ملت ایران شکست خورده، با چه شکست خورده؟ ما با بمب هسته‌ی بی آمریکا را شکست

ص: 127

1- . بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران 15/05/1382

2- . بیانات در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی 01/04/1383

دادیم، یا با عزم، اراده، ایمان، آگاهی و با اتحاد خودمان؟»⁽¹⁾

بر این ادعاها خط بطلان کشیدند. اما در نهایت، فشارهای بین‌المللی - که از سوی لابی مشخصی رهبری می‌شد - دولت وقت را ابتدا به پذیرش داوطلبانه پروتکل الحاقی در آبان 1382، و سپس به ترتیب، تعلیق ساخت و مونتاژ سانتریفیوژها، تعلیق فعالیت UCF اصفهان در آذر 1383 و بالاخره تعلیق کارخانه غنی‌سازی نطنز مجبور کرد که در همه مراحل، به «داوطلبانه» بودن این تعلیق‌ها برای «اعتمادسازی» از سوی ایران تأکید می‌شود:

«در ماه‌های پایانی سال 2003 میلادی وزرای خارجه 3 کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) به تهران آمدند و در سعدآباد مقرر شد که ایران فعالیت‌های هسته‌ای اش را معلق و پروتکل الحاقی NPT را امضا نماید.

با امضاء تفاهم‌نامه هسته‌ای سعدآباد میان ایران و سه کشور اروپایی، فعالیت‌های هسته‌ای ایران به صورت داوطلبانه از سوی ایران، در جهت رفع سوء تفاهمات ایجاد شده میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به حال تعلیق درآمد.»⁽²⁾

در این مقطع، رهبر معظم انقلاب هرچند این پیشنهاد «تعلیق» را کاملاً غیرمنطقی خواندند:

«زورگویی طرفهای مقابل، نشان‌دهنده‌ی بی‌منطقی آنهاست؛ منطق ندارند.

ص: 128

1- .بیانات در دیدار هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی 01/04/1383

2- . مقاله «انرژی هسته‌ای ایران»، به نقل از پایگاه باشگاه اندیشه: <http://www.bashgah.net/topics-347.html>

«شما باید غنی سازی را تعلیق بلندمدت کنید»؛ چرا و به چه دلیل؟ چه ربطی بین شفاف سازی و تعلیق یا توقف غنی سازی است؟ با هم هیچ ارتباطی ندارد. با این یاوه گویی ها و حرفهای دوران استعمار، مگر می شود ملتی را از حقوق و خواسته ها و نظرات خودش محروم کرد؛ آن هم ملت ایران؛ این ملت زنده؟ طرفهای مذاکره بدانند ملت ایران زنده است. موجود زنده، هم اهل منطق است، هم اهل حرکت است، هم اهل تعامل است، هم اهل دفاع است، هم اهل مشت زدن است؛ آن جایی که لازم باشد.» (1)

«هی فشار آوردند که باید این را تعطیل کنید، باید آن را تعطیل کنید، باید آن را تعطیل کنید. رسیدند به کارخانه یو.سی.اف اصفهان، گفتند: این را هم باید تعطیل کنید. آن مقدمات اولی است. بنده آن وقت به مسئولین گفتم که اگر این حرف را گوش کردید، فردا خواهند گفت باید معادن اورانیوم را هم که توی این کشور هست، کلاً یک جا جمع کنید بدهید به ما، تا خاطر جمع شویم که شما نمیخواهید بمب اتم بسازید!» (2)

اما با این حال، با حمایت همه جانبه از تیم مذاکره کننده از طرف دولت وقت، به طرف اروپایی، اولتیماتوم قاطعی داده و حدّ و مرز این عقب نشینی تاکتیکی را نیز مشخص کردند:

«ما به کسانی که از طرف ایران مشغول مذاکره هستند، اعتماد داریم و از کار آنها حمایت می کنیم؛ منتها طرف مقابل باید بداند که با ترفندهای سیاسی و با تضييع وقت نمی تواند ملت ایران را از عزم راسخ خود برای پیمودن راه فناوری انرژی هسته یی باز بدارد. مسؤولان ما محاسبه کردند، محاسبه شان

ص: 129

1- . بیانات در دیدار مسؤولان نظام 06/08/1383

2- . بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان دانشگاه های استان یزد 13/10/1386

هم درست است. پیگیری این کار برای پیشرفت کشور - هم پیشرفت مادی، هم پیشرفت سیاسی، هم پیشرفت علمی - مفید و لازم است؛ این جزو مصالح ملی است؛ این را مسؤولان درست فهمیده اند و پایش هم ایستاده اند. اروپایی ها اگر می خواهند در این زمینه با ایران اسلامی به يك تفاهم واقعی برسند، باید تأثیر فشار امریکا و صهیونیست ها را روی خودشان کم کنند؛ نباید تحت تأثیر قرار بگیرند...

... طرفهای اروپایی مذاکره کننده ی انرژی هسته یی بدانند با چه کشوری صحبت می کنند. اگر مسؤولان کشور احساس کنند که در این مذاکرات جدیت وجود ندارد، روند عوض خواهد شد؛ طور دیگری خواهد شد؛ این را همه بدانند.» (1)

اما در عمل، با هر گام عقب نشینی ایران، شورای حکام آژانس یک قطعنامه علیه ایران صادر می کند؛ به طوری که تنها در طول سالهای 82 تا 84، 9 قطعنامه و چند بیانیه علیه ایران صادر می شود! و بدین ترتیب انگیزه طرفهای اروپایی از مذاکره مشخص شد. رهبر معظم انقلاب در تحلیل وقایع رویداده فرمودند:

«این فرایند عقب نشینی البته برای ما يك فایده ای داشت - بی فایده نبود این عقب نشینی ها - فایده اش این بود که هم خودمان وعده ها و حرفهای رقبای اروپائی و غربی را تجربه کردیم، هم افکار عمومی دنیا تجربه کرد. امروز هر کس به ما میگوید آقا تعلیق موقت بکنید، ما میگوئیم تعلیق موقت را که يك بار کردیم؛ دو سال! دو سال تعلیق موقت کردیم. فایده اش چه

ص: 130

شد؟ اول گفتند موقت تعلیق کنید، گفتند تعلیق داوطلبانه بکنید؛ ما هم به خیال موقت و به خیال داوطلبانه، تعلیق کردیم. بعد هر وقت اسم از برداشتن تعلیق آمد، یک قرشمال بازی ای در سطح دنیا درست کردند - در سطح مطبوعات و رسانه ها و محافل سیاسی - وای، داد، داد، ایران میخواهد تعلیق را بشکند! تعلیق شد یک امر مقدس که ایران اصلاً حق ندارد نزدیکش برود! ما این را تجربه کرده ایم؛ دیگر، تجربه ی جدیدی نیست. آخرش هم گفتند: این تعلیق موقت کافی نیست؛ اصلاً باید بکلی بساط اتمی را جمع کنید. همین اروپائی ها که میگفتند شش ماه تعلیق کنید، وقتی این کار را کردیم، گفتند بایستی جمع کنید! این فرایند عقب نشینی، این فایده را برای ما داشت؛ هم برای خود ما تجربه شد، هم برای افکار عمومی دنیا تجربه شد. لیکن عقب نشینی بود دیگر؛ عقب نشینی کردند.» (1)

در نهایت، در آخرین روزهای دولت وقت، قاطعانه دستور دادند که این تعلیق، در همان دولتی که تعلیق را پذیرفته، باید شکسته شود:

«من همان وقت هم در جلسه ی مسئولین - که از تلویزیون پخش شد - گفتم اگر چنانچه بخواهند به این روند مطالبه ی پی در پی ادامه بدهند، بنده خودم وارد میدان می شوم؛ همین کار را هم کردم. بنده گفتم که بایستی این روند عقب نشینی متوقف شود و تبدیل بشود به روند پیشروی، و اولین قدمش هم باید در همان دولتی انجام بگیرد که این عقب نشینی در آن دولت انجام گرفته بود؛ و همین کار هم شد. در زمان دولت قبل، اولین قدم به سمت پیشرفت برداشته شد؛ تصمیم گرفته شد که کارخانه ی یو.سی.اف اصفهان

ص: 131

راه اندازی شود، و راه اندازی هم شد، و دنبالش هم بحمدالله این پیشرفت های بعدی است تا امروز.»⁽¹⁾

با این فرمان صریح رهبر انقلاب، در مرداد 84 پلمپ کارخانه یو.سی.اف اصفهان و چهار ماه بعد، پلمپ کارخانه غنی سازی نطنز شکسته شد و در نهایت در فروردین 85 اولین جشن هسته ای در پی دستیابی متخصصان کشورمان به چرخه کامل تولید سوخت هسته ای در مقیاس آزمایشگاهی برگزار شد. از آن زمان، و در نتیجه درایت و مدیریت مقتدرانه و قاطعانه رهبر معظم انقلاب، موفقیت های بسیاری در زمینه فناوری هسته ای، یکی پس از دیگری نصیب میهن اسلامی مان شد.

3. مدیریت بحران

اشاره

نظام جمهوری اسلامی ایران، به دلیل ماهیت ضدسلطه و ضد استکباری خود - که از مبانی نظری حاکم بر آن نشأت می گیرد - طبیعتاً همواره در معرض تهدید جبهه سلطه گر جهانی قرار داشته است. این جبهه وقتی در سالهای اولیه پس از پیروزی انقلاب، به وسیله سازماندهی شورشها و ترورهای متعدد، به شهادت رساندن بالاترین لایه های سران نظام و در نهایت، تحمیل جنگ 8 ساله به ایران نتوانست به هدف «براندازی مستقیم» نظام دست یابد، سعی کرد با اتخاذ سیاست «بحران سازی» از قدرت نظام کاسته و حتی به خیال خود، تا مرز براندازی

ص: 132

1- . بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان دانشگاه های استان یزد 13/10/1386

مدیریت رهبر معظم انقلاب در رویارویی به این بحران ها را می توان در دو بخش تقسیم بندی کرد:

1-3. تشخیص به موقع رویدادها و پیش بینی تهدیدها

«نگرش سنتی به مدیریت بحران، براین باور بود که مدیریت بحران یعنی فرو نشاندن آتش؛ به این معنی که مدیران بحران در انتظار خراب شدن امور می نشینند و پس از بروز ویرانی، سعی می کنند تا ضرر ناشی از خرابی ها را محدود سازند.

ولی به تازگی نگرش به این واژه عوض شده است. براساس معنای اخیر، همواره باید مجموعه ای از طرحها و برنامه های عملی برای مواجهه با تحولات احتمالی آینده در داخل سازمانها تنظیم شود و مدیران باید درباره اتفاقات احتمالی آینده بیندیشند و آمادگی رویارویی با وقایع پیش بینی نشده را کسب کنند.

بنابراین، مدیریت بحران بر ضرورت پیش بینی منظم و کسب آمادگی برای رویارویی با آن دسته از مسائل داخلی و خارجی تأکید دارد که به طور جدی سازمان را تهدید می کنند.»⁽¹⁾

در تمام طول دوران رهبری آیت الله العظمی خامنه ای، بارها اتفاق افتاده است که ایشان تهدیدها را به موقع و حتی قبل از وقوع آنها پیش

ص: 133

1- . حمیدرضا رضوانی، «مدیریت بحران سازمانی»، ماهنامه تدبیر، سال هجدهم، شماره 170

بینی کرده اند. اتفاقاً تذکر ایشان به این تهدیدها، در اکثر موارد با بی توجهی مسؤولان اجرایی مواجه شده؛ تا آنجا که حتی در مقطعی پیش بینی ها و بیان واقعیت ها را به «توهم توطئه» تعبیر کردند!

هشدار رهبری در مقاطع مختلف نسبت به بحران های پیش روی انقلاب، فصل جدی ای از مدیریت معظم له را به خود اختصاص می دهد اما از موارد متعدد قابل ذکر در اینجا، تنها به عنوان نمونه، یک مورد را بررسی می کنیم:

1-1-3. تهاجم فرهنگی

امروزه با نمایان شدن انحرافات فرهنگی متأثر از فرهنگ غرب در فضای کشور، شکی برای کسی باقی نمی ماند که این کشور در طول چندین سال، در معرض یک «تهاجم فرهنگی» گسترده و همه جانبه چندین ساله نسبت به فرهنگ کشور قرار داشته است. اما فرهیختگان جامعه در چه زمانی به این واقعیت رسیدند؟!

بسیار جالب است بدانیم، رهبر انقلاب در همان سال 1368 و تنها چند ماه پس انتخاب در این مسؤولیت، نسبت به وجود تهاجم فرهنگی گسترده غرب علیه انقلاب و اسلام تذکر دادند:

وقتی استکبار جهانی به برکت انقلاب اسلامی، با رشد معنوی اسلام مواجه شد و در جبهه ی نظامی و سیاسی توانستند انقلاب و جمهوری اسلامی را - که امروز مظهر و نمودار اسلام عملی است - بکوبند و شکست بدهند...

خواستند به تهاجم فرهنگی دست بزنند. (1)

عناصر فرهنگی جامعه - هرکه هستند، هرچه هستند، چه وابستگان به دانشگاهها، چه وابستگان به حوزه های علمیه و چه دیگران - باید بدانند که امروز دشمن، بیشترین همت خود را روی تهاجم فرهنگی گذاشته است. من به عنوان يك آدم فرهنگی، این را عرض می کنم، نه به عنوان يك آدم سیاسی. (2)

در آن سالها، این تعبیر ایشان با انکار بسیاری از مسؤولان و فعالین عرصه فرهنگ مواجه شد. ایشان چند سال بعد، در این باره فرمودند:

بنده يك وقت، شش، هفت سال قبل از این، بحث «تهاجم فرهنگی» را مطرح کردم که بحث برانگیز شد و بعضیها درباره اش حرف زدند؛ شاید بعضی از شما یادتان باشد. همان وقت در تلویزیون جمهوری اسلامی میز گردی در این باره تشکیل دادند که سه، چهار نفر آن جا بودند. يك نفر با آن نظری که بنده ابراز کرده بودم، موافق بود و حمایت می کرد؛ چند نفر دیگر هم به کلی آن را رد می کردند که «نه آقا! اینها خیالات است، اینها باطل است!» (3)

اما ایشان همچنان سپس نسبت به شکلها و مراحل بعدی این تهاجم، هشدار دادند:

دشمن از راه اشاعه ی فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می کند

ص: 135

1- . سخنرانی در دیدار با میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، روحانیون و مسؤولان و ائمه ی جمعه و جمعی از اقشار مختلف مردم

24/07/1368

2- . سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسؤولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلم و روز جهانی

کارگر 12/02/1369

3- . بیانات در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس 12/06/1377

جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می کند، يك "تهاجم فرهنگی" بلکه باید گفت يك «شبیخون فرهنگی» يك «غارت فرهنگی» و يك «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می کند. چه کسی می تواند از این فضیلتها دفاع کند؟(1)

همچنین در چند سخنرانی، به طور مفصل منظور از تهاجم فرهنگی را تبیین کرده، نسبت به برداشت های سطحی از آن تذکر جدی دادند:

عده ای خیال کرده اند که وقتی ما به تهاجم فرهنگی غرب حمله می کنیم، فقط مسأله مان این است که يك نفر در خیابان حجابش را درست رعایت نکرده است. مردم بحمدالله حجابشان را رعایت می کنند؛ الا افرادی قلیل. مسأله ی اینها نیست. این، فرعی است. اصل قضیه آن است که داخل خانه هاست و از مجامع جوانان سرچشمه می گیرد و دشمنان آن جا کار می کنند. آن که آشکار نیست، آن که پنهان است، خطر آن جاست.(2)

هرچند بیش از 10 سال طول کشید تا فضای عمومی جامعه، به تدریج تهاجم فرهنگی را باور کند!

سالها پیش، من يك روز راجع به تهاجم فرهنگی صحبت کردم و گفتم دشمن از روزه های فرهنگی به ما حمله می کند؛ اما متأسفانه عده ای این را نفهمیدند. بعضی صریح و بعضی هم در پرده گفتند فلانی به چه چیزی حمله می کند؟! کدام تهاجم، چه تهاجمی؟! امروز بعد از گذشت چند سال، آدمهای دیرفهم کم کم می فهمند که تهاجم فرهنگی یعنی چه! موج حملات فرهنگی

ص: 136

1- . بیانات در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام

سجاد(ع) 22/04/1371

2- . بیانات در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت «روز کارگر» و «روز معلم» 15/02/1372

دشمن که ایمان جوانان را هدف قرار داده، حالا به چشمشان می آید و ابراز نگرانی می کنند! می بینند در همه ی محیطهایی که جوانان حضور دارند، دشمن می خواهد جاپایی از خود به جا بگذارد و عقیده ی آنها را به انقلاب و دین و امام برگرداند؛ حتی عده ای در این که این ملت استقلال می خواهد، خدشه می کنند! یعنی درست همان خواست دشمن؛ یعنی تهاجم فرهنگی. (1)

اما رهبری حکیمانه فقیه در جامعه ما، با وجود گذشت بیش از دو دهه، با استفاده از تعبیر گوناگون «شبیخون فرهنگی»، «قتل عام فرهنگی»، «ناتوی فرهنگی»، «امپراطوری فرهنگی» و اخیراً نیز با تعبیر جدید «جنگ نرم»، مسئولین و فعالان فرهنگی را نسبت به ماهیت این شیوه از ستیز، آگاه کرده اند:

در تهاجم نظامی شما طرفتان را میشناسید، دشمنتان را می بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشمتان نمی بینید. هوشیاری لازم است. من از همه ی ملت ایران بخصوص از خانواده های شهیدان و از همه ی شما عزیزان، بخصوص از جوانها خواهش میکنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل موربانه ای به جان پایه های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آنها را دچار رخنه کند؛ این مهم است. همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم. (2)

ص: 137

1- . بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت 19 دی ماه، سالروز قیام مردم قم 19/10/1380

2- . بیانات در دیدار خانواده های شهدا و ایثارگران کردستان 22/02/1388

«باید توجه داشت که تصمیم‌گیری‌های مهم و جدی، همواره از ضروریات مدیریت بحران در لحظات ابتدایی وقوع است. تصمیماتی که نه تنها در سازماندهی جبهه خودی مهمترین تاثیر را دارد، بلکه در شکل‌دهی آینده و نتیجه بحران، نقشی محوری دارد.»

در مواجهه با بحران، اتخاذ تصمیم‌های صحیح منوط به دسته‌بندی حقایق و واقعیتها باشد. حیاتی‌ترین اقدام در آغاز، این است که باید به سرعت فهمید چه چیزی رخ داده است و چه اقدامی در مقابل آن باید انجام داد و پس از آن شرایط چگونه خواهد بود. بیش از 90% تصمیمات حساس در ساعات اولیه بحران صورت می‌گیرد و عوامل متعددی باید در مورد افراد و مسائل مرتبط در آن واحد در نظر گرفته شود.

بحران به طور اجتناب‌ناپذیر در سه بعد تصمیم‌گیری را تحت تاثیر قرار می‌دهد:

1. هدفهای عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند؛
 2. زمان واکنش را برای اتخاذ تصمیم محدود می‌سازد؛
 3. عناصر و عوامل، تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند.
- بنابراین سه عامل مهم که در تعریف و تشخیص بحران از دیدگاه روش تصمیم‌گیری نقش عمده دارند، عبارتند از: «تهدید»، «زمان» و «غافلگیری»⁽¹⁾.

ص: 138

1- «برنامه ریزی و تصمیم‌گیری در مدیریت بحران»، پایگاه مقالات علمی مدیریت

عبور کشور از بحرانه‌های متعدد و عمدتاً پیچیده در طول دو دهه رهبری آیت الله العظمی خامنه‌ای، و اقتدار روزافزون نظام جمهوری اسلامی بعد از پشت سر گذاشتن این بحرانه‌ها، خود کافی است تا قدرت تصمیم‌گیری و کنترل بحران رهبری نظام را اثبات کند؛ اما به عنوان نمونه، به بررسی مختصر 3 بحران در این سالها و نحوه مدیریت ایشان در مقابله با این بحرانه‌ها می‌پردازیم:

1-2-3. جنگ خلیج فارس

در جریان حمله صدام به کویت و اعمال فشارهای بین‌المللی بر عراق و شروع حمله نظامی به این کشور عکس‌العمل بعضی از گروه‌ها و دستجات سیاسی کشور ما در قبال حمله آمریکا، تلاش کردند نظام را به سمت دخالت در جنگ به نفع صدام سوق دهند. آنها معتقد بودند از فرصت به دست آمده باید استفاده کرد و با رژیم صدام هم پیمان شد و با آمریکا جنگید!

یه عنوان مثال، یکی از نمایندگان سومین دوره مجلس شورای اسلامی در بیاناتی اظهار داشت:

«ما همه اش می‌گوییم مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، حالا باید این مساله را عملاً نشان دهیم... و الله و بالله فردا اگر آمریکا پیروز شود و در بغل ایران بیایید، به این آسانی منطقه را ترک نمی‌کند. نباید این فرصت را از دست داد، حالا که خودش آمده ما جنگ می‌کنیم، نبرد می‌کنیم و در این نبرد قهرمانانه نمی‌توانیم ملت عراق را تنها بگذاریم. گذشته‌ها یک مساله دیگر است. جنگ با عراق یک مساله دیگر است. تجاوز عراق به ایران یک

مساله ديگر است. اما اينجا سرنوشت اسلام مطرح است ... اين براي ما ننگ است، براي ما عار است، اسلحه داريم، قدرت داريم، جوان داريم، بسيجي داريم، بسيجي داريم، ولي بخواهيم تساهل و تسامح كنيم، هيچ وقت تسامح در اين جور مسايل جايز نيست. بايد به طرف جنگ و جبهه برويم، نبايد بگذاريم عراق يعني ملت سي ميليوني عراق پايمال شود و اين پايمال شدن در واقع پايمال شدن اسلام است.»⁽¹⁾

و يكي ديگر از نمايندگان در اظهار نظري جالب توجه صدام را با «خالد ابن وليد» مقايسه كرد و گفت:

«حوادث و بحران اخير يادآور رويارويي و صف ارايي «خالد ابن وليد» در برابر قدرت هاي صدر اسلام است. او عمري در صف كفر، شمشير به روي پيامبر و مسلمين كشيد ولي در نهايت فاتح بزرگي براي مسلمانان شد. امروز دنياي كفر در مقابل ملت عراق و فلسطين به عنوان خاكريز اول قرار گرفته است و به يقين خاكريز بعدي، انقلاب و مسلمانان ايران هستند»⁽²⁾

موضع گيري ها و فضا سازي هاي موافقان حضور در جنگ به حمايت از صدام به اظهار نظر هاي رسانه اي در و يا نطق هاي پيش از دستور محدود نمايند. آنها براي اينكه نظام را وادار به پذيرش سخنان شان كنند، راه پيمائي هاي هم در اطراف مجلس ترتيب دادند!

اما درايت رهبر حكيم انقلاب اسلامي، موضع نظام را به گونه اي ديگر رقم زد.

ص: 140

1- . صادق خلخالي نماينده مردم قم در سومين دوره مجلس شوراي اسلامي - روزنامه جمهوري اسلامي، 30 دي 1369

2- . علي اكبر محتشمي پور نماينده مردم تهران - روزنامه جمهوري اسلامي، 1 بهمن 1369

«تحلیل قضایای جاری، کار پیچیده‌ی نیست. هر کسی به این صحنه و منظره نگاه کند، می‌تواند قضایا را تحلیل کند... صدام که ادعا می‌کند می‌خواهد از ملت خود یا ملت‌های عرب دفاع کند، حرفش چرند و دروغ و مسخره است؛ از قدرت خودش دفاع می‌کند. او کسی است که اگر هزاران نفر، بلکه صدها هزار نفر از ملت خودش در مقابلش بایستند و لازم بدانند آنها را از بین ببرد، یک ثانیه تأمل نمی‌کند و آنها را از بین می‌برد!... آن طرف قضیه هم که به عنوان دفاع از منافع دنیای آزاد و مقابله‌ی با دیکتاتوری صدام وارد میدان جنگ شده - یعنی امریکا - او هم از دروغگو، دروغگوتر است؛ او هم متجاوز است و برای منافع خود، کار و تلاش می‌کند. کاری که صدام حسین در کویت کرد، عیناً همان کاری است که امریکا در حدود یک سال قبل از این در پاناما کرد و چند سال قبل از این در گرانادا انجام داد؛ کار صدام نوع عربی آن است! آن، نوع امریکاییش بود که یک مقدار با زرق و برق بیشتری همراه بود و جنایتی در زورق پیچیده و بسته بندی شده، بر مردم آن کشورها فرود آمد؛ ولی کار این شخص، نوع عربی و نوع عراقی و نوع صدامیش است! یعنی حقیقت قضیه همان است؛ هیچ فرقی ندارد. قدرتها مثل کرکس‌هایی که به جیفه چشم دوخته‌اند و به هم نوک و چنگال می‌زنند، به جان هم افتاده‌اند. این، تفسیر و تحلیل قضیه است. (1)

در نتیجه، جمهوری اسلامی در جریان حمله عراق به کویت ضمن محکوم کردن این حمله، مرزهای خود را برای پذیرفتن آوارگان کویتی

باز کرد و از آنان در خاک ایران پذیرایی نمود.

2-2-3. ماجرای میکونوس و ایستادگی در برابر تمام اروپا!

پنج شنبه 26 شهریورماه 1371، حادثه ای در یک رستوران یونانی به نام میکونوس در اطراف برلین رخ داد که تاثیر زیادی بر روابط ایران و اتحادیه اروپا بر جای گذاشت.

بر اثر حمله افراد مسلح به این رستوران، 4 تن کشته شدند که از معارضین و معاندین نظام جمهوری اسلامی در منطقه کردستان بودند. بعد از این حادثه رسانه های غربی با انتشار اخبار و تحلیل های جهت دار در پی آن برآمدند تا جمهوری اسلامی را به عنوان مسئول این ترورها معرفی کنند.

در جریان دادگاه که با صحنه گردانی آمریکای صهیونیست ها همراه بود، کاظم دارابی از اتباع ایرانی مقیم آلمان و 3 تبعه لبنانی به اتهام همکاری با وی به حبس ابد و یا زندان محکوم شدند. علاوه بر این، در رای صادره توسط دادگاه آلمان تعدادی از مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی بدون ارائه هیچ مدرکی به همکاری در این عملیات تروریستی متهم شدند.

با صدور این رای جمهوری اسلامی سفیر خود را از آلمان فراخواند و متعاقب آن آلمان نیز سفیر خود را از جمهوری اسلامی فراخواند. اتحادیه اروپا هم با انتشار بیانیه ای در 9 اردیبهشت 1376 ضمن جانبداری کامل از حکم دادگاه آلمان، اعلام کرد اولاً: کلیه ملاقات های

ص: 142

رسمی دوجانبه در سطح وزرا را لغو می کند و ثانيا: کلیه سفرای خود را از ایران فرا می خواند. (1)

بحران میکنونوس نزدیک به هفت ماه طول کشید. رهبر انقلاب در این دوران با انجام سخنرانی های متعدد و روشنگر، مسیر حرکت دستگاه سیاست خارجی کشور را روشن کردند تا از انحراف مسیر آن به سبب تغییر و تحولات مسئولین مصون بماند.

رهبر معظم انقلاب اولاً تاکید کردند دستگاه سیاست خارجی کشور باید بر سه پایه عزت، حکمت و مصلحت سیاست هایش را اعمال کند و ثانيا اعلام کردند به دستگاه سیاست خارجی دستور داده اند تا رفتار دولت ها اروپایی را با دقت زیر نظر گرفته و ثبت و ضبط کند تا ملت ایران در آینده با مراجعه به حافظه تاریخی خود، نوع رابطه با آنها را تنظیم کند (2).

ایشان در سخنرانی که یک روز بعد از انتشار بیانیه دولت های اروپایی ایراد کردند، در مورد این تصمیم اروپا فرمودند:

«همین جلسه ای را که دیروز وزرای خارجه ی اروپا داشتند، ملاحظه کنید! حرف های بیهوده و بی ادبانه ای زدند؛ مواضع غیر صحیحی اتخاذ کردند؛ ... من هر چه با خودم فکر کردم که روی موضعگیری اینها چه اسمی می شود گذاشت و معنای کارشان چیست، دیدم غیر از کلمه ی «وقاحت»، هیچ چیز

ص: 143

1- . بررسی روابط ایران و آلمان، حسین موسویان، ص 258

2- . بیانات مقام معظم رهبری، 27 فروردین 1376

دیگری نمی توانم نسبت به کار آنها بگویم.»⁽¹⁾

رهبر انقلاب در این سخنرانی تاکید کردند:

«مگر کسی اهمیت می دهد که اینها چه گفته اند؟ البته دستگاه دولتی ما که بحمدالله مواضع بسیار خوبی در مقابل حرکت های زشت اینها داشته است، از حالا به بعد هم بایستی با کمال قدرت عمل کند و در مرحله ی اول، سفیر آلمان را فعلاً تا مدتی نباید راه بدهد که به ایران بیاید. بقیه هم اگر می خواهند به عنوان یک حرکت به اصطلاح آشتی جویانه برگردند، مانعی ندارد. خودشان رفته اند، خودشان هم برمی گردند. دیدند که رفتشان هیچ اهمیتی ندارد. اینها می خواهند برگردند، مانعی ندارد؛ اما در رفتن سفرای ایران به کشورهای آنها، هیچ عجله ای نباید بشود. باید سر صبر و فرصت ببینند چه چیزی مصلحت است؛ هر چه که عزت اسلامی اقتضا می کند - همان طور که همیشه گفته ایم - همان گونه عمل کنند.»⁽²⁾

اتحادیه اروپا در نشست 9 اردیبهشت 76 که در سطح وزرای خارجه در کشور لوگزامبورگ برگزار شده بود، مقرر کرده بود که سفرایش بعد از بیست روز به ایران برگردند! دولت های اروپایی به دنبال آن بودند تا همه سفرایشان و از جمله سفیر آلمان به اتفاق هم و به صورت دسته جمعی وارد تهران شوند. اما با دستور رهبر انقلاب از این کار جلوگیری به عمل آمد. غیبت سفرای اروپایی در تهران تا آبان ماه به طول انجامید؛ در این مدت آنها تاکید می کردند حضور آنها در تهران بدون

ص: 144

1- . بیانات رهبر معظم انقلاب، 10 اردیبهشت 1376

2- . بیانات رهبر معظم انقلاب، 10 اردیبهشت 1376

سفیر آلمان به «همبستگی اروپایی» ضربه می زند. اما سرانجام این ائتلاف به شکست انجامید و آنها مجبور شدند در 21 آبان 1376 سرفکنده و بدون سفیر آلمان به تهران بازگردند و سفیر آلمان هم چندی بعد جداگانه به تهران بازگشت.

3-2-3. مهار فتنه 88

«انتخابات دهم ریاست جمهوری و حوادث بعد از آن را باید یکی از پیچیده ترین شرایط سه دهه گذشته انقلاب اسلامی دانست که به واسطه آن خیلی از ظرفیت ها و واقعیت های جمهوری اسلامی محک خورد و مورد آزمون قرار گرفت.

در این بین نوع مواجهه و مدیریت رهبر انقلاب با مسئله انتخابات و حوادث بعد از آن، بیش از سایر متغیرها و مولفه ها، کمتر مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. و البته این بازخوانی ضرورتی است جدی؛ چرا که:

1. انتخابات و حوادث بعد از آن، بستر شناخت بی پرده و شفاف از ویژگی ها و ظرفیت های علمی، راهبردی و مدیریتی ایشان را خصوصا برای نسل جوان که در اثر کم کاری های علاقه مندان و حجاب های معاصرت و لوازم موقعیت رسمی رهبری، مکتوم مانده بود، آشکار ساخت.

2. ظرفیت، کارآمدی و قدرت روزآمدی اندیشه ولایت فقیه در مواجهه با چالش های پیچیده و چند وجهی را در یک تجربه عملی و

عینی نشان داد که خود بهترین پاسخ به پرسش‌ها و چالش‌های نظری در این باره محسوب می‌شود.

3. از رهگذر قرار داشتن رهبر انقلاب در عالی‌ترین موقعیت رسمی جمهوری اسلامی، قوت پاسخگویی نظام مردم‌سالاری دینی به نیازها و مسایل مبتلا به فهمیده می‌گردد و واقعیت‌پدیده مستحکم و ضد ضربه جمهوری اسلامی پس از سه دهه از ظهور و بروزش، درک و تحلیل می‌گردد.

4. به دلیل برخی نصاب‌شکنی‌ها در انتخابات و پیچیدگی و تازگی داشتن برخی حوادث بعد از انتخابات و مشابهت‌های محتوایی بین چالش‌های پدیدآمده در این حوادث با چالش‌های آینده (جنگ نرم)، نوع مدیریت رهبری حالت الگو دارد که می‌تواند به صورت یک مانیفست مدیریتی سطوح گوناگون نظام را از آن بهره‌مند کرد.»⁽¹⁾

در یک نگاه کلی، موارد برجسته مدیریت ایشان را در دو مقطع «تا 22 خرداد 88 (روز انتخابات)» و «از 22 خرداد تا 22 بهمن 88» بررسی می‌کنیم:

ص: 146

1- . برگرفته از مقاله «مدیریت رهبر انقلاب در مهار فتنه 88»، روزنامه جوان، ویژه‌نامه نوروز 1389 با کمی ویرایش

الف) گفتمان سازی

اصرار رهبر انقلاب بر ارائه شاخص‌هایی مبتنی بر اصول انقلاب اسلامی و تکرار این شاخص‌ها در جمع اقشار مختلف مردم و هدایت مردم به مطالبه این شاخص‌ها از کاندیداها، عامل مهمی بود تا تقریباً همه نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دهم، اجمالاً این شاخص‌ها را - البته با قوت و ضعف متفاوت و حداقل در گفتار - پذیرفته و آنها را به عنوان شعارهای انتخاباتی خود انتخاب کنند؛ به دو نمونه از کلمات معظم له در راستای سیاست گفتمان سازی توجه نمایید:

«نظام اسلامی، نظام اسلامی است در ظاهر و باطن؛ نه فقط نظام اسلامی در ظاهر. صرف اینکه حالا يك شرائطی در قانون اساسی برای رئیس جمهور و برای رهبر و برای رئیس قوه قضائیه و برای شورای نگهبان و برای که و که معین شده؛ و چه و چه، اینها کافی نیست؛ اگرچه اینها لازم است... شاخصهای هویت اسلامی بایستی معلوم باشد: شاخص عدالت طلبی، شاخص ساده زیستی مسئولان، شاخص کار و تلاش مخلصانه، شاخص طلب و پویائی علمی بی وقفه، شاخص ایستادگی قاطع در مقابل طمع ورزی و سلطه‌ی بیگانگان، شاخص دفاع از حقوق ملی. از حقوق ملت، دفاع شجاعانه کردن يك شاخص است؛ مثل همین حق هسته ای...»⁽¹⁾

«اعلام کرده ایم که این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل میشود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن،

ص: 147

1- . دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 24/9/1387 (شش ماه قبل از انتخابات)

تکرار کردن و همت ها و عزم ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل میشود و هم عدالت. ما میخواهیم مسئله ی پیشرفت و عدالت، در دهه ی چهارم به يك گفتمان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا نخواهیم، طراحی و برنامه ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود.»⁽¹⁾

ب) دعوت به مشارکت همگانی

زمینه سازی و هدایت هوشمندانه رهبر انقلاب برای مشارکت همگانی مردم در انتخابات را می توان در محورهای ذیل بررسی کرد:

1. تأکید مستمر بر مشارکت گسترده مردم به عنوان مسئله اول انتخابات (تقریباً در همه سخنرانی های پیش از انتخابات)

«همه باید اصرار داشته باشید که در انتخابات شرکت کنید. به نظر من مسئله ی اول در انتخابات، مسئله ی انتخاب این شخص یا آن شخص نیست؛ مسئله ی اول، مسئله ی حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم میکند، پایه های نظام را مستحکم میکند، آبروی ملت ایران را زیاد میکند، استقامت کشور را در مقابل دشمنی ها زیاد میکند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه و فساد و فتنه منصرف میکند. این يك مسئله ی بسیار مهم است؛ پس مسئله ی اول، شرکت در انتخابات است.»⁽²⁾

ص: 148

-
- 1- . بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار استادان و دانشجویان کردستان 27/2/1388 (کمتر از یک ماه قبل از انتخابات)
 - 2- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) 01/01/1388 (نزدیک سه ماه به انتخابات)

2. تأکید بر اهمیت اصل انتخابات در تعیین سرنوشت کشور.

«ملت عزیز ایران! من به شما عرض میکنم، درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان، همه‌ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. انتخابات آبروی ملی ماست؛ انتخابات یکی از شاخصهای رشد ملی ماست؛ انتخابات وسیله‌ای برای عزت ملی است. وقتی ببینند که ملت ایران با شور و با شعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوقهای رأی میروند، معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حق و توان تصمیم‌گیری قائل است؛ میخواهد در آینده‌ی کشور اثر بگذارد و مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور را انتخاب کند.» (1)

3. افشای برنامه و خواست دشمن برای کاهش مشارکت مردم.

«عزیزان من! انتخابات نزدیک است؛ امروز یک ماه به روز انتخابات باقی است. انتخابات یکی از آزمونهای بزرگ ملت ایران در مقابل چشم دشمنان است؛ به همین جهت روی انتخابات ما حساسند. از حدود یک سال پیش، دستگاههای تبلیغاتی دشمنان ملت ایران، با یک شیب ملایمی شروع کردند علیه این انتخابات حرف زدن و اقدام کردن و مطلب ساختن؛ دستگاههای امنیتی شان هم مشغول شدند به خبرگیری و گمانه زنی و پیشنهاد دادن. روی این انتخابات حساسند. امروز هم شما وقتی به خبرهای رسانه‌های گوناگون خارجی - که بسیاری از اینها دل پرکینه و پر دشمنی‌ای نسبت به ملت ایران دارند - نگاه کنید، خواهید دید نسبت به انتخابات ما بی تفاوت نیستند و سعی میکنند اغراض خودشان را عمل کنند. این اغراض چیست؟ در درجه‌ی اول،

ص: 149

1- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع) 01/01/1388 (نزدیک سه ماه به انتخابات)

هدفشان تعطیل شدن انتخابات است که انتخابات نباشد. در يك دوره ای سعی کردند انتخابات مجلس شورای اسلامی را به انواع و اقسام حيله ها متوقف کنند. خدای متعال نخواست و اراده ی مردان مؤمن نگذاشت؛ نتوانستند. از این مأیوسند که انتخابات را بکلی تعطیل کنند. در درجه ی بعد، هدفشان این است که انتخابات سبک و سرد برگزار بشود. میخواهند ملت ایران حضور فعالی در انتخابات نداشته باشد.»⁽¹⁾

4. ترسیم فضاي امید و چشم انداز مثبت و رو به جلو براي کشور.

«این دهه را ده سال پیشرفت و عدالت کشور و نظام جمهوری اسلامی نامیدیم؛ در حالی که از آغاز انقلاب، ملت ایران با حرکت عظیم خود و با ایجاد و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به سمت پیشرفت و عدالت حرکت کرده است. ده سال آینده چه خصوصیتی دارد که آن را به عنوان دهه ی پیشرفت و عدالت نامگذاری کرده ایم؟ به نظر ما تمایز ده سال آینده با سه دهه ی گذشته، در آمادگی های بسیار وسیع و عظیمی است که در کشور عزیزمان برای پیشرفت و عدالت به وجود آمده است، که این آمادگی ها به ملت بزرگ و مصمم ما اجازه میدهد که در این زمینه يك جهش و يك گام بلند نشان بدهد. ملت، آماده ی يك حرکت پرشتاب و بزرگی به سمت پیشرفت و عدالت است؛ چیزی که در دهه های قبل، این امکان با این گستردگی برای ملت فراهم نبود.»⁽²⁾

ص: 150

1- . بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج 22/2/1388 (يك ماه قبل از انتخابات)

2- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علي بن موسي الرضا(ع) 01/01/1388 (نزدیک سه ماه به انتخابات)

5. ابراز اعتماد به تشخیص و انتخاب مردم

«میدان برای همه باز است؛ بیایند در میدان انتخابات خود را بر مردم عرضه کنند. اختیار با مردم است؛ مردم هر جوری که فهمیدند، تشخیص دادند، هشیاری آنها به آنها کمک کرد، ان شاءالله همان جور عمل خواهند کرد.»⁽¹⁾

6. تقویت فضای رقابتی و آزاد در انتخابات.

«من به مسئولین انتخابات سفارش و تأکید میکنم؛ به طور حتم بایستی انتخابات را جوری برگزار کنند که پرشور باشد؛ دست همه ی نامزدها باز باشد؛ مردم آزادانه بتوانند انتخاب کنند و انتخابات، سالم و با امانت کامل ان شاءالله انجام بگیرد و انجام خواهد گرفت.»⁽²⁾

در نهایت، با مشارکت حدود 40 میلیونی مردم در انتخابات 22 خرداد، مهر تأییدی بر موفقیت این بخش از مدیریت ایشان زده شد:

«انتخابات 22 خرداد يك نمايش عظيمی بود از احساس مسئولیت ملت ما برای سرنوشت کشور؛ نمايش عظيمی بود از روح مشارکت جوی مردم در اداره ی کشورشان؛ نمايش عظيمی بود از دلبستگی مردم به نظامشان. حقیقتاً مشابه این حرکتی که در کشور انجام گرفت، من امروز در دنیا و در این دموکراسی های گوناگون - چه دموکراسی های ظاهری و دروغین و چه دموکراسی های واقعی که واقعاً به آراء مردم مراجعه میکنند - نظیرش را سراغ ندارم.»

در جمهوری اسلامی هم جز در همه پرسی سال 58 - فروردین 58 - هیچ نظیری دیگر برای این انتخاباتی که در جمعه ی گذشته شما انجام دادید، وجود ندارد؛ مشارکت حدود 85 درصد؛ چهل میلیون تقریباً جمعیت. انسان

ص: 151

1- . همان

2- . همان

دست مبارك ولى عصر را پشت سر حوادثى با اين عظمت مى بيند. اين نشانه ي توجه خداست. لازم ميدانم از اعماق دل نسبت به شما مردم عزيز در سراسر کشور ابراز ادب و ابراز تواضع کنم که واقعاً جا دارد.» (1)

ج) هشدار و ايجاد حساسيت نسبت به ترديد افكني درباره سلامت انتخابات

«من مى بينم بعضى ها در انتخاباتى که دو سه ماه ديگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده اند به خدشه کردن. اين چه منطقى است؟ اين چه فکرى است؟ اين چه انصافى است؟ اين همه انتخابات در طول اين سى سال انجام گرفته است - در حدود سى انتخابات - مسئولان وقت در هر دوره اى رسماً متعهد شده اند و صحت انتخابات را تضمين کرده اند، و انتخابات صحيح بوده است؛ چرا بى خود خدشه میکنند، مردم را متزلزل میکنند، ترديد ايجاد میکنند؟ که البته در ذهن مردم عزيز ما با اين حرفها ترديد ايجاد نخواهد شد.» (2)

از دو سه ماه قبل از اين، راديوهاى بيگانه شروع کردند به بدنام کردن و مخدوش کردن چهره ي انتخابات در کشورمان، براى بدبين کردن مردم. گاهى گفتند: اين انتخابات نيست، انتصابات است. گاهى گفتند: اين يك بازى کنترل شده ي درون حکومت است؛ گفتند: اين کاندیداها خودشان دارند بازى میکنند؛ نامزدهاى مختلف که مى بينيد با هم اختلاف نظر دارند، اينها همه ظاهرسازى است، بازى است. گاهى گفتند: در انتخابات قطعاً قلب انجام خواهد گرفت؛ هر وقتى يك چيزى گفتند. مقصود از همه ي اين تخريبها يك چيز است و او اينکه ميخواهند ملت در انتخابات، مشارکت قوی و نمايانی

ص: 152

1- . خطبه هاي نماز جمعه ي تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامي 29/3/1388 (يك هفته بعد از انتخابات)

2- . بيانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علي بن موسي الرضا(ع) 01/01/1388 (نزدیک سه ماه به انتخابات)

د) مدیریت فضای ملتبه بعد از مناظره ها و تذکر جدی به «همه نامزدها»

«من با مناظره و معارضه و گفتگو و انتقاد مخالفی ندارم؛ اما سعی کنید این در چهارچوبهای درست شرعی و دینی انجام بگیرد. مردم، مردم بیداری هستند، میفهمند، میدانند. این چهار نفر نامزدی که از شورای نگهبان تأیید شده اند و در اجتماعات گوناگون سخنرانی میکنند، خود آن نامزدهای محترم توجه کنند، مراقبت کنند که در این سخنرانی ها، در این اظهارات، جوری نباشد که منتهی بشود به ایجاد دشمنی و ایجاد نفاق؛ با برادری و با مهربانی پیش بروند. البته اختلاف نظر، اختلاف رأی، اختلاف سلیقه، در مسائل گوناگون، در مسائل شخصی، در مسائل عمومی، یک امر طبیعی است؛ اشکالی هم ندارد. نگذارید این به اغتشاش منتهی بشود. این را خود نامزدهای محترم هم توجه کنند.» (2)

مقطع دوم - از 22 خرداد تا 22 بهمن

الف) تحلیل عادلانه و غیرجانبدارانه از حوادث قبل و بعد از انتخابات

«بنده هم مثل بقیه ی آحاد ملت نشستم پای تلویزیون و این مناظره ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از اینکه نظام جمهوری اسلامی توانسته است به کمک مردم بیاید تا بتوانند قدرت انتخاب خود را بالا ببرند، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد؛ متأثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخشهای معیوب، آن تعریضها، آن تصریحها، التهاب آور و نگران کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود.

ص: 153

1- . بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 14/3/1388 (حدود یک هفته قبل از انتخابات)

2- . بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 14/3/1388 (حدود یک هفته قبل از انتخابات)

بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترك بودند. از يك طرف صریحترین اهانتها به رئیس جمهور قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنرانی ها را برای من می آوردند و من میدیدم یا گاهی می شنیدم؛ تهمتهائی زدند، حرفهائی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبتهای خلاف دادند، رئیس جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ گوئی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می بینیم میدانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت های خجالت آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند.

این از آن طرف. از این طرف هم همین جور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری انجام گرفت. کارنامه ی درخشان سی ساله ی انقلاب کمرنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیتهای این نظامند؛ اینها کسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند.»⁽¹⁾

«گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه هائی از تحریکات بدخواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزدايند. به همه آحاد مردم و بویژه جوانان عزیز که سرزنده ترین نقش آفرینان این حادثه ی شورانگیز بودند، توصیه میکنم که کاملاً هشیار باشند. همواره باید شبیه ی پس از انتخابات، روز مهربانی و بردباری باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران دیگر

ص: 154

1- . خطبه های نماز جمعه ي تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامي 29/3/1388 (یک هفته بعد از انتخابات)

ب) تحلیل حوادث بعد از انتخابات به عنوان «فتنه عمیق»

اشاره

در شرایطی که حوادث بعد از انتخابات کمتر قابل پیش بینی بود و در مجموعه نظام و بدنه وفادار به آن نیز آمادگی های تحلیلی و عملی برای برخورد با آن وجود نداشت، تحلیل حوادث بعد از انتخابات و تبیین فتنه عمیق، نقش مهمی در مواجهه و نیز نوع مواجهه با مسایل بعد از انتخابات داشت.

در این باره به موارد زیر اشاره می کنیم:

1. تبیین شرایط فتنه

«... خب، اینها ایجاد فتنه میکنند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود میکند. شعار طرفداری از قانون میدهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام میدهند. شعار طرفداری از امام میدهند، بعد کاری میکنند که در عرصه ی طرفداران آنها، يك چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم میکنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم میگیرند؛ بر اساس آن تصمیم، عمل میکنند؛ تشویق میشوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد میکند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضاست... يك کلمه ی حق را با يك کلمه ی باطل مخلوط میکنند، حق بر اولیاء حق مشتبه میشود.»

ص: 155

اینجاست که روشنگری، شاخص معین کردن، مایز معین کردن، معنا پیدا میکند.»(1)

«در حوادثِ فتنه گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است.»(2)

«اهل فتنه مایلند که خشیت خودشان را، خوف از خودشان را در دل نخبگان و خواص، به جای خشیت از خدا بنشانند؛ یعنی مایلند که از آنها ترسیده بشود؛ «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّخِذُوا مِنْهُمْ زُجُجًا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ وَاللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». یعنی اینکه دائماً دارند به ما میگویند: آقا! «إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّخِذُوا مِنْهُمْ زُجُجًا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ وَاللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (لشکر دشمن) برای (حمله به) شما اجتماع کرده اند؛ از آنها بترسید!»، جوابش همین است: «فَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ خدا ما را کافی است و بهترین حامی ما است». نتیجه اش هم این است: «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ، به همین جهت، آنها از این میدان، با نعمت و فضل پروردگار بازگشتند، در حالی که هیچ ناراحتی به آنها نرسید». نتیجه ی این احساس، این درك، این حقیقت روحی و معنوی همین است. بنابراین، بایستی این شجاعت را داشت.»(3)

«دیدید شما در اوائل همین حوادث بعد از انتخابات - این فتنه ی بعد از انتخابات - اولین کاری که شد، تردیدافکنی در کار مسئولین رسمی کشور بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزارت کشور. این تردیدافکنی ها خیلی

ص: 156

-
- 1- . بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 22/9/1388 (شش ماه بعد از انتخابات)
 - 2- . بیانات در دیدار جمعی از شعرا 14/6/1388 (حدود سه ماه بعد از انتخابات)
 - 3- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 02/07/1388 (بیش از سه ماه بعد از انتخابات)

مضر است؛ دشمن این را می‌خواهد. جوانان بسیجی باید ایمان را، بصیرت را، انگیزه را، رعایت موازین و معیارها را، اینها همه را با هم ملاحظه کنند.»⁽¹⁾

2. تبیین روش امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مقابله با فتنه ها

«فرمود: من صبر خواهم کرد. اما تا کی؟ «ما لم اخف علی جماعتکم»؛ آن وقتی که بینم حرکت اینها دارد بین شما مسلمانها شکاف ایجاد میکند، اختلاف ایجاد میکند، برادران را در مقابل هم قرار می‌دهد، آن وقت وارد عمل خواهم شد و فتنه را علاج خواهم کرد؛ تا آن وقتی که ممکن است، صبر میکنم و با نصیحت رفتار میکنم.

... اما آن وقتی که این مدارا اثر نکند، آن وقت جای قاطعیت علوی است؛ آن جایی است که امیرالمؤمنین نشان می‌دهد که با کسانی مثل خوارج، آنجور رفتار میکند که خودش فرمود: «انا فقات عین الفتنة»؛ چشم فتنه را من در آوردم. و کسی دیگر غیر از علی نمی‌توانست - به گفته ی خود آن بزرگوار در نهج البلاغه - این کار را بکند.»⁽²⁾

3. طرح «بصیرت» به صورت يك گفتمان و انتخاب راهبرد «روشنگري و شفاف سازي» در برابر فتنه

«در دنیایی که اساس کار دشمنان حقیقت بر فتنه سازی است، اساس کار طرفداران حقیقت بایست بر این باشد که بصیرت را، راهنمایی را، هرچه میتوانند، برجسته تر کنند و این شاخصها را، این مایزها را، این معالم الطریق را بیشتر، واضح تر، روشن تر در مقابل چشم مردم قرار بدهند، که مردم بفهمند،

ص: 157

1- . بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور 4/9/1388 (بیش از پنج ماه بعد از انتخابات)

2- . خطبه های نماز جمعه ي تهران 20/06/1388 (سه ماه بعد از انتخابات)

«اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده ام، به خاطر این است که يك ملتى که بصیرت دارد، مجموعه ی جوانان يك کشور وقتى بصیرت دارند، آگاهانه حرکت میکنند و قدم بر میدارند، همه ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند میشود. بصیرت این است. بصیرت وقتى بود، غبار آلودگی فتنه نمیتواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم میگذازد. شما در جبهه ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، يك وقت نگاه میکنید می بینید در محاصره ی دشمن قرار گرفته اید؛ راه را عوضی آمده اید، دشمن بر شما مسلط میشود. این قطب نما همان بصیرت است.» (2)

«بعضی ها در فضای فتنه، این جمله ی «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرَ فَيْرَكَبَ وَلَا صَدْرَ عَ فَيَحْلَبُ» (3) را بد می فهمند و خیال میکنند معنایش این است که وقتى فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظَهْرَ فَيْرَكَبَ وَلَا صَدْرَ عَ فَيَحْلَبُ»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود.

... گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته

ص: 158

- 1- . بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 22/9/1388 (شش ماه بعد از انتخابات)
- 2- . بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر 15/07/1388 (حدود چهار ماه بعد از انتخابات)
- 3- . هنگام فتنه چون شتر دو ساله باش نه پستی تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش دوشند- چنان زی که در تو طمع نبندند. (نهج البلاغه، کلمه قصار 1)

4. تذکر جدی به دلسوزان انقلاب مبنی بر بازی نکردن در زمین دشمن

«جوانهای عزیز مراقب باشند، مواظب باشند که هرگونه کار بی رویه ای، کمک به دشمن است. می بینم همین طور جوانها گله مند، ناراحت و عصبانی؛ گاهی هم از بنده گله میکنند که چرا فلانی صبر میکند؟ چرا فلانی ملاحظه میکند؟ من عرض میکنم؛ در شرائطی که دشمن با همه ی وجود، با همه ی امکانات خود درصدد طراحی يك فتنه است و میخواهد يك بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد. دستگاه های مسئولی وجود دارند، قانون وجود دارد؛ بر طبق قانون، بدون هیچگونه تخطی از قانون، بایستی مَر قانون به صورت قاطع انجام بگیرد؛ اما ورود افرادی که شأن قانونی و سمت قانونی و وظیفه ی قانونی و مسئولیت قانونی ندارند، قضایا را خراب میکند.» (2)

ج) تاکید بر فصل الخطاب بودن قانون

«بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده اند، بعضی برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، بر طبق قانون. اگر واقعاً شبهه ای هست، از راه های قانونی پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همانطور که حق دادند که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر

ص: 159

1- .بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 02/07/1388 (بیش از سه ماه بعد از انتخابات)

2- . بیانات در دیدار مردم قم در سالگرد قیام 19 دی 19/10/1388 (هفت ماه بعد از انتخابات)

مواردی خواستند صندوقها را بازشماری بکنند، با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند، آنجا بشمرند، ثبت کنند، امضاء کنند. بنابراین، هیچ مشکلی در این جهت وجود ندارد.»⁽¹⁾

د) بوجود آوردن فضای فعال در جریان انقلاب با تحلیل «جنگ نرم» و افشای محورهای اصلی آن

هرچند همانطور که قبلاً اشاره شد، رهبر انقلاب از سال 1368 با استفاده از تعابیر مختلف نسبت به «تهاجم فرهنگی» دشمن هشدار دادند، اما استفاده از تعبیر «توطئه های نرم» و «تهدیدهای نرم» از اواخر سال 1387، و همچنین تعبیر «جنگ نرم» درست در مقطع فتنه های بعد از انتخابات دهم ریاست جمهوری، و نیز تبیین این مفهوم در جمع اقشار مختلف نخبگان، سعی کردند با ابداع تعابیر «افسران و فرماندهان جنگ نرم»، جبهه جدیدی را در مقابله با این تهاجم سازماندهی کنند:

«... در چند روز پیش که جوانهای دانشجو اینجا بودند ... به آنها گفتم که ما با «جنگ نرم»، با مبارزه ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوانها هم همین را هی گفتند؛ مکرر قبل از اینکه بنده بگویم، آنها هم هی گفتند و همه این را میدانستند.

آنی که من اضافه کردم این بود که گفتم: در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجو، «افسران جوان» این جبهه اید... اگر در زمینه های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی

ص: 160

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی 29/3/1388 (یک هفته بعد از انتخابات)

احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه ی بالاتر افسر جوانید؛ شما «فرمانده» ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسائی بکنید؛ هدفهای دشمن را کشف بکنید؛ احیانا به قرارگاه های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید.»⁽¹⁾

«جنگ نرم؛ راست است، این يك واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی‌زنم، من از بعد از جنگ - از سال 67 - همیشه این را گفته ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می بینم صحنه را، می بینم تجهیز را، می بینم صف آرائی ها را، می بینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه ی این آرمانها و علیه همه ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته اند را؛ اینها را انسان دارد می بیند، خوب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم.»⁽²⁾

ه- ناکام گذاشتن استراتژی فشار از پایین و چانه زنی در بالا

محور اصلی حرکت جریان فتنه بعد از انتخابات به عقب راندن نظام در مواضع اصولی آن بود و رهبر انقلاب هدف مرکزی این راهبرد محسوب می شد. ایستادگی رهبری و قاطعیت ایشان علی رغم فشارها، جریان فتنه را در مقاطع گوناگون کاملاً مأیوس کرد.

در روزهای ابتدایی بعد از انتخابات یکی از محورهای اصلی جریان

ص: 161

1- . بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها 8/6/1388 (بیش از دو ماه بعد از انتخابات)

2- . بیانات در دیدار جمعی از شعرا 14/6/1388 (حدود سه ماه بعد از انتخابات)

فتنه، فشار از پایین و چانه زنی از بالا بود که طی روزهای دیگر نیز به صورت محدودتر ادامه پیدا کرد ولی خطبه های نماز جمعه 29 خرداد نقطه یأس آنها شد:

«این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسئولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیر قانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.» (1)

در حوادث روزهای بعد از خطبه های نماز جمعه، روز قدس، 13 آبان، 16 آذر و عاشورا و تاسوعا تا 22 بهمن، همین خواسته محور اصلی بود. بعد از حادثه تلخ روز عاشورا و راهپیمایی 9 دی، برخی چانه زنی ها از سوی جریان فتنه به شکل های گوناگون مکتوب و شفاهی به منظور تنازل نظام و رهبری از مواضع اصولی صورت پذیرفت اما همه این تلاشها در برابر قاطعیت رهبری، ناکام ماند. نهایتاً روز 22 بهمن یک نقطه پایان در استراتژی فشار از پایین و چانه زنی از بالا در جریان فتنه بود.

«شما دیدید فتنه ای به وجود آمد، کارهایی شد، تلاشهایی شد، آمریکا از

ص: 162

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی 29/3/1388 (یک هفته بعد از انتخابات)

فتنه گران دفاع کرد، انگلیس دفاع کرد، قدرتهای غربی دفاع کردند، منافقین دفاع کردند، سلطنت طلبها دفاع کردند؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در مقابل همه ی این اتحاد و اتفاق نامیمون، مردم عزیز ما، ملت بزرگ ما در روز نهم دی، در روز بیست و دوی بهمن، آنچنان عظمتی از خودشان نشان دادند که دنیا را خیره کرد. ایران امروز، جوان امروز، تحصیلکرده ی امروز، ایرانیان امروز، آنچنان وضعیتی دارند که هر توطئه ای را دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی زمینه چینی کند، به توفیق الهی توطئه را خنثی میکنند. منتها توجه داشته باشید؛ باید تقوا پیشه کنیم. آنچه ما را قوی میکند، تقواست؛ آنچه ما را آسیب ناپذیر میکند، تقواست؛ آنچه ما را به ادامه ی این راه تا رسیدن به اهداف عالی امیدوار میکند، تقواست.»(1)

در نهایت، حادثه عظیم 9 دی و راهپیمایی 22 بهمن پس از ماهها مظلومیت انقلاب و رهبری و جنگ روانی سنگین تبلیغاتی و رسانه ای همراه با دروغ و تهمت، توانست سیمای مقتدر نظام اسلامی و پایگاه عظیم مردمی و اعتماد ملت به انقلاب و مقام معظم رهبری را به نمایش بگذارد و مهر تایید دیگری بر قدرت مدیریت و کارآمدی رهبر مقتدر نظام اسلامی مان باشد.

ص: 163

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران در حرم امام خمینی (ره) 14/3/1389 (یک سال بعد از انتخابات)

ضمیمه آشنایی به مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات مرکز مدیریت حوزه های علمیه

«مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات» با هدف پاسخگویی به پرسش های بنیادین و رفع و دفع آسیب ها و شبهات مطرح در حوزه دین تأسیس شده است.

مطابق اساسنامه، این مرکز با هدف پاسخگویی به پرسش های بنیادین و رفع و دفع آسیب ها و شبهات مطرح در حوزه دین تأسیس شده است.

توسعه و تقویت نوآوری ها در عرصه مواجهه فعال و عالمانه با شبهه افکنی بر اساس مناظرات و جدال احسن از دیگر وظایف این مرکز است.

ارتقای توانمندی حوزویان در رویارویی علمی با شبهات و پرسش های نوپدید و تقویت دانش و مهارت های مناظره و گفت و گوی علمی از دیگر

وظایف این مرکز پاسخگویی است.

ساماندهی شبهات، ایجاد سامانه شبهه شناسی و آسیب شناسی، طبقه بندی شبهات و اولویت گذاری و ترسیم نقشه راه برای حوزه های علمیه جهت پاسخ دهی به شبهات از دیگر برنامه هایی است که برای رسیدن به اهداف مرکز پیگیری می شود.

مرکز مطالعات به دنبال آن است که نبض شبهاتی را که در جامعه وجود دارد در دست داشته باشد و همچون چراغی فراروی اندیشمندان اسلامی، بتواند به موقع و به جا آفندهای دشمن را پدافند کنند و با حمله به مراکز استراتژیک فکری دشمن، عقبه فکری و ایدئولوژیک شبهه افکنی و شبهه پراکنی علیه اسلام را از کار بیندازند.

آرشیو این مرکز با بیش از سی هزار پرسش و پاسخ امکان مناسبی برای این کار فراهم آورده است و روز به روز بر غنای آن افزوده می شود.

تهیه خروجی از این آرشیو از برنامه هایی است که در دستور کار مرکز قرار دارد؛ از جمله نرم افزار پاسخ، که در برگیرنده هشت هزار پرسش و پاسخ است و به زودی برای استفاده در کامپیوترهای شخصی و تلفن همراه عرضه می شود.

این نرم افزار حاصل بخشی از ده سال کار علمی این مرکز است و در مدت یک سال با تشکیل کارگروه های مختلف و انجام کارشناسی دقیق از میان ده ها هزار پرسش و پاسخ انتخاب و پس از بازبینی و اصلاح برای استفاده در نرم افزار آماده شده است.

شناسایی مراکز، نهادها و اشخاص شبهه افکن، مناطق جغرافیایی که

در آن‌ها شبهه ایجاد می‌شود و ادیان و مذاهب ساختگی، از وظایف این مرکز است که پس از شناسایی اهداف، ساختارها، عقبه فکری و برنامه‌های آن‌ها مورد مطالعه و بازبینی قرار می‌گیرد و بازتعریف می‌شود تا کسانی که به فکر مقابله با این جریان‌های منحط و منحرف هستند آشنایی بیشتری نسبت به آن‌ها پیداکنند و با مطالعه و آگاهی بیشتر آن‌ها را مورد هجوم قرار دهند.

انتشار کتاب و نشریه بخشی دیگری از برنامه‌های این مرکز در راستای پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهات است و نزدیک به شصت کتاب تا کنون چاپ شده و تعداد دیگر در دست چاپ است.

این مرکز در صدد است این کتب را در قالب‌های مختلف بر اساس نوع مخاطب، زبان، سن و میزان تحصیلات منتشر کند.

برگزاری نشست‌ها و کرسی‌های نقد و نظر از دیگر برنامه‌های مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات است و تاکنون بیش از صد نشست با عنوان کانون گفتمان در حوزه علمیه قم برگزار شده است.

همچنین طراحی پایگاه‌های اینترنتی از دیگر برنامه‌های این مرکز است، پایگاه اینترنتی اندیشه قم، پایگاه رسمی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات است.

بر روی این پایگاه پرسش‌ها و پاسخ‌هایی در دوازده موضوع قرآن، کلام و اعتقادات، دین پژوهی، فقه و احکام، ادیان و مذاهب، تاریخ اسلام، تاریخ معاصر، مهدویت، حدیث، تربیت و مشاوره و سیاست

حقوق، قرار داده شده است.

گلچین احادیث معصومین، اخلاق اسلامی، آثار مرکز، نقد و بررسی مطبوعات، کانون گفتمان دینی، نقد شبهات اینترنتی، حلقه های نقد، توصیه های تربیتی، داستان ها و حکایات از دیگر مطالب این پایگاه اینترنتی است.

پایگاه اینترنتی اندیشه قم، از نشانی www.andisheqom.com قابل مشاهده و دستیابی است.

ص: 167

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

